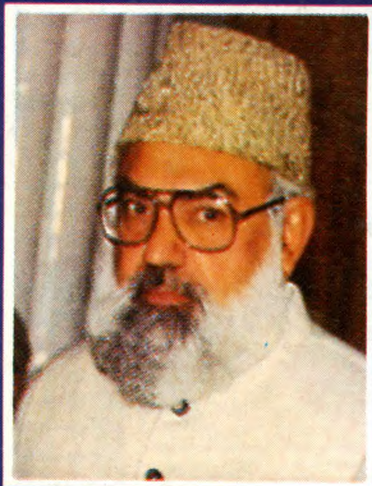


قاضي حسين احمد
مجددا براي پنج سال
به حيث امير جماعت
اسلامي پاكستان انتخاب
گرديد

عمران

ارگان نشراتی انجمن اسلامی انجنیران و مهندسان افغانستان

دور اول نشراتي- شماره مسلسل(۵) سال اول- شماره پنجم ماه عقرب سال ۱۳۷۱ هـ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

فرمان خدا جل جلاله

ولن ترضي عنك اليهود ولا النصارا حتي تتبع ملتهم قل ان هُدي
اللهِ هوالهدي ولئن اتبعت اَهوآء هم بعد الذي جاء ک منَ العلم
مالک من الله من ولي ولا نصير

سوره بقره آيه : ۱۲۰

ترجمه

هرگز خوشنود نمي شوند از تو يهود و نه نصارا تا آنکه پيروي کني دين ايشان را، بگو هرآئينه رهنمائي خدا آنست راهِ راست. واگر(باالفرض) متابعت کني آرزوهاي ايشان را بعد از آنکه آمد ترا ازدانش ، نيست ترا از عذاب خدا (ج) هيچ حمايت کننده و نه مدد گاري.

ادرس مکاتباتي

مديريت مجله (عمران)

G.P.O. Box # 126-

PESHAWAR - PAKISTAN

Tel: 810193-

مؤسس : انجنير غلام حضرت «متواضع»

صاحب امتياز : انجمن اسلامي انجنيران ومهندسان افغانستان

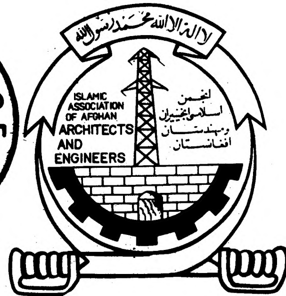
تحت نظر هيئت تحرير:

مدير مسئوول : محمد طاهر «محبوب يار»

سال تأسيس : ۱۳۷۱ هـ ش

شرح روي جلد: مسجد اقصي





عمران

ارگان نشراتي انجمن اسلامي انجنيران ومهندسان افغانستان

دور اول نشراتي - سال اول- شماره پنجم ماه عقرب ۱۳۷۱ هـ ش

فهرست مطالب

يادداشت

شايعه ميزباني حكومت پاكستان از رشيد دوستم به حقيقت پيوست

حقيقت مسلم كه حكومت پاكستان بعداز فروپاشي شوروي سابق در صدد آنست كه بتواند راه ترانيزتي و تجارتي خو درا به سوي كشورهاي تازه به آزادي رسيده آسياي ميانه باز نموده ازين طريق منافع بيشتر تجارتي و اقتصادي را به خود كمائي نمايد. چنانچه درهمين راستا در آوانيكه نجيب هنوز زمام امور را در دست داشت پاكستان به فورمول پنج نكاتي سازمان ملل و جست و خيزهاي آماتورانه بنين سيوان اظهار آمادگي نشان داده پشتيباني خود را از طرح وي ابراز نمود تا با پايان گرفتن جنگ از طريق فورمول بنديهاي سيوان راه تجارتي اش به سوي كشورهاي تاجكستان ، ازبكستان ، تركمنستان ، قزاقستان و قرغزستان باز گردد.

تا آن زمان (اضمحلال اتحاد شوروي سابق) همه به اين باور بودند كه حكومت پاكستان هيچگاه راضي نخواهد شد تا برخلاف ميل وآرزوي مجاهدين كدام پلان وبرنامه اي درافغانستان تطبيق گردد. ولي انعطاف غير منتظره پاكستان از موقف گذشته اش و ناديده گرفتن مصلحت مجاهدين درين برهه از زمان ،اينگونه تعبير و تفسيرميگردد كه پاكستان تيرش به هدف اصابت كرده ودر پي تأمين منافع خودش درمنطقه است .

دراوائل ماه ثور ۱۳۷۱ هـ كه مليشه هاي مستقر درشمال بر سر مسئله تبديلي جنرال مؤمن و احتمال به مخاطره افتيدن قدرت وسلطه شان درمزار ، حيرتان ... به اشاره ببرك كارمل علم مخالفت را بانجيب بلند نمودند وحزب خائن وطن شكار فركسيون بازي ها و كشمكش هاي دوروني گرديد مجاهدين با استفاده از موقع وارد شهركابل شده اكثريت وزارت خانه ها و مناطق حساس انتظامي را تحت تسلط خود در آوردند. قبل براين دوستم، مؤمن وكيان با بهانه قراردادن ستم نژادي و حق تلفي درحق مليت هاي ازبك ، هزاره و تاجك با قوماندان جمعيت اسلامي احمدشاه مسعود در تماس شده معاهده جبل السراج را امضاء نمودند تا بتوانند همزمان با سقوط حكومت نجيب خلاي قدرت رادر مركز پر نموده نگذارند بازهم به زعم خودشان پشتون ها زمام امور كشور را بدست بگيرند . در پنجم ثور ۱۳۷۱ نيروهاي ائتلافي زماني كه ديدند مجاهدين تنظيمهاي مختلف داخل كابل شدند وپلان آنها عقيم ماند با عجلت وسرا سيمگي با حكومت پاكستان در تماس شدند كه قدرت به

مجاهدین انتقال نموده هرچه زودتر به رهبران جهادي توصیه نمائید تا روي ساختار وتشکل یك شوراي مؤقت به توافق رسیده عجالتاً شوراي جهادي مؤقت به منظور حفظ نظم وآرامش وجلو گیري ازتصادمات میان گروهي وارد کابل شود .

حکومت پاکستان که با شکست طرح سیوان خجلت زده و مأیوس بود فرصت مناسبي بدست آورد تا چهره مورد اعتماد خو درا که درعین حال مورد تائید ادارات استخباراتي غرب و معحدینش نیز باشد درراس شوراي نامنهاد جهادي نصب و روانه کابل نماید. سر انجام بعد از ساعتها جرو بحث و بگو ومگو به اثر پا فشاري نواز شریف و سیوان بدون اینکه رضایت تنظیمهاي مؤثر جهادي درنظرگرفته شود صبغت الله "مجددي به حیث رئیس شوراي جهادي انتقال قدرت تعین گردیدو بتاریخ ۷ ثور ۱۳۷۱ ازطریق شاهراه تورخم - جلال آباد وارد کابل شد.

دو روز بعد از مواصلت "مجددي" به کابل متعاقب آن نواز شریف صدراعظم پاکستان در رأس یك وفد بلند پایه که درآن رئیس ستاد ارتش پاکستان آصف نواز جنجوعه ومسئول اداره (آي، ایس، آي) جاوید " ناصر" نیز شامل بودند بخاطر قانوني جلوه دادن حکومت جناب "مجددي" وارد کابل شدند . در میدان هواي کابل از نواز شریف و هیئتي معیتي اش مجددي و دسته هاي مسلح ملیشیاي تحت فرمان رشید دوستم که با راکت اندازها و ماشیندارهاي خفیف و ثقیل مسلح بودند، پذیرائي کردند . نواز شریف در اقامت چند ساعته خود در کابل ضمن تشویق و ترغیب "مجددي" به ایستادگي و مقاومت در برابر مشکلات وموانع ، چك ده ملیون دالري را به وي تقدیم نمود تا از اعاشه واباته ملیشه ها و ته مانده هاي رژیم مرتد سابق احساس ناتواني و کمي ننماید.

مجددي در مدت دوماه حکومت خود جز اینکه آتش جنگ و تنفر رادرمیان گروه هاي جهادي افزایش دهد وبه رشید دوستم لقب مجاهد بزرگ !! و ستر جنرالي بدهد و مصداق آیه مبارکه (و تعز من تشآء و تذلّ من تشآء) را در باره او تعبیر و تفسیر نماید کار نامه دیگري از خود بجا نگذاشت .

جناب "مجددي" بعد از ختم دوره ریاست جمهوري اش به عوض اینکه در میان مردم باقي بماند وبه حیث یك موي سفید مؤمن وخیر اندیش درحل قضایا و مشکلات ذات البیني مجاهدین بپردازد فوراً به پشاور برگشت و ازینجا روانه امریکا واروپا گردید تا با " بوش وجان میجر" ...در مورد آینده خود و رفقایش صحبت و گفتگو نماید.

دوران چار ماهه زمام داري استاد برهان الدین" رباني" هم که به اساس معاهده منعقده پشاور بتاریخ ۲۸ ماه اکتوبر ۱۹۹۲ پایان مي یابد بدون اینکه کدام دست آورد مطلوب و جالبي از خود به یادگار مانده باشد قوس نزولي خود را درحال پیمودن است اما یك عارضه منفي که بعد از اشغال کرسي ریاست جمهوري به استاد رباني دست داد اینست که برخلاف عادت دیرنه اش (حلم، تواضع وعفت زبان) خصلت بدگوئي و غلظت زبان نصیب حالش گردید، در حالیکه کبرسن و تجارب پیشنیان عبرت و اندرز یست که خردمندان را ازتکرار اشتباهات ماضي محفوظ نگهداشته در پرتو فهم وکیاست اسلامي راه سعادت راازشقاوت بدرستي وکماحقه تشخیص میدهند. متأسفانه جناب استاد که مورد احترام همه بود به یکبارگي هواي کرسي و اقتدار زبانش را به بدگوئي و غیبت برادران مسلمان وهم آتنش لغزانده و در بدزباني گوئي سبقت ازجناب "مجددي" در ربود!! کسانیکه ستون هاي اخبار «شهادت» و «جنگ »راخوانده باشند خوب میدانند که در میان سخنان جناب استاد رباني و قاضي حسین احمدامیرجماعت اسلامي پاکستان و حکمتیار چه حد تفاوت و فرق فاحش وجود دارد!! عاقبت نا اندیشي و طعن ولعن گفتن به دیگران عملي است که هر کس میتواند به آن دست بیازد اما مسلمانان به ویژه آنانیکه ادعاي رهبري یك توده عظیم انسان هاي مؤمن و متعهد را دارند و نمیخواهند زیر بار اسارت و غلامي یهود و هنود زیست نمایند بایست حرف هاي شان حساب شده ودقیق باشد . (ولا تقف مالیس لك به علم إن السمع والبصر والفئواد کل اولئك کان عنه مسئولاً) و قال رسول الله صل الله علیه و سلم (المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده).

کسانیکه بنیاد مبارزه و تلاش شان را تحکیم قانون خدا"ج" در پهناي خاکي و گسیختن ودرهم شکستن زنجیر هاي غلامي و اسارت ازدست وپاي مستمندان ودردمندان رقم بزند هیچگاه به چراغ هاي سبز دشمنان فریب نخورده هدف عالیه خودشان را از دست نخواهند داد. علل و انگیزه عقب ماندگي و انحطاط جوامع اسلامي در همین نقطه است که زمام داران کشورهاي اسلامي در عوض برقرار نمودن روابط تجارتي و اقتصادي بایکدیگر اسیر پنجه بلاك سرمایه داري شده ناخود آگاهانه وسیله برآورده شدن اهداف دشمنانه و کینه توزانه اجانب وبیگانگان گردیده اند. تا وقتیکه مسلمانان در سرزمین وجود شان تغیرات ژرف و عمیق پدید نیاورند ویکسره دوستي و علایق شانرا با دشمنان دیرنه اسلام (یهود ، نصارا،...) قطع ننمایند، دور نماي ترقي و تعالي به رخ شان بسته است .

قسميكه قبلاً اشاره نموديم هدف حكومت پاكستان ازدست اندازي ها و مداخلات مباشرو غير قانوني اش در امور داخلي افغانستان اينست كه راه مواصلاتي و تجارتي خود را بسوي كشورهاي تازه به استقلال رسيده آسياي ميانه باز نموده درافغانستان زمام امور كشوررا كسي بدست بگيرد كه در برابر فرمايشات حكومت پاكستان شانه خالي ننموده آنچه برايش دستور بدهد بدون چون وچرا در تعميل آن كوتاهي نكند . به همين اساس جهت دست يافتن به اين مأمول مغرضانه تلاش ميكند تا چهره هاي واقعي وجهادي افغان را بابرچسب زدن هاي نا چسپ و دورغين در انظار مردم آشوب گر و قدرت طلب جلوه داده بدين ترتيب براي قانوني جلوه دادن بلي گويان چار كرمنش و مزدور زمينه تغذيه ورشد هر چه بيشتررا مساعدگرداند.

پذيرائي واستقبال گرم حكومت پاكستان از رشيد دوستم غير از اينكه بگويم پاكستان در قبال مسئله افغانستان اهداف بدخواهانه دارد ديگر چگونه ميتوان آنرا تعبير كرد؟! وقيحانه نطاق وزارت خارجه پاكستان بعداز چندين روز پنهان كاري و مخفي نگهداشتن سفر رشيد دوستم به پاكستان اظهار مي دارد كه رهبران مجاهدين هريك ميتوانند بدون كدام ممانعت و مشكل به پاكستان بيايند وبروند حتي رشيد دوستم!!

برشمردن رشيد دوستم در رديف ساير رهبران مجاهدين به مفهوم آنست كه پاكستان نميخواهد مسلمانان واقعي يابه اصطلاح غربي ها بنيادگراها درافغانستان قدرت را بدست بگيرند.

پاليسي وموقف گيري كه دولتمردان پاكستان درقبال تنظيمهاي اصيل اسلامي افغانستان اختيار نموده اند در واقع دسائس وتوطئه هاي است كه بوش وديگر هم پالكي هايش به آنها ياد داده اند. چنانچه عابده حسين سفير پاكستان در امريكا با صراحت تام به حكام پاكستان تاكيد كرده است كه شرط عمده و اصلي از سر گيري كمكهاي دوباره امريكا به پاكستان آنست كه حكومت پاكستان از بنيا دگرائي اسلامي در پاكستان و افغانستان حمايت نكند. حكومت موجود ه پاكستان كه سخت درحالت انفلاس قرار دارد با استفاده از اين چراغ سبز كه امريكانشان داده است تلاش مي نمايد جماعت اسلامي وديگرگروههاي مذهبي رادر پاكستان وحزب اسلامي رادرافغانستان تحت فشار شديد قرار داده جلو نفوذ و تحرك شان را درين بخش آسيامسدود نمايد تابدين ذريعه مورد نوازش وكرم فرمائي غربي ها واقع گردد. از پذيرائي فوق العاده حكومت پاكستان از دوستم وصحبت هاي گرماگرم رجال بلند پايه حكومتي پاكستان با او، ميتوان حدس زد كه پاكستان ازناحيه خود دوستم را اطمينان داده است كه هرگز بر خلاف او ورفقايش عمل نخواهدكرد. همچنان اين موضوع دور از امكان نيست كه حكومت پاكستان بخاطر ايجاد موانع در برابر نيروهاي اصيل جهادي ، رشيد دوستم را تشويق نموده باشد كه به بيرون رفتن قوايش از شهر كابل رضايت نشان ندهد. ورنه چگونه ممكن است كه با وجود تعهدات پي هم استاد برهان الدين "رباني" واحمد شاه مسعود در بگرامي و پغمان ، مليشه ها اينقدر به باقي ماندن شان در كابل اصرار نمايند.

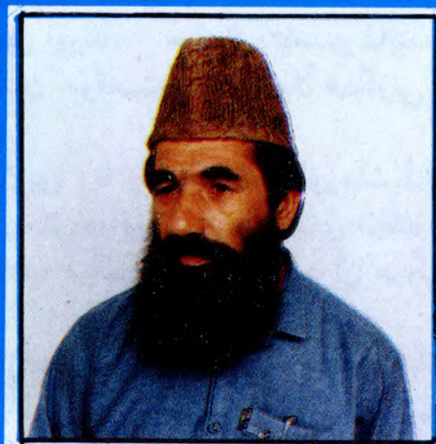
دشمنان اسلام خوب درك كرده اند كه بمجرد بيرون شدن نيروهاي مليشيا از كابل ديگر نيرو وقوتي وجود ندارد كه از تسلط مجاهدين راستين برشهر كابل ممانعت ايجاد نمايد، روي همين انگيزه تمام سردمداران كفر و حكام كشورهاي مجاور خناس مآبانه تلاش مي نمايند كه مليشه ها در كابل باقي بمانند تا بدين گونه گروه هاي عمده جهادي در تجريد واقع گرديده با گذشت زمان به خواست آنها پاسخ مثبت بدهند ويا اينكه در اثر فشار هاي گسترده كاملاً صحنه را ترك گفته مضمحل و نابود شوند.

از لب و لهجه وطرز رانش كلام هرزه سرايان شبكه هاي وابسته به استكبار جهاني دانسته ميشود كه همه دشمنان اسلام تصميم گرفته اند از تشكيل حكومت منتخب اسلامي در افغانستان جلوگيري به عمل آورند. حرفهاي تامسن نماينده امريكادر امور افغانستان با سخنان حكام مزدور كه درمجاورت و همسايگي افغانستان موقعيت دارند كاملاً همگوني و شباهت داشته و همه بخاطر ضعيف جلوه دادن قوت هاي جهادي مذبوحانه تلاش مينمايند.

آنچه بر ميگردد به اصل موضوع (دورنمايي آرامش وصلح درافغانستان) بايد متقين بود تا زمانيكه نيروهاي ملشيا از كابل بيرون نروند وهمه گروهاي جهادي سرازنو تعهد نكنند كه بخاطر اعاده امنيت و آرامش درافغانستان و احياي مجدد و عظمت ديني وتاريخي شان آماده هرنوع ايثار وخود گذري اند ممكن نيست از منجلاب مرگبار موجوده كه درآن همگي گيرمانده ايم اميد رهائي ونجات متصور باشد.

اگرگروههاي جهادي بين هم اتفاق ويكرنگي پيشه نمايند وعناصر فتنه انگيز و خائن رااز صفوف شان طرد نموده همه متحدانه به رسن خدا"ج" چنگ بزنند در آنصورت هيچ كشور اجنبي و بيگانه جرئت نخواهد كرد تادر ميان گروه هاي جها دي وسوسه افگني نموده از اختلاف آنها بهره برداري خائنانه نمايد. كشمكش هاي ذات البيني و تك روي هاست كه پاي اجانب رادر ميان مي كشاند وشهكاري ، شجاعت و جرئت اخلاقي و همت مسلمانان درهم شكسته به موشهاي موزي و پشه هاي لنگ چانس داوري مهيا ميگردد.

دورنماي تاريخي مسجد اقصي



ترجمه : انجنير غلام حضرت "متواضع"

مسجد اقصي (دومين مسجد روي زمين):

مسجد اقصي نام اسلامي يك معبد تاريخي در سرزمين فلسطين است واين مسجد از قديمي ترين مساجد زمان انبياء از ابراهيم (ع) الي محمد(ص) ميباشد. اين دومين مسجدي است كه بعد از مسجد الحرام توسط ابراهيم(ع) تعيمر گرديده است.

اين حقيقت توسط حديث صحيح ابي ذرغفاري "رض" چنين توضيح شده است. (قُلت يا رسول الله : أي مسجد وضع في الارض أول ؟ قال : المسجد الحرام. قلت : ثم اي ؟ قال : المسجد الاقصي ، قلت كم بينهما ؟ قال : اربعون سنة . "حديث بخاري"

«گفتم يا رسول الله : كدام مسجد براي اولين بار در روي زمين بنا شد؟

فرمود: مسجد الحرام.

گفتم : بعداز آن كدام.

فرمود : مسجد الاقصي.

گفتم : چي فاصله (زماني) بين شان است ؟

فرمود: چهل سال.

به نظر علماء مؤرخين مسجد اقصي اسم مجرد يگانه مسجدي در روي زمين ميباشد و به اعتبار اينكه مردم در داخل اين مسجد نماز مي خوانند و داراي ساختمان مشابه سائر مساجد بوده اعتبار مسجد را دارد و از حيث اينكه اين مسجد روي سنگ بزرگي اعمار گرديده است كه براي اولين بار آدم (ع) روي آن نماز گزاريده است بنام مسجد صخره نيز ياد مي گردد.

اين مسجد داراي قبه طلائي ميباشد كه بالاي قاعده هشت ضلعي قرار دارد واين قبه طوري در اذهان مردم جاي گرفته است كه با گرفتن نام مسجد اقصي درنظر شنونده مجسم مي گردد.

اين محل اولين جائيست كه آدم"ع" درآن نماز گذاشته است ومعبد و مذبح ابراهيم"ع" ،محل ساختمان مسجديعقوب"ع" ،محل قبه زمان يوشع"ع" ، محل خيمه اجتماع ساخته شده موسي"ع" به منظور القاي وحي، محراب گاه داود "ع" ، معبد بزرگ منسوب به سليمان "ع" ،جايگاه خدا شناسي و عبادت به پيشگاه خدا"ج" ، سنگ أيكه رسول اكرم "ص" از سر آن در شب اسري ومعراج به آسمان ها پرواز نموده است ميباشد .

درتاريخ اسلام براي اولين بار خليفه اموي عبدالملك بن مروان درين محل مسجدي را بنا نهاد (٧٣ الي ٨٩ هجري) مطابق (٦٨٥ الي ٦٩١)ميلادي.

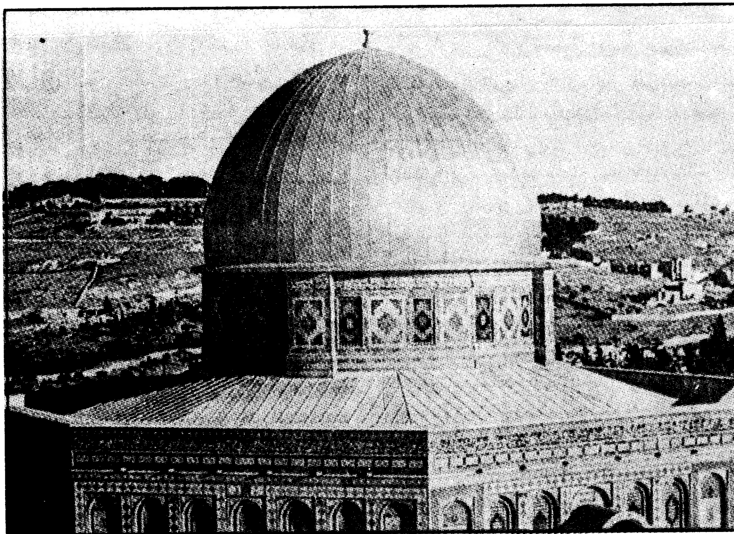
ذيلاً صفحات تاريخ رادر رابطه با اين مسجد مسلمين در زمانه هاي مختلف پيامبران مطالعه مي نمائيم.

١- زمان ابراهيم "ع":

عهد ابراهيم"ع" آغاز بوجود آمدن اين مسجد را نشان ميدهد. ابراهيم "ع" بعد از مخالفت باپدرش ازعراق به شام مهاجرت نمود و شام محل زندگي و مهاجرت وي گرديد و مدتي درين منطقه اقامت نمود. بعداز آنكه سرزمين مصر به قحطي مواجه گرديد به شام عودت نمود.به اثر اهداء سرزمين شام توسط فرعون به زنش ،حضرت ابراهيم مجبور گرديد ازخطه شام مهاجرت نمايد . بعد از آن خداوند"ج" اسماعيل"ع" را به حضرت هاجر اعطا نموداسماعيل و هاجر وابراهيم در سرزمين مكه سكونت پذير شدند ، چنانچه قرآن كريم اين حقيقت رادر جمله (بوادٍ غير زرع) حكايت مينمايد كه بعداً درين مقام اسماعيل"ع" پسر ابراهيم"ع" خانه كعبه را مجدداً تعمير نمود. بعد به مرز وبوم هجرت خود (بيت المقدس) بازگشت و مسجد اقصي را چهل سال بعد از بناي مسجد الحرام تاسيس نمود.

۲- زمان اسحق ویعقوب علیهما السلام:

اسحق "ع" درحدود ۱۶ الي ۱۹ سال بعد از تولد اسمعیل "ع" بدنیا آمد وخداوند "ج" بسان اسماعیل«ع» او را از زمره پیامبران گردانید. خداوند"ج" به اسحق"ع" دو پسر اعطاء نمود که (یعقوب و عیصو) نام دارند. یعقوب"ع" بنام اسرائیل یاد میشود و نبوت در خاندان یعقوب باقي مانده بود و اولاده یعقوب به نسبت بقاي نبوت درین خاندان بر خلاف عیصو بنام بني اسرائیل منسوب شدند. در زمان یعقوب "ع" بناء این عبادتگاه رابالاي سنگ تاریخي اي که آدم "ع" بالاي آن نماز گزاریده است گذاشتند.



۳- زمان موسي"ع":

در اواخر زمانه حضرت یعقوب "ع" به ارتباط دعوت یوسف "ع" بني اسرائیل از بیت المقدس خارج گردیده داخل مصر شدند. بني اسرائیل در مصر یك مدتي زندگي نمودند تا آنکه در زمان موسي"ع" به اثر اذیت وآزار فرعون از مصر اخراج گردیدند وخروج بني اسرائیل ازمصر در زمان بزرگ ترین پیامبر این خاندان (موسي "ع") تحقق پذیرفت و مدت ٤۰ سال در صحراي سینا عقوبت ها و تغذیب هاي جان فرسائي رامتحمل شدند. با وجود آنکه علاقه عودت به سرزمین اصلي خودشان (مصر) را داشتند اما نسبت جبن و ترس وبي علاقه گي وگریز ازجهاد آمده نمي توانستند و در همین زمان موسي و هارون علیهما السلام درحالي وفات نمودند که آرزوي دخول به سرزمین مقدس رادر دل هاي شان مي پروارنیدند.

این دو پیامبران خداوند "ج" بنابر تنفر شدیدي که دربرابر جبن وترس بني اسرائیل وعدم اشتراك شان در جهاد داشتند هنگام وفات شان به پیشگاه خدواند"ج" عرض نمودند تا مدفن ایشان ، قریب بیت المقدس (باندازه پرتاب سنگ) واقع گردد که همچنان تحقق پذیرفت .

٤- زمان یوشع بن نون "ع" :

میراث نبوت بعد از موسي "ع" به یوشع بن نون رسید واو جوانیست که در سوره کهف ازوي تذکر به عمل آمده است .

حضرت یوشع "ع" وکسانیکه از قوم بني اسرائیل ایمان آورده بودند مکلف گردیدند تا از شهر مقدس بیرون شوند و اهل کفر در آنجا باقي ماندند. بعداً بیت المقدس تحت محاصره قرار گرفت که فتح آن قریب به نظر مي رسید واین دقیقاً وقتي بود که آفتاب بطرف غروب مي گرائید.

حضرت یوشع به بارگاه خداوند "ج" استدعا نمود که آفتاب را به جایش قرار بدهد تا قبل از غروب آن به فتح شهر مقدس دست یابیم . چنانچه دعاي ایشان به درگاه خداوند "ج" قبول و همراه با لشکر خود قبل از غروب داخل شهر شدند و بعد از دخول درشهر قبه حضرت موسي "ع"را بالاي صخره نصب نمود که بسوي آن نماز مي گذاشتند. این صخره حیثیت قبله پیامبران ودیگر اهل ایمان رابه خود گرفت که تازمان بعثت رسول اکرم "ص" وتحویل قبله به آن سونماز مي گذاریدند.

٥- بعد از یوشع"ع":

بعد از یوشع بن نون سه مرحله دیگري ازمراحل زندگي بني اسرائیل گذشت یکي زمانه قضات که حیثیت حاکمان را داشتند(قضات بني اسرائیل به امور مملکت تسلط داشتند) که شامل دوازده قوم بودند و تا ٤۰۰ سال این دوره ادامه داشت.

دوم زمانه شاهان:

شامل دوره ئي مي گردد که قضات ضعیف شدند و قدرت بدست شاهان و ملوك قرار گرفت وبني اسرائیل تحت سیطره شاهان واقع شد.

دوره زوال سلطه بني اسرائیل:

این دوره ، دوره قهقرا و ذوال بني اسرائیل است که در زمان بازماندگان شاهان بر سر اقتدار بر بني اسرائیل طاري گشت، آنگاه که قضات از تطبیق احکام و فیصله هاي شان بالاي بني اسرائیل عاجز ماندند و چشم طمع و حرس دشمنان بالاي شان دوخته شد بالاخره بالاي این سر زمین مسلط گردیدند. درین زمان بود که بني اسرائیل از پیامبر زمان شان درخواست نمودند تا قوماند اني را بالاي ایشان مقرر سازد که تحت قومنده او در برابر دشمنانیکه بر سرزمین مقدس وجایگاه اصلي بني

اسرائیل حکم مي رانند به جهاد في سبیل الله دست یازیده ازذلت و شکست نجات حاصل نمایند که این حقیقت در سوره بقره طي آیات قرآن کریم (۲۵۱ الي۲٦٤) ذکر شده است. همان بود که پیامبر زمان به درخواست آنها پاسخ مثبت داده و طالوت "ع"رابه حیث قوماندان ایشان براي خروج به منظور اقامه جهاد تعین نمود که داود "ع" یکي از افراد این جیش بود. درین جنگ از افراد لشکر دشمن ،(جالوت) به مقابله انفرادي بالشکر مؤمنین چلنج (مبارزه تن به تن) داد و داود"ع" بااوبه مقابله بر آمده واز پا در آوردش،بعد از آن حکومت بدست داود"ع" قرار گرفت. داود "ع" دومین حکمران است بعد از طالوت"ع" که زمام حکومت رابدست گرفت وحکومت به بازماندگان ایشان به میراث گذاشته شد و داود شهر مقدسه (مدینة السلام) را که عبارت از(اورشلیم) فعلي است فتح نمود.

٦- زمان داود "ع":

هنگامیکه شهر قدس در سال ۱۹۷۷ قبل از میلاد توسط داود"ع" فتح گردید تابوتِ که آثار موسي و هارون علیهماالسلام درآن وجود داشت به این شهر مقدس انتقال داده شد و داود "ع" ساحه وسیعي رابراي اعمار مسجد اقصي تخصیص داد و مواد مورد ضرورت آنرا آماده ساخت امااجل او را موقع نداد تا کاراعمار مسجد رابه آخر برساند وبه پسرش سلیمان"ع" توصیه نمود تا بعد از وفات وي کار مسجد را ادامه دهد.

۷- در زمان سلیمان"ع" :

سلیمان "ع" در قدس تولدگردید، بعداز پدرش زمام امور مملکت رابدوش گرفت وحکومتش چهل سال (۹٦۳ الي ۹۲۳ ق.م) دوام داشت . مفسرین مي نویسند که او مدت چهل روز از تخت سلطنت غائب گردیده دوباره باز گشت. بعد از عودتش به اعمار معبد مقدس بشکل مجلل و فخیم شروع نمود. او در تأسیس این تعمیر آنچه مهیا ساخت و کار روائي هاي به خرچ داد که درتاریخ عالم مانند ندارد و حکومتي داشت که بعداز او به کسي میسر نخواهد شد .

سلیمان "ع" این مسجد را به شکل عجیب و ظریفي اعمار نمود که در تاریخ بني اسرائیل مسجد اقصي منسوب به وي میباشد واین بنابر شاهکاري هاي او درین تعمیر بود و رنه اولین باني آن نیست . طوریکه ابن تیمیه "رح" مینویسد. مسجد اقصي از دوران ابراهم "ع" است اما سلیمان"ع" آن را بشکل بنايي عظیمي در آورد.

۸ - بعد از دوران سلیمان"ع":

مملکت تحت اداره سلیمان"ع" بعد ازوفات او به دو قسمت تجزیه شد. یعني مملکت جنوبي (یهوذا) که مرکز آن (اورشلیم) است ودیگرمملکت شمال (اسرائیل) که مرکز آن (نابلس) یا (شکیم) بود . اغلب اقوام بني اسرائیل در دولت شمال که وسیعتر ازجنوب بود وجود داشتند.

۹- عاقبت هردو کشور ودوره غلامي:

درسال (۷۲۱ ق-م) (سر جون) پادشاه آسوري مملکت اسرائیل را تصرف و همه طوایف آن را تارومار نموده درآن والي را ازطرف خود تعین نمود.

درسال (٦۹۷ ق-م) فرعون مصر بالاي اسرائیل هجوم آورد وآنرا اشغال نمود و به حملات خود ادامه داد تا آنکه مملکت اسرائیل شمالي که تحت سیطره آسوري ها قرار داشت ازهم پاشید .

بعد بخت نصر،شاه بابل بالاي هردو قسمت فلسطین (یهوذا واسرائیل) هجوم آورده فرعون را شکست داد و هردو مملکت را دوباره اشغال نمود و مسجد اقصي رادر سنه ۵۸۷ ق- م تخریب نمود و اکثر بني اسرائیل رابه سرزمین بابل اسیر ساخت و بعضي هم به طرف مصر وغیره مناطق فراري شدند. این دوره تاریخي بنام اسارت بابلي (غلامي بابلي) یاد میشود.

حادثات این دوره در اول سوره الاسراء درقرآن کریم چنین ذکر شده است.

(وقضینا الي بني اسرائیل في الکتاب لتفسد ن في الارض مرتین و لتعلن علواً کبیراً فاذاجآء وعداو لا همابعثنا علیکم عباداً لنا اولي بأس شدید فجاسو خلال الدیار وکان وعداً مفعولا) .

۱۰- دوران آزادي از غلامي و اعاده تعمیر مسجد:

کورش، پادشاه خاندان هخامنشي بعد از سقوط هردو مملکت اسرائیل و یهوذا پادشاه فارس بلا دبابل را شکست داده در سر زمین یهوذا پادشاه شد .او بني اسرائیل را قرب داد وآنها را به سرزمین یهوذا واپس آورد. به این دوره تاریخ ، دوران یهودي (منسوب به دیانت یهودي) اطلاق میشود. کلمه یهود از همین زمان به مفهوم آزاد کننده یهود مستعمل گردیده جاي نام بني اسرائیل را بخود گرفت.

این طایفه عایده به باز سازي شهر مقدسه پرداختند. اما به نسبت نداشتن دولت و سیطره فارسي ها بالاي فلسطینیها این هدف تحقق نیافت .

۱۱- اشغال بیت المقدس توسط رومي ها:

بعداز دوره هاي متناوب حکومت سکندر مقدوني ، وبعداز آن بطالسه رومي ها بالاي بیت المقدس حمله آورده (سنه ٦۳ ق-م) برآن مسلط شدند و (هیرودس) را پادشاه آن تعین نمودند. هیرودس به رضامندي یهود هیکل مسجدرا به سبک سلیماني تجدید نمود.

این واقعه مصادف سنه (۱۸-۲۰ ق-م) میباشد و به این صورت معبدي را بخود گرفت که از تجدید الي زمان ذکریا "ع" و پسرش یحي و همچنان عیسي پسر مریم پسر خاله یحي علیهم صلوات الله وسلامه ،ادامه

داشت.

۱۲- معبد در زمان یحي وذکریا"ع":

مسجد اقصي تا زمان ذکریا "ع" قایم بود. طوریکه درقرآن کریم حکایت شده است که زن عمران به پیشگاه خداوند دست دعا بالا نموده از خداوند خواست که اورا اولاد صالحي اعطا کند تابه خدمت بیت المقدس بگمارد. همان بود که خداوند مریم بنت عمران را به او اعطا نمود و درخانه ذکریا "ع" که رئیس هیکل معبد بود تربیه گردید. آنکه درمحرابش به پیشگاه خدا دعا نمود ذریه صالحه اي را برایش موهبت گرداند و خداوند یحي "ع" را درزمان پیري به او موهبت نمود.

دراین زمان مریم (علیها السلام)، عیسي (ع) آن بنده برگزیده الله وفرستاده او وروح الله را تولدنمود

۱۳- معبد در زمان عیسي (ع) :

موسي "ع" جوان شد و خداوند اورا نبوت داد، او مسجد اقصي را بحیث منبر خویش براي دعوت الي الله قرار داد.

درین زمان جرایم و بدکاري هاي بني اسرائیل بسیار شده عمومیت پیدا نموده بود تا جائیکه مسجد القدس را بازاري براي خرید و فروش اموال تجارتي و جاي بازي و تفریح وحتي حمام ساخته بودند.

عیسي "ع" آنهاراپند ونصیحت نمود تاحق احترام این معبد رارعایت نمایند و لکن سودي نبخشید. سپس از وحي پروردگار به ایشان خبر داد که این معبد به زودي منهدم خواهد شد و سنگي بالاي سنگي باقي نخواهد ماند.

دراین ایام جرایم بني اسرائیل بیش از پیش اوج گرفت وذکریا "ع" ویحي"ع" را بقتل رسانیدند. واین هم تحقق همان فساد دومي است که دراول سوره اسراء به آن اشاره شده است.

۱۴- تخریب دوباره معبد:

بني اسرائیل به ادامه فساد کاري شان برعلاوه قتل ذکریا ویحي ، بقتل عیسي "ع" تصمیم گرفتند. پیش گوئي موسي "ع" بعد از فساد ثاني بني اسرائیل تحقق یافت ویکي ازشاهان رومي به نام (امپراطور طیطس) بالاي بني اسرائیل مسلط شده درسال (۷۰) میلادي به آتش زد ن شهر مقدس اقدام نموده مسجد را ویران کرد. به این ترتیب تخریب باردوم مسجد به تعقیب ویراني باراول که دردوران بختنصر صورت گرفته بود تحقق یافت.

مسجد اقصي نام اسلامي یك معبد تاریخي در سرزمین فلسطین است واین مسجد از قدیمي ترین مساجد زمان انبیاء از ابراهیم(ع) الي محمد(ص) میباشد. این دومین مسجدي است که بعد از مسجد الحرام توسط ابراهیم(ع) تعمیر گردیده است

به این حوادث و حقایق تاریخي درقرآن کریم چنین اشاره شده است،(فاذا جآء وعد الآخرة لیسؤوا وجوهکم و لیدخلو المسجد کمآ دخلو اول مرة ولیتبرواما علو تتبیرا)«سوره الاسراء آیه: ۷»

۱۵- ایجاد معبد بت پرستي درمسجد اقصي:

بعد از تخریب مسجد اقصي (سنه ۷۰- میلادي) توسط طیطس ، طاغوت دیگري بنام (ادریانوس) جاي او را گرفت وهمه آثار مقدس شهر مقدس را ازبین برد و حطام هیکل (سلیماني) را درسال ۱۳۵ م درهم شکست . او تخم فساد را در روي زمین کشت وبقتل وخونریزي ادامه داد تا شرك و بت پرستي را رواج دهد. این نوع بت پرستي را به نام (جوبیتار) که نام (رب الآلهه) بت پرستان رومي بود مسمي گردید.

۱۶- درهم شکستن عبادتگاه بت پرستي:

نظام بت پرستي که (جوبیتار) بنا کرده بود حاکم بود و مسیحیان اظهار عقیده کرده نمیتوانستندو هیکل (سلیماني) که به معبد بت پرستي تبدل شده بود به شکل قبلي باقي مانده تا اینکه عیسویان آنرا از بیخ و بنیاد از بین بردند . این حادثه در زمان امپراطور مفسد قسطنطنیه و حامي عقیده تثلیث صورت گرفت ، به این اساس سرزمین مقدس تحت سایه عقیده تثلیث نصاري قرار گرفت وهیچ عبادتگاهي براي عبادت موحد ین باقي نماند.

۱۷- انتهاي هیئت یهودي ونصراني درمسجد اقصي:

سر زمین مقدس(بیت المقدس) از وجود خدا پرستان وموحدین خالي گردید و به جز تعداد اندکي از ین گروه کسي باقي نماند و مسجد همه نمایانگر عقاید و آثار روم بود . این حالت تا زمان نبوت رسول اکرم (ص) خاتم النبیین ادامه داشت و تا آنکه حادثه اسراء رسول (ص) از مسجد الحرام به سوي مسجد اقصي در زمان (هرقل) رومي (سال ۶۱۰-۶۴۱ م) صورت گرفت . در زمین بیت المقدس هیچ آثاري به جز دیوار احاطه چیزي باقي نمانده بود و از آن جمله است حایط براق که رسول(ص) مرکب خودرا درآن بسته بود.

حادثه اسراء حیثیت آغاز دوره اسلامي را براي سرزمین مقدس و مسجد اقصي درسایه رسالت پیامبر آخر الزمان ودین آخرین دارد و اولین سر آغاز جمع شدن گلیم یهود ونصارا از فلسطین و دورشدن سلطه و حاکمیت آنها از سر زمین اسرائیل وانتقال وراثت روي زمین و رسالات وحفظ مقدسات براي امت اسلامي میباشد.



تاريخچه سير تكامل برق

ترجمه : عبدالودود "كوثري" سابق استاد تخنيك ثانوي كابل

بشر از بدو خلقت خود در تجسس شناخت خويش و محيطش قرار داشت . ٦٠٠سال قبل از ميلاد حضرت عيسي (ع) تلاش انسان علاوه از مراحل ابتدائي وارد مرحلهء جديدتري نيز گرديد. درآن زمان دانشمندمشهور بنام «تالس» مشاهده نمود كه پرتوسط امبر« Amber »(ماده سخت وزرد رنگ مايل بسر خي) پس از مالش دادن با مادهء ديگر جذب ميشود. همين عمليه جذب شدن مواد كم وزن با امبروآنهم پس از مالش دادن او را به تفكر واداشت وحيرت زده شد و نامبرده مشاهدات خود رايادداشت نمود.

در سال ٦٢ ميلادي پلني (Pliny)معلم وساينس دان رومي خاصيت جذب شدن اشيا ي كم وزن و امبررا تا حد زيادي شبيه لودستون « lood-stone »(آهن بشكل طبيعي ودارای خاصيت مقناطيسي) دانست چه زمانيكه لودستون يا پاينتنگ اور (Pointing ore)به تار آويخته ويا در روي آب بحالت شنا گذاشته شود جهت قطب شمال جغرافيائي زمين را نشان ميدهد. روي همين مفكوره قطب نما ساخته شد كه يگانه پيشرفتي درين زمينه بشمار مي رود. قدرت جذب ياقوءء كه توسط «لودستون» و «امبر» مشاهد شد براي مدت زياد در لابلاي اوراق يادداشت هاي رومي ها ويونانيها باقي ماند .

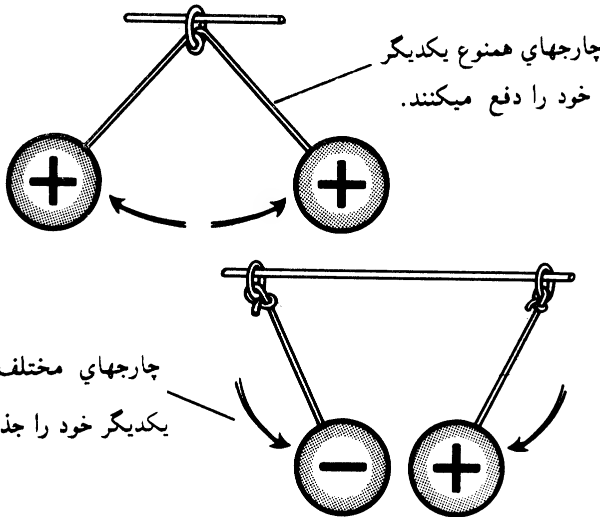
درسال ١٦٠٠ ميلادي ويليم گلبرت (William Gilbert) (١٦٠٣ - ١٥٤٠) يك طبيب و سانيس دان انگليسي در راپور مشاهدات خود در ارتباط بجذب شدن اشياي خشك وكم وزن توسط امبر عمل جذب شدن را الكتريسي « Electri city » از بنياد كلمهء يوناني امبر(Elektron) نامگذاري نمود گلبرت بعضاً بنام پدر علم برق ياد ميشود، درآغاز قرن ١٦ ميلادي كشف گرديد كه بعضي از اشياء در صورت تقرب بهم يكديگر خود را جذب ميكنند ويا يكديگرخود را دفع. به اين اساس مواد متذكره رابرقي و يا چارج ناميدند و اكنون ما ميدانيم كه اشياي داراي چارج هاي همنوع يكديگر خود رادفع ميكنند واشياي داراي چارجهاي مخالف يكديگر را جذب ميكنند . اين عمل جذب و دفع ، دو جانبه بوده وبالاي هم تأثير متقابل دارند. عمل فوق همسان است به خاصيت لودستون يا مقناطيس زيرا اگر دومقناطيس به هم نزديك شوند يكديگر خود را دفع ويا جذب ميكنند. براي شناخت چارجها بايد هريك مشخصاً نامگذاري گردد. بنابرآن ساينس دانها توافق نمودند كه نوعي ازمادهء چارج دار را مثبت ونوع ديگر را منفي نامگذاري نمايند. درهمين رابطه بنجامين فرانكلن« Benjamin Franklin»(١٧٩٠- ١٧٠٦) سياست مدار امريكائي واهل پنسلوانيا جهت تجربه ودريافت توليد برق توسط ابر در روز باران وطوفاني ، گدي پراني را به هوا بالا كرد ودر نتيجه دريافت كه ابر داراي چارج مثبت يا منفي بوده و مثل مواد چارچدار روي زمين عمل ميكند. به استناد با همين تجربه نظر داد تا در تهداب تعميرها يك ميلهء فلزي بكار رفته وارتفاع آن از بام بالا تر باشد كه بتواند جريان برق را بزمين هدايت كرده و تعمير را محافظه نمايد.

هنري كوند يش « Henry Ca-vindish »(١٨١٠- ١٧٣١) فزيك دان وكيميا دان انگليسي طي تجارب خويش نشان داد كه توان هدايت سيم فلزي ٤٠٠٠٠٠٠٠٠ مرتبه نسبت به آب خالص بيشتر ميباشد. مبرهن است كه مس يكي از بهترين هادي ها است. در زمانه هاي قبل ساينس دانها به اين حقيقت پي برده بودند كه در موادي مثل امبر"Amber" برق توليد گرديده وازبين ميرود ولي از ساير مشخصات نا آگاه بودند تا اينكه الساندر ولتا« Alessandro Volta »(١٨٢٧-١٧٤٥) درسال هاي ١٨٠٠ برق راطي تعاملات كيمياوي توليد نمود. موصوف دو فلز مختلف (مس و جست) را دربين محلول تيزابي

گذاشته وهردوفلز را توسط سیم باهم ارتباط داد واین عمل اولین سنگ بناي برق حركي را تشكيل ميدهد. وهمين وسيلهء توليد برق بنام پيل ولتا(Voltas Pile) مسمي گرديد. واقعه كشف ولتا بزودي فراگيرشدو انتقال برق را در سيم بنام جريان برق ناميدند.

همفري ديوي « Humphry Davy »(۱۷۷۸-۱۸۲۹) كيميادان وفزيكدان انگليسي در سال (۱۸۱۵) براي معدن كاران چراغ محافظوي برقي را كشف كرده واساس ساختن گروپ راپي ريزي كرد.

درسال «۱۸۱۹» پرفيسور هنس كرسچن اورستد« Profassor hans Christian Orested » (۱۷۷۷-۱۸۵۱) ساينس دان دنماركی سيم حامل جريان برق رادر بالای يك مقناطيس سوزن مانند يكهٔ قابليت حركت آزاد رابهر سمت دارا باشد قرار داد و طي اين تجربه مشاهد كرد كه سوزن مقناطيسی زاويهء قايمه را باسيم تشكيل ميدهد. و مرتبهء دوم سيم حامل جريان برق رادر قسمت تحتانی سوزن مقناطيسي قرار داد و ملاحظه نمود كه حركت سوزن مقناطيسي برخلاف حركت قبلي بوده و اين كشف راهگشاي مطالعات بيشتري در مورد الكترو ميگنت ويا ساحه مقناطيسي كه بدور سيم حامل جريان برق تشكيل



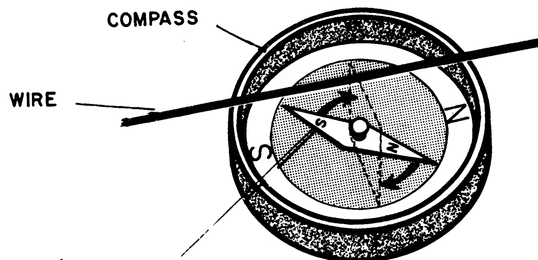
ميشود گرديد. البته اين قوه ساحوي توليد شده مثل ساحهء مقناطيس يالودستون ميباشد . در سال« ۱۸۲۵ » ويليم ستورگوين William Stur-geon »موچي انگليسي يك اندازه سيم رابدور يك آهن نعل مانند پيچانيده وجريان برق را ازآن عبور داد و ملاحظه نمود كه كوكه هاي ريخته شده توسط آن جمع ميشوندو موصوف آن وسيله را الكترو مگنت ناميد.

آندري ماري امپير« Andr Marry Ampere »(۱۷۷۵-۱۸۳۶) يك فزيكدان و رياضي دان فرانسوي موفق بكشف حقايق بيشتري در مورد الكرومگنت گرديد واين قانون را

كشف كرد كه زمانيكه جريان برق از كايل (coil) عبور نمايدكايل مثل مقناطيس عمل ميكند.به افتخار همين كشف وي ، واحد اندازه گيري جريان برق ، امپير« Ampere »انتخاب گرديد. پس از گذشت زماني ميچل فردي « Michael Faraday » (۱۷۹۱-۱۸۶۷) قدمي فراتر از پيشينيان گذاشت وكشف كرد كه اگر ساحه مقناطيسي متغير در كنار كايل (Coil) قرار گيرد ، در كايل برق توليد ميشود وتوليد برق را به شرايط ذيل مربوط دانست :

۱- حركت
۲- ساحهء مقناطيسي
۳- كايل « Coil »هادي برق

اين طريقه جديد توليدبرق در ماشينهاي مؤلد برق در دوران معاصر ميباشد واين آلات بنام جنريتور « Generator »ياد ميشود. اين طريقه توليدرا در اصطلاح برق بنام الكترو مگنيتك اندكشن « Electromagnetic Inducion »ياد مينمايند.



ساحه الكتر و مگنيت اطراف سيم
قطب نما را متأثر ميسازد.

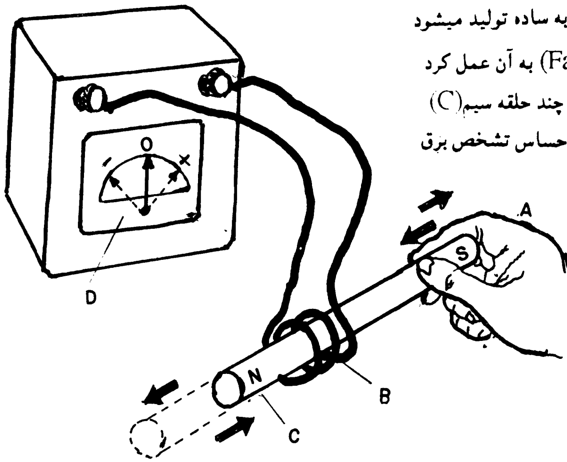
القاي مقناطيس برق فشار برق را تولید وبنام قوهء محرکه الکترونها یا «Electromotive force» نامیده میشود واین به نوبهء خود عامل حرکت برق درسرکت «Circait» میباشد.

جوزف هنري «Joseph Henry» (۱۷۹۷-۱۸۷۸) معلم و فزیکدان امریکائي اهل نیویارك در همان زماني زندگي میکرد که میچل فردي زندگي داشت نامبرده کشف کرد که بعد ازقطع شدن جریان برق درسیم ویا کایل «Coil» درآنها ولتیج تولید میشود، یعني بمحض قطع شدن جریان اولي، ساحه مقناطیسي تولیدشده که بدور سیم ویا کایل وجوددارد، جمع گردیده وکایل ویا سیم را قطع کرده وسبب تولید قوهء محرکه الکترونهامیشود. نظر فوق مستقل از نظر فَردي «Far-aday» بود بناءً جوزف هنري مخترع «Induced current» شناخته شد.

اعتبار این کشف(الکترومگنیتك اندکشن) به میچل فَردي داده شد به دلیل اینکه اثر موصوف قبلاً انتشار یافته بود. اما انجمن بین المللي «In-ternational Congress» که در شیکاگودرسال(۱۸۹۳) دائر گردید، رسماً جوزف هنري را مخترع «Self Induction» دانست وعلاوتاً واحد اندازه گیري اندکتینس به افتخاروي «Henry» انتخاب گردید.

جورج سیمون اوم «George Sim-on Ohm» (۱۷۸۷-۱۸۵٤) یك فزیکدان جرمني عده از قواعد بنیادي را کشف نموده و رابطه برق راباآب داغ نل مقایسه نمود وتوضیح کرد که اگرمقطع سیم بالاي مقدار جریان برق اثر مستقیم دارد ، به این ترتیب قواعد مذکور به اسم خودش یعني قانون اوم یا «Ohm's Law» مسمي گردید.

به تعقیب آن جان دالتن «John Dolton» (۱۷٦٦-۱۸٤٤) ادعا کرد که تمامي مواد از اجزاي کوچکي تشکیل گردیده که آنها را اتم مي نامند. دالتن باور داشت که زمین از عناصراساسي بوجود آمده مثل آهن و مس که هریك داراي اتم هاي بخصوص خود میباشد. این نظر بعداً بنام قضیهء اتمي «Atomic Theory» شناخته شد که براي ساینس دانها زمینهء توضیح بعضي از فعل و انفعالات برق را مهیا ساخت که بدون مهیا شدن



برق توسط یك تجربه ساده تولید میشود طوریکه (Faraday) به آن عمل کرد (A) حرکت (B) چند حلقه سیم(C) مقناطیس(D) آله حساس تشخص برق

زمینه هاي مذکور انکشافات ساینسي نمیتوانست پیشرفت نماید.

جوزف هنري در اثناي تجربه بالاي وسایل برقي که دریك گوشهء اطاق کار خویش را انجام میداد دریافت که بالاي وسایل برقي در گوشه دیگر اطاق اثر میگذارد . اما توانائي شرح آنرا نداشت.

جمیز کلرك مکسول «James clerk Maxwell» (۱۸۳۱-۱۸۷۰) فزیکدان وریاضیدان اسکاتلندي یقین داشت که برق سبب تولید نوعي امواج برقي درفضا گردیده ودر جمیع مواد نفوذ مینمایدونظر خود را بشکل فارمول ریاضي درآورد.

هنریچ رودلف هرتز «Heinrich Rudolf Hertz» (۱۸۵۷-۱۸۹۹) فزیك دان آلماني فارمولهاي جمیز کلرك را مورد استفاده قرار داد و موجودیت امواج برقي رادر فضا کشف کرد وواغود ساخت که انتشار امواج در فضا مشابه است به امواج آب در حوض، زمانیکه سنگي درآب انداخته شود امواج آن الي کنارهاي حوض منتشر میگردد. این امواج به افتخار موصوف بنام «Hert-zian Waves» نامیده شدند. اینك آنرابنام امواج رادیوئي «Radio Waves» یاد میکنند.

سمایل مورس «Samuel Morse» (۱۷۹۱-۱۸۷۲) متخرع امریکائي درسال ۱۸۳٦ براي اولین بار تیلگراف را کشف وزینهء مخابراتراد فورمول طولاني توسط آواز کلنگ ممکن ساخت، تیلگراف سیستمي است از سیم ها و الکترومگنیت که پارچه از فلز

سیستم را جذب کرده و همین جذب شدن توسط جریان برق در الکرومگنت سبب تولید آواز کلنگ میشود. مورس مقرره، براي هر حرف ونمبر وضع واستعمال دات (dot) ، دش (dashes) وخالیگاه را معمول ساخت واین موضوع راکود (Code) نامید. بوسیله، همین کود توانست کلمات را توسط کلك و همنچین پیغامها را از طریق سیم ارسال نماید. مقرره (code) موصوف با اندکي تغیرات قاره وي همچنین اکنون بنام (Morsecode) یا (International Code) استعمال میشود.

الکساندر گورهام بل « Alexander Graham Bell »(۱۸٤۷-۱۹۲۲)آرزوي دیرینه خودرا توسط اختراع تیلفون بحقیقت مبدل ساخت که گفته یکجانب را جانب دیگر در فواصل طولاني شنیده بتواند ویا معضله، گفت و شنید را در فواصل بعید ممکن ساخت. مورس وبل پیشرفتهاي عملي و نتیجه سعي وتلاش خود را در زندگي دیدند.

توماس الوا ادیسن« Thomas Alva Edison »(۱۸٤۲-۱۹۳۱) مخترع شهیرامریکائي و تغییردهنده اساسي طرز تنویر در جهان در سال « ۱۸۸۲ » براي اولین بار در تاریخ سرك صدف « Pearl Street » نیویارك راتوسط گروپهائیکه خودش اختراع کرده بود نور افشاني نمود. درهمان روز پرتو افشاني نور افگن ها در اطراف سرك « ۵۹ »مشتري چراغهاي اختراع شده مخترع بزرگ که سه سال قبل ساخته شده بودند خریداري کردند واین شخصیت اولین بنیان گذار دستگاه تنظیم کننده، برق تنویري« Centeral light Power plant »درجهان میباشد.

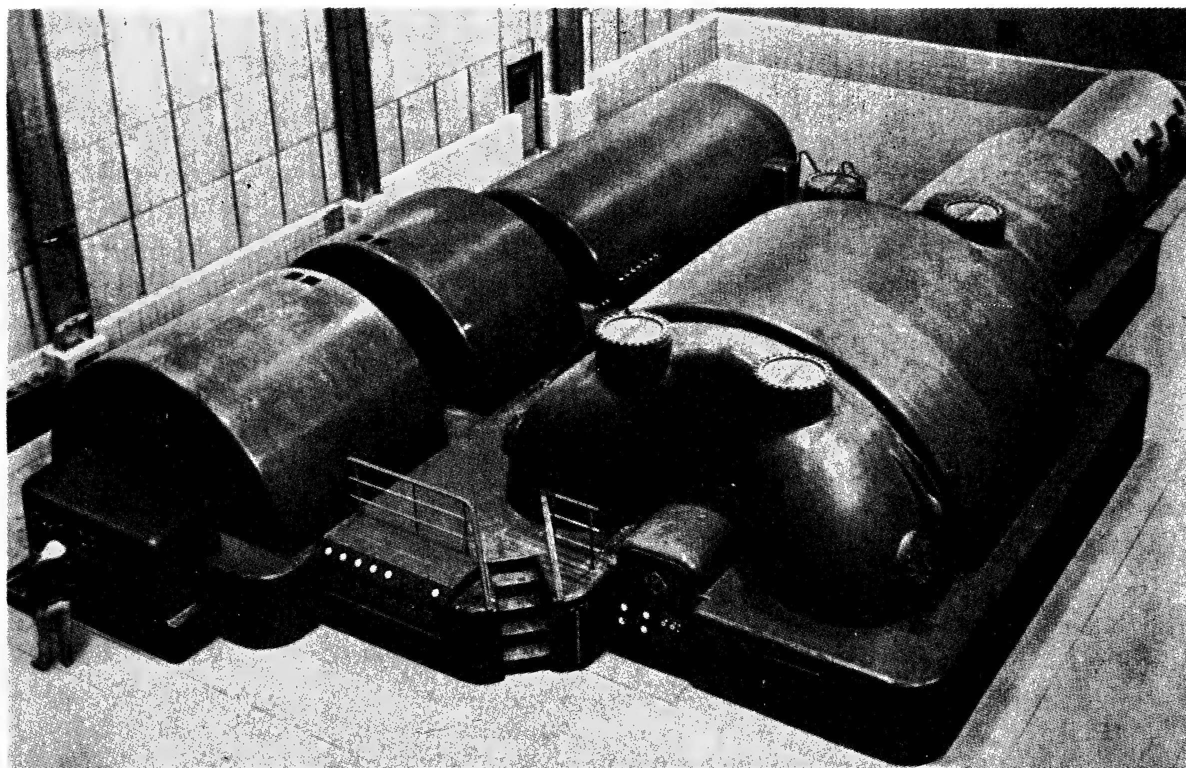
نیلز بوهر« Niels Bohr »(۱۸۸۵) فزیکدان دنمارکي نظر ساختمان هستوي رادر اتم کشف نمود وعلاوه کرد که بدور همین هسته ذرات کوچکي با الکترونها در گردش میباشد. بعدها این موضوع بنام تیوري الکتروني « Elechron Theory »پذیرفته شد. در سالهاي « ۱۸۳۸ و ۱۸۳۹ » زمانیکه وي در امریکا بود وبه ساینس دانان امریکائي وانمود کرد که شکستاندن بعضي از اتمها امکان پذیر میباشد این نظر ساختن بم اتمي را ممکن جلوه داد.

گگلیل مومارکوني « Guglilmo Marconi »(۱۸۷٤-۱۹۳۷) ایطالوي با استفاده از نظر هرتز « Hertz » در رابطه با امواج برقي تحقیق خویش رابراي فرستادن امواج در فضا آغاز کرد ودرسال « ۱۸۹۵ » وسیله رابوجود آورد تا امواج و سگنل « Signal »را بفاصله ۶۰۰ متر بدون سیم بفضا انتقال دهد. این وسیله اي اکنون بنام فرستنده « Transmiter » یاد میشود.

جمیز امبروس فلمنگ « James Ambrose Fleming »(۱۸٤۹-۱۹٤۵) یك انجنیر برق انگلیسي مارکوني را کمك نمود تا وسیله حساسي را بمیان آورد که سگنل هاي « Signal »ضعیف را تشخیص نماید. به این منظور از گروپ فاقد هوا Vacuum tube استفاده گردید. در داخل گروپ پلیت فلزي (anode) وسیم حرارتي (Filament) یا « Cathode » جدا ازهم ترتیب



جنریترهاي بزرگ در مواضع تولید برق امکانات تنویر شهرها را در فواصل بعید ممکن ساخت



گردیده که آنرا بنام «وکیوم تیوب »یا الکترون تیوب یاد میکنند. در سال «۱۹۰۱» توسط همین وسیله مارکوني توانست که تیوب امواج صوتي راتوسط مخابره که از انگستان انتشار مي یافت در امریکا اخذ نماید.

داکتر لي دي فارست Dr. Lee Deforest" 1873-1691" مخترع امریکائي در گروپ فوق پوزه رادرین پلیت و فلمنت افزود وآنرابنام گرد(Grid) مسمي کرد که اکنون آنرا بنام ترایود «Triode » یاد میکنند. این نوع گروپ نه تنها امواج ضعیف را تشخیص میکند بلکه آنرا تقویه هم میکند. وي باترکیب سیستمهاي تیلفون ، وکیم تیوب و تلکراف بي سیم دستگاه را دیو را بمیان آورد . دي فارست «De Forest »بنابر خدمات فوق شاید پدر برق و الکرونکس نامیده شود.

براي اولین باردرسال «۱۹۲۰» ایستگاه رادیوئي «KDKA »در پتسبرک مرکز پنسلوانیاي امریکا « Pittsburgh, Pennsylvania »منظماً شروع به نشر اخبار وپخش میوزیك نمود اصطلاح الکترانکس اغلباً مربوط میشود بچگونگي جریان برق در وسایل پچیده برقي که درآن وکیوم تیوب ویا وسیله شبیه آن بکار رفته باشد.

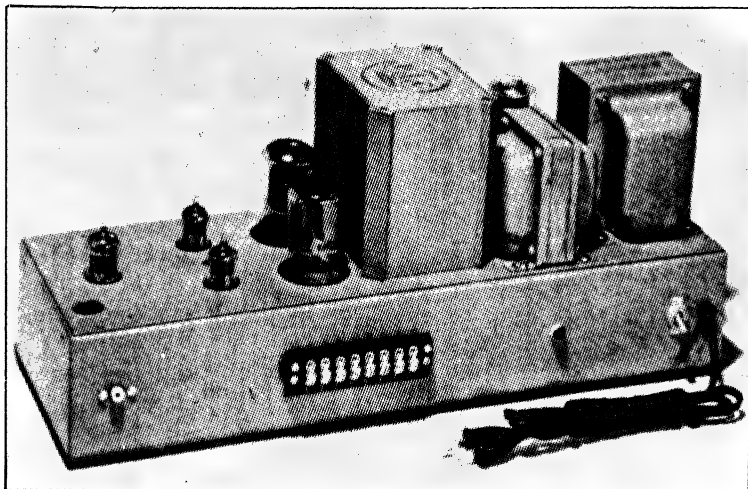
ادوین آرمسترانگ «Edwin H.Armstriong »یك انجنیر امریکائي مخترع رادیو سهم بزرگي در اصلاح سیستم رادیو گرفته وتوانست آنرا بشکل فعلي درآورد ودر ارتباط با اختراعات آرمسترانگ مطالب ذیل قابل یاد آورد است:

۱- Regenerative Circuit .... درسال ۱۹۱۲ میلادي
۲- Superhetrodyne circuit درسال ۱۹۱۸ میلادي
۳- Frequency modulation درسال ۱۹۲۰ میلادي

البته سه سرکت فوق در رادیو هاي زمان فعلي نیز مورد استعمال میباشد.

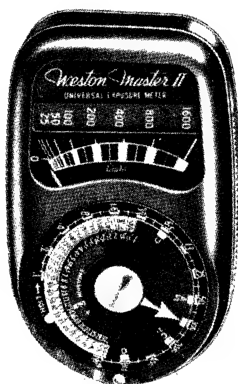
درسال ۱۸۷۳ کشف گردید که عنصر سلینیم «Seleenium » داراي خاصیتي میباشد که تغیر مقدار نور بالاي آن باعث تغیر جریان برق در سرکت میگردد. با استفاده ازین خاصیت عنصرنامبرده (وي .کي

استعمال وکیوم تیوب (گروپ رادیو) جریان ضعیف برق را تقویه میکند



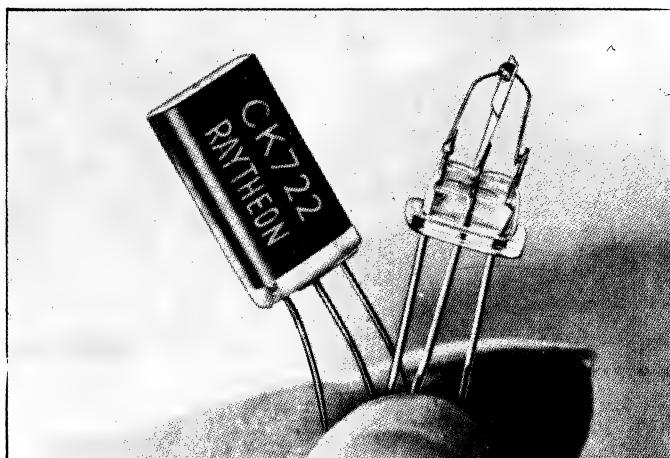
.زورکین) « V.K.Zowrkin »متولد سال «۱۸۸۹» یك فزیکدان امریکائي درسال «۱۹۲۸» قادر بساختن تلویزیون گردید. وانکشافات بعدي سبب تولید تلویزیونهاي رنگه شد.

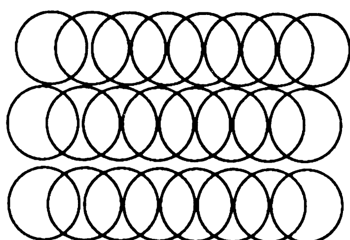
گرین لیف ویتر پکارد «Greenleaf Whitter Pickard »(۱۸۷۷) وکارل اکسل فردرك بند کس« Carl Axel Fredrik Benedicks »(۱۸۷۵) بنانگذاران ترانزستور «Transistor »یا سمي کاندکتور «Smiconductor » میباشند. درسال «۱۹٤٦» والتر برایتن «Walter A. Brattain»کارمند لابراتوارهاي بل تیلفون کشفیات مهمي را درترانزستور توسط ارتباط دادن آنها با یکدیگر بوجود آورد وبه این ترتیب ترانزستور با وکیوم تیوب دررادیو و تلویزیون تعویض گردید.



اینجا یك ترانزستوریکه دریك رادیوي کوچك جیبي استعمال شده به نمایش گذاشته شده است
شکل جناح راست ساختمان اصلي آنرا بدون پوشش نشان میدهد

تغیر در روشنائي سبب تغیر جریان در(Photographic light exposer meter) میشود





LIGHT SENSITIVE MATERIAL
SEMICONDUCTORS
TELEVISION
BRATTAIN
PICKARD
ZWORYKIN
BOHR
ARMSTRONG
ELECTROMAGNETIC WAVE DETECTION
ELECTRON TUBE
RADIO
ELECTRONICS
DEFOREST
FLEMING
20
HEAT AND LIGHT
LAMPS
ELECTRIC WAVES
HENRY
HERTZ
EDISON
BELL
MORSE
WIRELESS TELEGRAPH
MARCONI
DALTON
OHM
19
SECOND ELECTRIC CURRENT
GENERATORS
RAPID GROWTH
FARADAY
STUGEON
MAGNETIC FIELD ABOUT CURRENT CARRYING WIRES
CENTURIES
AMPERE
OERSTED
DAVY
COILS
18
FIRST ELECTRIC CURRENT
CELLS
BATTERIES
VOLTA
CAVENDISH
ELECTRICITY
ELECTRICITY
16
GILBERT
POINTING ORES
PLINY
ATTRACTION
1 (A.D)
SLOW GROWTH
THALES
1 (B.C.)

درخت نمو براي برق و الكترونكس

محترم انجنير خرم (مراد) دعمران دمجلي سره په مرکه کښي

ديوه انجنير په توګه زما مشوره داده چه دبهرنيو نسخو او نقشونه په پټو سترګو پيروي ونکړو

محترم خرم مراد چي له ١٩٤٨ نه دپاکستان له جماعت اسلامي سره اړيکي لري او له ١٩٦٢ دجماعت اسلامي دمرکزي شوري رکنيت لري، سره ددي چي په پاکستان او امريکا کښي خپل تعليمات د انجنيري په مسلک کښي تر سره کړي د اسلامي تحريک يو پخواني او نه ستومانه کيدونکي رکن دي او داسلامي تحريک دکار کوونکو تر عنوان لاندي او نور دلسو په شاو خواکښي په اردو ژبه اوداتلسو په شاو خواکښي په انګريزي ژبه کتابونه ليکلي دي. په انګريزي ژبه يي دکوچنيانو لپاره کيسي نکلونه او علمي مسايل په خپلو آثاروکي ځاي کړي دي. چي پرښوونځيو سربيره په کورونوکي هم لوستل کيږي. او په مختلفو ژبو ژباړل شوي دي.

دعمران مجلي مسئول مدير له محترم خرم مراد سره د١٩٩٢ کال دسپتمبر په ٢٨ نيټه دپاکستان دلاهور په منارکښي دهغه دکار په دفتر کښي يوه مرکه کړي چي دادي ستاسو دلا خوښي په هيله يي وړاندي کوو.

اداره

پوښتنه : مهرباني وکړي او ځان دعمران مجلي لوستونکوته ورو پيژني؟

ځواب : زما نوم خرم "مراد " دي داوخت دپاکستان دجماعت اسلامي دنائب امير يم له ١٩٤٨ کال نه له جماعت اسلامي سره ديوه پخواني غړي په توګه اړيکي لرم. په ٥١- ١٩٥٢ کلونوکښي داسلامي جمعيت طلبه ناظم اعلي وم. وروسته مي له ١٩٦٣ نه تر ١٩٧٠ پوري په ډهاکه کښي دجماعت اسلامي دامير دنده په غاړه درلوده. له ١٩٦٢ کال نه تر اوسه پوري په پرله پسي ډول دجماعت دمرکزي شوري رکن يم . البته په دي دوران کښي څه موده په انګلستان کښي ووم چي هلته مي هم د ١٩٧٨ نه تر ١٩٨٦ پوري د اسلامي تحريک لخوا دجوړي شوي يوي اداري (اسلاميک فونډيشن) دعمومي مدير په توګه دنده درلوده.

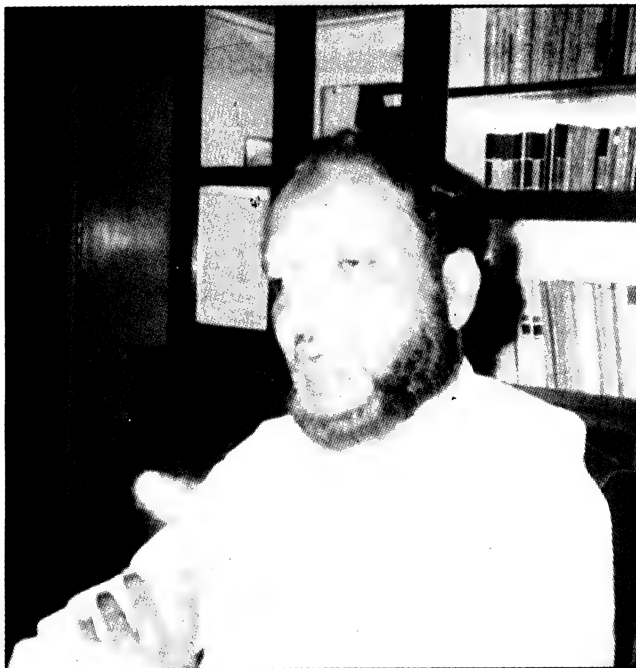
دمسلک له لحاظه سيول انجنيريم: په کراچي کښي مي B.S.C سيول انجنيرنګ دوره تر سره کړي، د MSG دوره مي په امريکي کښي تر سره کړي.

دغه راز دپاکستان دانجنير انو او مهندسانو په هغه انجمن کښي مي چي راول ډيم، تر بيله ډيم ، خانپور ډيم ئي جوړ کړي او کالا باغ ډيم ئي هم ديزاين کړي د .مشرپه صفت دنده تر سره کړي او بيا وروسته له ١٩٧٧ کال نه راپدي خوا مي له خپل اصلي مسلک يعني انجنيري نه لاس اخستي دي.

پوښتنه: له تاسونه زمونږ دوهمه پوښتنه داده چي څرنګه او په څه ډول يوه داسي ټولنه چي په هغي کښي داسلامي حجاب برسيره داسلام ددين نوري ښيګڼي دعمل په ډګر کښي پلي کړي شي جوړيدي شي؟

ځواب: دا پوښتنه خود ډير اوږده ځواب تقاضا کوي، خو مونږبه په مختصر ډول دا ووايو چي لومړي بنياد په الله تعالي ايمان درلودل او دهغه اطاعت او فرمان برداري ده چي پدي کښي دهغه درسول اطاعت او فرمانبرداري هم شامله ده .

دوهم بنيادي ټکي عدل او انصاف دي. له هره لحاظه په هر ميدان کښي، په ژوندانه کښي، په ټولنه کښي او دټولني په ټولو ارکانو کښي. ددي لپاره چي عدل او قسط هغه مقصدونه دي چي دهغو لپاره الله تعالي خپل انبيأ مبعوث کړي او دي امت ته ئي دا مسئوليت ورسپارلي چي دالله تعالي اطاعت وکړي. الله تعالي "ج" خپل صفت هم قائم بالقسط بيان کړي او دهغه ټول نظام چي دي په قسط باندي ولاړدي. ددي لپاره په وارو ذکر کوي چي زمکه او آسمان په ميزان باندي ولاړ دي. چي پدي اساس دټولنيز ژوند انه ، دکورني، سياست او معيشت ټولي مسئلي دهمدي اصولو په نظر کښي نيولو سره حل



کیدي شي.

دعدل غوښتنه داداه چي دسیاست په میدان کښي دښځي او نارینه تر مینځ حقوق برابر وي او هر یو په خپلو کړو وړو کښي دټاکل شویو حقوقونه برخمن شي او خپل فرایض هم دعدل او انصاف دغوښتنو سره سم تر سره کړي.

بله اهمه خبره په ټولنه کښي داحسان ده، مثلاً: مشرتوب دعامو خلکو نه ځان خبرکړي چي څوك وږي پاتي نشي، څوك جاهل پاتي نشي، څوك بي علاجه پاتي نشي او څوك داسي نه وي چي پر سر سیوري ونلري. چي خلك په ډاډه زړه او فراغت سره د الله "ج" بندګي وکړاي شي.

دانسانانو ترمینځه، دټولني او د ټولني د اداري تر مینځه صرف انسان نه بلکه دهغه داحسان اصلیت هم شامل دي. دا زما په فکر تر ټولو غوره ټکي دي چي ټولنه پري جوړیدي شي.

بله خبره دا د ه چي ټولنه په خپله دټول عالم لپاره ددعوت جنډه پورته کونکي ده او ددعوت موجودیت دټولني په وګړو او په ادارو کښي ضروري ګڼل کیږي او دهغه دپاره په مثبت ډول هلي ځلي پکار دي چي ټوله نړي په خداي ج" باندي ایمان درلودل اود هغه تر حاکمیت لاندي په عدل او انصاف ودریږي.

ما خو مخکښي هم ویلي ووچي دا زه مختصره خبره کوم که نه نو ځواب خو نورهم تقصیل ته ضرورت لري.

پوښتنه: ستاسو له نظره دساینس او اسلام اړیکي څه ډول دي؟

ځواب: په دي پوستنه کښي اصلاً یو خیال نغښتي او هغه خیال او تصور دغرب دخاص تهذیب او دهغه دتاریخ زیږنده ده او هغه دا ده چي مذهب او ساینس نه یوازي یو له بل نه بیل ګڼل کیږي بلکه یو له بل سره متصادم هم شمیرل کیږي، خو په اسلام کښي داسي نده ددي لپاره چي که ساینس په کائناتو کښي دهول ډول موجود اتو او دهغو دمظاهرو په باره کښي تحقیق کوي په اسلام کښي ددي عمل نه یوازي بندیز نشته بلکه اسلام په خپله ددي خبري تعلیم ورکوي چي خلك باید دزمکي او آسمان په هکله فکروکړي، له هغونه دي فایده پورته کړي، دځنا وړونه، په سمندر کښي دګرځیدونکو بیړیونه ... ځکه چي خداي (ج)هغوي په هرڅه باندي مسخر کړي دي. په دي برخه کښي قرآن عظیم الشان په خپله زمانه کښي بی شمیره مثالونه راوړي چي دهمدي اصل تائید کوي. همداراز دژوندانه نور علوم دي او دژوندانه نور اړخونه دي چي هغه هم اسلامي حدود وپوري تړلي دي چي په دي توګه ساینس داسلام یو جز ګرځیدلي شي. اوس له دي دوو خبرونه مونږ دا نتیجه اخسیتلي شو چي کومي اړیکي چي دساینس او مذهب ترمینځ په لویدیځ کښي موجودي دي په اسلام کښي په دي طریقه ندي.

اصلي خبره داده چي دساینس کومه دائره چي په دنیا پوري محدوده ده هغه دا معلومول غواړي: دا چي کیږي دا څه کیږي؟ خو دا چي ولي کیږي دا دساینس په دایره کښي نشي راتلي ددي دواړودایري بیلي دي، مذهب دا وائي چي انسان څنګه مینځ ته راغي؟ څنګه پیدا شوي؟ په کومو شیانو مشتمل دي؟ غرڅنګه پیدا شو؟

خو دساینس موضوع ګاني عبارت دي له دي چي دکرني څرنګوالي، دپلونو جوړول څرنګه دي، بندونه څرنګه جوړیږي؟... دا دمذهب موضوع نده.

پوښتنه: ایا ویلي شي چي په اوسني وخت کښي په نړیواله سطح مسلمانان ولي دومره مظلوم اوبي وسه دي او یا په بل عبارت هغوي ته دمظلوم اوبي وسه په

ستركه ولي كتل كيږي؟

ځواب : داخبره سمه ده چي اسلامي نړي نن سبا مغلوبه ده ، محصوره او مجبوره ده اودا چي تاسو وپوښتل چي ددي وجوهات څه دي نو زه داسي فكر كوم چي ترټولو مهمه وجه ئي كيدي شي همدايوه وي چي اسلامي نړي له هيڅ يوه مقصد سره خپل تړون نه ظاهروي. دهر ملت او تهذيب لپاره دمقصد او هدف حيثيت داسي دي لكه چي دانساني جسم لپاره دروح حيثيت دي او كه دجسم نه روح ووزي نو جسم يوبي سا كالبد پاتي كيږي . دغه راز كه دهر قوم نه له مقصد او هدف سره دميني درلودلو روح ووزي نو هغه قوم به هم دبي ساتش كالبد په شان پاتي شي، زما په فكر چي څه وراني ويجاړي زمونږپه نظر راځي كه هغه تولنيز نابرابري دي كه شراب دي ، كه خپل منيځي جګړي دي ، كه زمونږ حكمرانان دپر دیو غلامان ګرځيدلي، په عوامو كښي د كاركولو توان نشته يا دمحنت كولو جذبه ورسره نشته ...داټول هغه څه دي چي له مقصدنه دهغوي دمحروموالي په نسبت مينځ ته راځي ، ځكه هغوي دهيڅ يوه مقصد سره مينه او محبت او اړيكي نلري. علامه اقبال په خپلو دوو شعرونو كښي دي خبري ته داسي اشاره كوي:

زندګي رابقا از مدعاست

دژوند بقا په هدف پوري تړلي ده.

زندګي در جستجو پوشيده است

اصل اودرآرزو پوشيده است

آرزو رادر دل خود زنده دار

تانګردد مشت خاك تو مزار

زه دا وايم چي هغه وخت دخاورو يو ځلي دقبر په شان جوړيدلي شو چي دهرراز هيلي او هدف نه خالي پاتي شو. ماځكه دهر راز هيلي لفظ استعمال كړچي په نړي كښي ډيرو قومونو پر مخ

دپاكستان دموجوده حكومت موقف كوم چي داعمالونه ئي مطالعه كولي شم اوله دنه څخه له ما سره كوم شهادت نشته ، دا دهغوي پاليسي دي چي په هر ممكنه ذريعه خپله لمن ددي مسئلي نه خلاصه كړي، بل دا چي هغوي په خاصه توګه په دي پوهيږي چي حزب اسلامي افغانستان پرداسي قوت دي كوم چي لوي قدرتونه ئي نه خوښوي، امريكا ، سعودي عرب او زما په خيال دپاكستان دبهرنيو چارو په ادارو كښي ئي هم يوه ستره طبقه نه خوښوي او دانه غواړي چي قدرت دي هغه ته لاس ته ورشي.



تګ كړي ځكه دهغوي په وړاندي راز راز اهداف موجود وو او هغوي خپلو اهدافوته درسيدو په لارو كښي كاركوي پروګرامونه جوړوي، قرباني وركوي او پدي توګه هغوي مخ په وړاندي درومي، يعني كه په باطل باندي ايمان وي هم قوم مخ په وړاندي تللي شي. خو كه په حق باندي نفاق او منافقت وي نو قوم مخ په وړاندي نشي تللي او كه په حق باندي ايمان وي بيا خو باطل باطل دي. دمثال په ډول انګريزان په زرګونو تنه هندوستان ته راغلل دهند په خلكو ئي حكومت وكړ، يو تعدادئي افغانستان ته لاړل كه څه هم په افغانستان كښي هغوي ماتي وخوړه او راوتښتيدل خو له دي سره سره هغوي په سيمه كښي يوه هنګامه جوړه كړه. هغوي چي هر ځاي ته لاړل هغه ځايونه ئي ونيول. زه فكر كوم چي له هغوي سره يو هدف و په ټوله نړي ډبر لاسي پيدا كول او بيا وروسته دهغوي وسائلونه ګټه اخيستل او نړي ته تهذيب ښودل وو. داټول وحشت او بربريت وو.

ښكاره ده چي دُسستي په نتيجه كښي دقرباني جذبه پاي ته رسيږي او دا دكوم هدف دنه درلودلو په وجه پيدا كيږي .

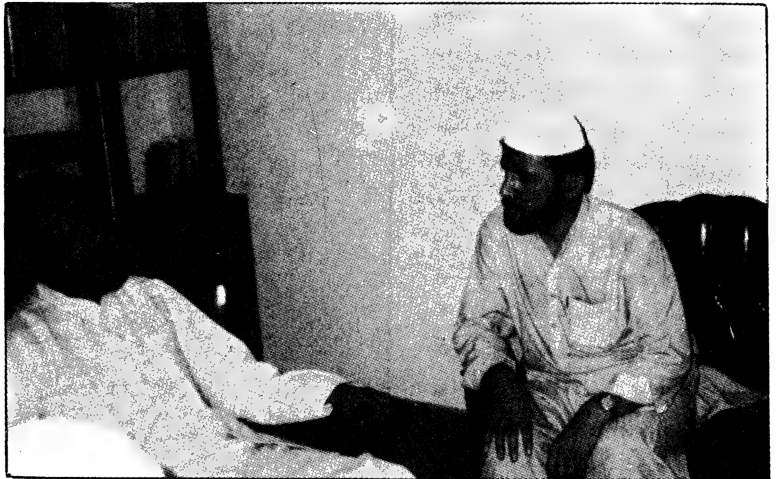
دغه راز څه چي پيدا كيږي دهدف او مقصد دنه درلودلو په صورت كښي پيدا كيږي كه هدف او مقصد موجود وي نو انسان دهغه دتر سره كولو لپاره هلي ځلي كوي او قرباني وركوي.

زما په فكر داسلامي نړي دمغلوبتيا او مجبوري اصلي وجوهات همدادي ، پاتي نور ټول دهمدي اصولو ښاخونه دي.

پوښتنه: په نړيواله سطح داسلامي تمدن او پر مختګ په هكله څه ويلي شي اوهم دا چي په اسلامي نړي كښي تر اوسه پوري داسي مثبت او ګټور عمل ترسره شوي وي چي په نړيواله توګه

دهغه مثال وړاندي کړي شو؟

ځواب : په دي برخه کښي که دا خبره په خپل ذهن کښي روښانه کړو ځواب به ئي آسان وي او هغه خبره داده چي دهر څه له پاره دمعيار په لحاظ دعروج يوټکي شته، دايمان له پاره ، دعدل اوانصاف لپاره ، داحسان لپاره او داخلاقو لپاره، لنډه دا چي ددي ټولو



دعمران مجلي مسول مدير دمحترم انجنير خرم"مراد" سره دمرکي په حال کښي

لپاره دعروج يو ټکي موجود دي او هغه په اصل کښي مقصد يا هدف وي. ددي لپاره چي هدف يو داسي شي دي چي هميشه لټول غواړي ،لکه چي دچا هدف غره ته ختل وي، نو پرله پسي هلي ځلي او لټول کوي او چه دغره سرته وخيژي نو دهغه کار پاي ته ورسيږي.

نوهمه خبره داده چي هر انسان په ځانګړي توګه که څومره ښه مسلمان وي هم له هغه نه به ګناه کيږي او که په ټولنيز لحاظه څومره ښه ټولنه وي خو بيا به هم په هغه کښي دننه څه خرابي موجودي وي. مونږ هيڅ کله دا نشو ويلي چي، (پرته له حضرت رسول الله "ص" نه) ديوه انسان دژوند انه ټول ارخونه پوره دي او دمثال په توګه ئي يادکړي شو، او نه داسي کومه ټولنه جوړيدي شي چي په هر اړخيزه توګه عملاً دمثال په توګه وړاندي شي. سره له دي چي دمديني لومړني ټولني په هکله ټول دامني چي هغه دهمدي لحاظ يوه مثالي ټولنه وه او تر يوي اوږدي مودي پوري په خپل حال پاتي شوه.سره ددي چي په هغه کښي څه نقايص را پيدا شول خو بياهم تر ډيري مودي پوري خير هلته غالب وو، که داسي يو اړخ چي دمسلمانانو د پريشاني سبب ګرځيده په نظرراته نو ورسره داسي نوراړخونه موجود وو چي هغه دښه والي مثال جوړيدي شي. دنژدي مودي خبره ده چي په نا يجريا کښي دجهاد په نتيجه کښي په هر اړخيزه توګه تقريباً يو بي ساري اسلامي حکومت جوړشو، خو په دي برسيره سرړي دا په کلکه نشي ويلي چي په هغه کښي به هيڅ کموالي نه وي. دا ممکنه نه ده، نه ټولنه داسي جوړيدي شي نه انسان .

پوښتنه: ستا سو په نظر دافغانستان دروانو حالاتو په هکله دپاکستان دحکومت دريځ څه ډول دي؟

ځواب: دپاکستان دموجوده حکومت موقف کوم چي داعمالونه ئي مطالعه کولي شم اوله دننه څخه له ما سره کوم شهادت نشته ، دا دهغوي پاليسي دي چي په هره ممکنه ذريعه خپله لمن ددي مسئلي نه خلاصه کړي.

بل دا چي هغوي په خاصه توګه په دي پوهيږي چي حزب اسلامي افغانستان يوداسي قوت دي کوم چي لوي قدرتونه ئي نه خوښوي، امريکا ، سعودي عرب او زما په خيال دپاکستان دبهرنيو چارو په ادارو کښي ئي هم يوه ستره طبقه نه خوښوي او دانه غواړي چي قدرت دي هغه ته لاس ته ورشي. زه فکر کوم چي پاليسي همدغه شان ده.

پوښتنه : تاسو ديوه انجنير په توګه دافغانستان دبياودانو لو په هکله څه تجويز وړاندي کولي شي؟

ځواب: ديوه انجينير په توګه زما مشوره داده چي دبهرنيو نسخو او نقشو نه په پټو سترګو پيروي ونکړو، ځکه چي دهر ملك دټولنيز ژوندانه شرايط ، وګړي او وسائل او ذرايع ئي چي له هغو نه پرته دهغه ملك ودانول ممکن ندي او داچي په بيا ودانولو کښي تر مادي وسائلو نه زيات انساني توان ته ضرورت ليدل کيږي او دهر ملك طبيعي ذخيري او وسائل ، دغه ټول يو له بل سره توپير لري. نو له دي کبله کومي نسخي چي په امريکا، اروپا او نورو پر مخ تللو هيواد وکښي په کار اچول کيږي په پټو سترګو دهغو منل لازم ندي بلکه په ډير ژور اشتهادي او تخليقي قوت سره بايد غور وشي او په هر څه کښي دملك حالات، مادي وسائل او وګړي او دهغوي کلتور، ثقافت ، ايمان ، اخلاق او استعداد په نظر کښي نيولو سره بايد تر ټولو غوره کړنلاره اختيارکړي شي.

بله دا چي دبيا ودانولو په هکله تر ټولو

غوره اصل هغو پروګرامونو ته ترجیح ورکول دي چه دملك تر ټولو زيات شمير او سيدونكي تري ګټه اخستيي شي، يعني دلويو لويو كارخانو يا دډيرو عصري ودانيو دجوړولو پر ځاي چي دملك دوسائلو يوه زياته اندازه پکي پكار اچول كيږي،په مصرف رسيږي او ګټه ئي صرف يو شمير كسانو ته رسيږي ، دغه وسائل په عامه توګه په كار واچول شي. دمثال په ډول په پاكستان كښي دلوړي ورځي نه دوسائلو زياته اندازه پكار وه چي دكرني په چارو كښي په كار اچول شوي وي ځكه ددي ملك (۹۰٪) اوسيدونكي خپل ضروريات دكرني له لاري لاس ته راوړي، داما دپاكستان دخاصو حالاتوپه برخه كښي خبره وكړه. دافغانستان دخاصو حالاتونه خوزه په ډيره پراخه پيمانه واقف نه يم نوزه داسي خبره دهغه ملك په باره كښي نشم كولي . خو دومره بايد ووايم چي په لوړي سر كښي بايد هغو بر خوته پراختياوركړل شي په كوموكښي چي دخلكو دتعليم، دهغوي د استعداد او دهغوي داخلاقو پر مختګ ممكن وي، ولي چي پرته له دي نه مادي او معنوي پر مختګ ممكن ندي.

په ټولنه كښي په ډول ډول بداخلاقيو رشوت، خود غرضي ، يوله بل سره غير فطري مسابقي او نور هم داشان نا برابر يو باندي كه څومره پيسي و لګول شي هغه بي ځايه ضايع كيږي ددي لپاره چي دانسان جوړول دي. دانسان له جوړولونه زما مطلب داندي چي يوازي مونځ او روژه دي په ځاي كړي بلكه دانسان استعداد، دهغه د پوهي او درك قوت، دهغه دعمل قوت او په هغه كښي دمحنت جذبه ، ايمان داري او ديانت داري، دغه شيان تر ټولو دمخه جوړول پكاردي. خو كه دانه وي نوچي څومره پروګرامونه دعمل ډګرته وړاندي كړو زما په خيال هغه به د ملت په ګټه او هوسانه تمام نشي.

زما په فكر دغه اصول كه له انسان سره موجودوي هغه به په خپل هر قدم كښي كامياب وي.

پوښتنه : مهرباني وكړي او دجماعت اسلامي دخپل منځي انتخاباتو په هكله يو څه معلومات راكړي او هم دا نتخاباتو په طريقه باندي رڼا واچوي ؟

ځواب : دجماعت اسلامي امير هر پنځه كاله وروسته دپنځو كلو لپاره ټاكل كيږي دا دنده هر وخت دنومبر په لوړي نيټه هغه ته سپارله كيږي ، له هغه نه مخكښي په سپتمبر او اكتوبر كښي هر پنځه كاله وروسته انتخابات كيږي. دجماعت اسلامي لومړني امير سيد ابوالاعلي مودودي و چي دجماعت بنست ايښودونكي هم و او دجماعت داعي هم و. تر يو څه وخته پوري دا موده ټاكل شوي نه وه بلكه دجماعت دجوړښت نه همدا منل شوي وه چي دامارت موده پكښي معلومه نه وه، خودا طريقه پكښي وه چي كه چيري امير په دي پوه شي چي تر ده نه دجماعت په ليكو كښي ددي دندي ورسړ شته نو هغه دي په خپله دامسئووليت ورته وسپاري . خو په كرار كرار دجماعت په دستور كښي پرله پسي بدلونونه رامنځ ته شول او بيا دامير لپاره دپنځو كلو موده وټاكل شوه. انتخابات به كيدل او سيد مودودي به ټاكل كيده ترڅو چي په ۱۹۷۰كال كسي د انتخاباتو وروسته هغوي دصحت دخرابوالي له امله له امارت نه لاس واخسيت او په خپل ژوند انه ني ميا طفيل احمد دجماعت دسرپرست په توګه وټاكه . كله چي علامه مودودي په حق ورسيدنو بيا هغه چي تر اوسه سر پرست وو د امير په توګه وټاكل شو او دري دوري تر ۱۹۸۷ پوري پنځلس كاله هغه منتخب امير وو. او په ۱۹۸۷ كال كښي ميا صاحب هم دصحت دخرابوالي له كبله دمعذرت اظهار وكړ او بيا په نو يو انتخاباتو كښي قاضي صاحب حسين احمد دامير په توګه وټاكل شو چي اوس دهغه دپنځو كلو دوره هم مخ په پوره كيدوده.

په اول سر كښي دانتخاباتو طريقه داوه چي دچا په نظر چي څوك ښه وو دهغه نوم به ئي به پاڼه كښي ليكه، خود ۱۹۷۲ نه راپدي خوا پدي برخه كښي يو څه بدلون رامينځ ته شو، دا چي دري نومونه را يه وركونكي ته وركول كيږي او دا دهغه خوښه ده چي كوم يو له هغو دريونه انتخابوي.

پوښتنه : آياتاسو په دي موده كښي څه علمي آثار هم ليكلي او كه ليكلي مودي هغه كوم دي؟

ځواب: ماډير كتابونه ليكلي چي څه په انګريزي ژبه دي او څه په اردو ژبه. په اردو ژبه كوم كتاب چي ماد لومړي ځل لپاره ليكلي هغه داسلامي تحريك دكار كوونكو دخپل منځي اړيكو په هكله دي چي هغه ژباړه په نور ژبو هم شوي او كيداي شي په فارسي او پشتو هم شوي وي. وروسته بيا ما د لسو په شا وخوا كښي لندي او اوږدي رسالي ليكلي دي چي په هغوكښي " اسلامي قيادت ، دسيرت په هنداره كښي " "څو تصويرونه دسيرت له البم نه " "داسلام بيا ژوندي كول او معلم " او همدا اوس چي زه ورباندي كار كوم هغه د"مسائل او كار " تر عنوان لاندي كتاب دي. زما په خيال چي دا زما عمده اثار دي ، نور هم څه اثار زما شته.

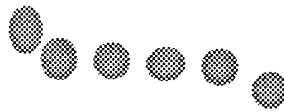
په انګريزي ژبه مي كوم چي ليكلي دهغو شمير اتلسو ته رسيږي چي په هغو كښي يي لس كتابه دماشومانو لپاره دي چه كيسي او نكلونه پكښي ذكر شوي دي چي له مكتبونو او كورونو نه

علاوه په ډېرو نورو ځایونو کښې ترینه کار اخسیتل کیږي او تر اوسه پورې دهر کتاب‌نه دشپیتو او اویا زرو په شاوخوا کښې خپاره شوي دي. یو څه آثار مي په لویدیځ کښ داسلامي تحریك په هکله لیکلي یعني دري کتابه مي په لویدیځ کښې دتحریك دمسائلو په هکله لیکلي دي. له دي نه علاوه دقرآن عظیم الشان دلوستلو، په هغه دپوهیدلو، دهغه دادابو او نوروضروري ټکیو په برخه کښې مي هم یو څه آثار لیکلي دي . څلور نورکتابونه مي چي لیکلي او ترجمه شوي هم دي او په هغو موضوع گانو باندي چي په دي کتابونو کښې پري بحث شوي نفصیلي مقدمي هم لیکل شوي اوورسره ماد علامه سید مودودي نظریات چي دقرآن او سنت پر بنیا د ولاړ دي ترجمه کړي. پدي کښې دخطباتو ترجمي دي، د مسلمانانو په نوم دلیکونو ترجمي دي او داسلامي تحریك داخلاقي بنیادونو ترجمه ده.

پوښتنه: تاسو دیوه انجنیر په توگه خپلو نوروهم مسلکانوته په افغانستان کښې څه پیغام لرئ؟

ځواب: داخو ښکاره خبره ده چي یو انجنیر سره له دي چي انجنیر وي یو عام سړي هم وي زه دیوه عام سړي په توگه فکرم چي اوس په افغانستان کښې هغه څه چي زمونږ وروڼه ئي باید په نظر کښې ونیسي او دا دافغانستان لپاره نه بلکه دخداي"ج" له سنت سره سم دهر انسان لپاره په هر وخت کښې ضروري دي چي هغه اخلاص دي. ځکه چي زیاتي فتني او فساد داخلاص دکموالي له امله را مینځ ته کیږي. داخلاص دکموالي نه داعمالو وزن کمیږي حتي بعضي وختونه بیخي له مینځه ځي، کله کله اعمال منفي وزن هم پیدا کوي، پدي هکله دقرآن عظیم الشان آیات مودجو دي،احادیث موجود دي،دا ښکاره حبره ده. بله دا چي اتحاد او اتفاق چي هر څومره ممکن وي ټینگ وساتي پدي هکله خداي"ج" په قرآن کسي فرمایلي دي:(یاایهاالذین آمنوا اذالقیتم فئة فاثبتو و اذکرو الله کثیراً لعلکم تفلحون. واطیعوالله ورسوله ولا تنازعو فتفشلو و تذهب ریحکم وا صبرواإن الله مع الصابرین)

دهر ملت او تهذیب لپاره دمقصد او هدف حیثیت داسي دي لکه څه دانساني جسم لپاره د روح حیثیت دي



په دي مبارك آیت کښې دصبر او دالله "ج" او دهغه درسول"ص" دیاد او اطاعت ذکر شوي. " ولا تنازعو" جگړي مه کوي که نه نو کمزوري به شي او دا له صبر نه حاصلیدي شي.

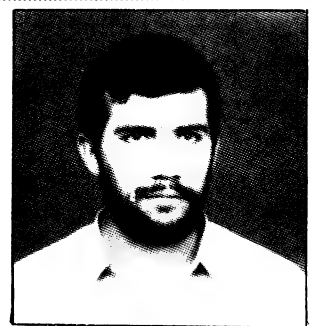
که څه هم اختلاف یو فطري جز دي دانسانانو تر مینځ ،مگر نه دجگړي تر سرحده، ددي له پاره دضبط نفس او په خپل ځان باندي دکنترول ضرورت دي.

بله خبره داده‌چي فتح حاصلیږي چي په هغه کښې مادي قوه، حوصله او همت ضروري اجزاء گڼل کیږي هلته حکمت هم ضروري دي، په حکمت کار کول، دراتلونکي په هکله فکرکول، مخ په وړاندي قدم اخیستل‌لنډه دا چي له حکمت سره دخپل هر اقدام نه په صحیح معني بریالیتوبونه تر لاسه کولي شي.

زه دیوه انجنیر په توگه دا وایم چي دانجنیر اړیکي له بیا ودانولو سره دي او ماپدي هکله مخکښې هم یو څه وویل خو دلته ئي بیا تکرار کول غواړم ، ددي لپاره چي زمونږ دانجینیرانو تعلیمي کړي ټوله غربي ده ، په غرب کښې لیکل شوي کتابونه لولي ، دغرب دنظریاتو تراثر لاندي دي، پکار دي چي په پټو سترگو ددي نظریاتو پیروي ونکړي او په ځاي ئي دیوه مسلمان په توگه، دیوه افغان په توگه چي داسلام غوښتني دي په نظر کښې ونیسي ، چي دافغانستان دحالاتو ، دژوندانه، چاپیریال، تولیداتو، وسائلو او دموسم غوښتني دي هغه په نظر کښې ونیسي او دافغانستان دبیا ودانولو په لاره کښې دا انجینیري له مسلك نه په معقول ډول گټه واخلي. زما په نظر که دا خبري دمقصد او هدف په ډول پاتي شي نو ډیري گټوري به ثابتي شي.

پاي.

قاضي حسين احمد مجدداً براي پنج سال به حيث امير جماعت اسلامي پاكستان انتخاب گرديد



نويسنده : محمد طاهر"محبوبيار"

عمليه انتخابات به منظور گزينش امير از ابتداي تأسيس جماعت اسلامي پاكستان تا كنون بعد از هر پنج سال از سر گرفته ميشود. نحوه بر گزاري انتخابات در داخل جماعت اسلامي با ريفرندم يا انتخابات كه در سطح پاكستان بخاطر انتخاب نماينده گان در شوراي ملي ويا شوراهاي ايالتي بر گزار ميگردد فرق ميكند . انتخابات رائج در دنياي غرب كه پاكستان نيز ازآن تقليد مينمايد به هر تبعه يك كشور حق ميدهد تا در انتخابات شركت نموده حق رأي دهي خود را به هركه لازم بداند استعمال نمايد، كما آنكه هركسي ميتواند به عنوان نامزد ويا اميدوار خود راكانديد نموده ودر مسابقات انتخاباتي حصه بگيرد. اما در انتخابات معمول در داخل جماعت اسلامي نه تنها هيچ فرد حق ندارد به حيث اميدوار ويا كانديد به فعاليت هاي انتخاباتي دست بزند بلكه اين حق به مجلس عامله كه درآن شخصيت ها وافراد سابقه دارومجرب جماعت اسلامي عضويت دارند كه تعداد شان هم محدود است تفويض گرديده تا با در نظر داشت مواصفات كه براي انتخاب اميردر اساس نامه جماعت مدون است به توافق آراء سه نفر را كه درسلسله درجه بندي ها حيثيت رکُن را داشته باشند به عنوان كانديد نامزد نمايند. در انتخاب اميرجماعت اسلامي تنها اركان كه تعداد شان درهمه ايالت هاي پاكستان از هفت هزارنفر بيشتر نيست مي توانند حصه بگيرند.

شكل جمع آوري آراء به گونه ايست كه قبل از پوره شدن ميعاد امير برحال بدون اينكه در كارهاي دعوتي جماعت كوچك ترين سكتگي بوجود بيايد كميته مؤظف براي انتخابات كارت هاي ويژه رابه همه اركان جماعت اسلامي درهر جاي كه قرار داشته باشندتوسط افراد امين خود ارسال مينمايد.

شخص راي دهنده بدون اينكه كسي ديگري را از جريان رأي دهي خود مطلع بسازد با درنظر داشت اينكه استعمال رأي يك امانت شرعي است كه بايد به اهل آن تاديه شود حق رأي دهي خود را به يكي از سه نفر كه نامهاي شان دركارت مخصوص رأي دهي درج است مطابق صوابديد خود به كار ميبرد. فرد رأي دهنده مجاز است علاوه بركسانيكه اسماي شان براي احراز مقام امارت از سوي مجلس عامله تجويز گرديده به كسي ديگر كه موردنظرش باشد رأي بدهد ولي اميرجماعت اسلامي از زمره سه نفريكه ازسوي مجلس عامله ياشوراي مركزي جماعت نامزد شده اند انتخاب ميگردد. بعداز آنكه پروسه جمع آوري آراء به پايان رسيد در حضور داشت هيئت با صلاحيت كه از طرف شوراي مركزي جماعت اسلامي مؤظف گرديده است ، شمارش آراء آغاز گرديده از سه نفر اميدوار هركه بيشترين رقم آراء را بدست آورد به صفت امير جماعت اسلامي برگزيده ميشود.

موضوع انتخاب امير بعد ازهر پنج سال يك اصليست كه حتي در زمان حيات مولانا مودودي "رح" باني واولين امير جماعت اسلامي عملي گرديده وهر عضو جماعت اسلامي آنرا به عنوان يك نصب العين درحيات مبارزاتي وداعيانه خود پذيرا ميباشد.

مسلم است كه ساحه ديد وطرزبينش افراد اجتماعات انساني باهم تفاوت دارد، درهسته مركزي و رهبري جماعت نيز اين خصلت فطري وجود داشته هريك از اعضاي جماعت اسلامي بخاطر بهبود كار هاي دعوتي ومبارزاتي جماعت ميكوشد نقطه نظرات



وپیشنهادات مفید وسالم خودرا به شوراي رهبري جماعت که عبارت از همان مجلس عامله است باز گو نماید. وجود این خصیصه را عده یي به گونه منفي تبلیغ نموده میخواهند در سطوح مختلف هسته رهبري جماعت اسلامي را پراگنده ومتضاد باهم وانمود سازند درحالیکه موضوع به شکل که رسانه هاي خبري انعکاس میدهند و ازآن براي خود مضمون درست مینمایند نبوده بلکه ابراز نظر وارائه مشوره هاي سودمند درجاي خودش عملي است نیکوو در خورتحسین.

همینکه بعداز سپري شدن چند دهه در داخل جماعت اسلامي هیچگونه انشعاب و فرکسیون بازي بوقوع نپیوسته است وعملیه انتخاب امیر طبق قانون اساسي جماعت اسلامي بعداز انقضاي مدت مقرره اش تحقق مي پذیرد خود گواه آنست که در صف جماعت اسلامي مسئله قدرت طلبي وخودستائي مطمع نظر نیست .

یك نقیصه بزرگ که تا هنوزجماعت اسلامي نتوانسته است در سطح مجالس ملي وایالتي پاکستان کرسي هاي بیشتري را به خود اختصاص بدهد ودر میان مردم طرف داران زیادي داشته باشد اینست که رهبران وزعماي جماعت اسلامي نتوانسته اندنفوذ و مقبولیت شان را در میان عامه مردم به ویژه طبقات زحمتکش وبي چاره توسعه وگسترش داده میزان حمایت آنها را به خود جلب نمایند. توقع مي رود که زعامت جدید جماعت اسلامي به این نکته توجه مبذول داشته در میان همه طبقات و اقشار مردم کارهاي دعوتي خود را افزایش بدهد.

ازیاد نبریم که مؤثریت ونقش زعیم ورهبرمدبر وتوانا درسازمان دادن ورهبري حامیانش خیلي ها ارزنده واهم بوده قیادت ضعیف وفاقد اراده نمیتواند براي راهیابي وسر خروئي طرفدرانش اقتراح وطرح سودمند ارائه نماید . انتخاب طالوت به عنوان سرلشکر جیش مسلمانان جهت مقابله با جالوت ولشکریانش مصداق این مدعاست که بایست مسلمانان در گزینش قائدورهبران شان اصول اساسي قوت بدني وبراعت زعیم رادرنظر داشته باشند. (وزاده بسطة في العلم و الجسم).

درین لحظات حساس و سرنوشت ساز که نهضت هاي اسلامي درنقطه مقابل بلاك سرمایه داري قرار گرفته اند وغرب به سر دمداري امریکادرتلاش آنست که جنبش هاي اسلامي را درهم بکوبد شدیداً ضرورت احساس میشود که مسلمانان در انتخاب زعماي شان دچار شك وتردید نشده چهره هاي مؤمن و متعهد را که با معارف والاي اسلام نجات بخش معرفت و آشنائي کامل داشته واز صحت سالم وتوانائي معنوي وجسمي کامل بهره مند باشند انتخاب نمایند. چه رهبر و قائد جامعه اسلامي باید قبل از همه به عمق مصاف شتافته جبن وکسالت را ازدل ودماغ پیروانش بزداید، گاهي دیده شده است که اکثراً رهبري اجتماعات اسلامي راکساني به عهده گرفته اند که کهولت سن وضعف وناتواني جسمي شان اجازه نمي دهد تا پا از گلیم خانه ومأواي شان فراتر نهاده درصف مقدم کارزار ومبارزات مسلحانه واقع شوند ولي با وجود آن راضي نیستند موقف شان از دست رفته به دیگران شانس فعالیت بدهند . جهت زدودن این نقیصه از صفوف مسلمین لازم است براي انتخاب زعیم ورهبر اجتماعات اسلامي مواصفات معین وصریحي وضع گردد تادرپرتو آن مسلمانان در انتخاب قائد شان دچار سردرگمي نشوند .

انتخاب مجدد قاضي حسین احمد به حیث امیر جماعت اسلامي دال بر آنست که ارکان واعضاي این منظمه

اسلامي مصمم گرديده اند تا با حوادث وجريانات كه آينده مسلمانان را تهديد كند به مبارزه برخاسته ، بازور بازوان توانمند پيروان جان نثار شان باهرپيش آمد ناگوار مصاف بدهند.

عده يي را در داخل جماعت اسلامي عقيده برآنست كه افراد متعلق به جماعت بايست در چوكات مسائل فكري ودعوتي مصروف بوده به جريانات سياسي و تحركات نظامي هيچگونه علايق و وابستگي نداشته

پشتيباني نموده است ، به همين دليل انتخاب مجدد وي براي بار دوم به حيث امير جماعت اسلامي پاكستان درميان حلقه هاي مجاهدين و مهاجرين سرور وشادماني به بار آورده است . عكس العمل وواكنش شديد قاضي حسين احمد در مقابل حملات نيروهاي امريكائي و متحدين آن بالاي ملت مسلمان عراق و تيره شدن روابطش با حكومت سعودي بر سرمسئله جانب داري دولتمردان آنكشور از قواي

موضوع انتخاب امير بعد ازهر پنج سال يك اصليست كه حتي در زمان حيات مولانا مودودي "رح" باني واولين امير جماعت اسلامي عملي گرديده وهر عضو جماعت اسلامي آنرا به عنوان يك نصب العين درحيات مبارزاتي وداعيانه خود پذيرا ميباشد.

باشند. بي خبر از آنكه شرايط ومقتضيات زمان ايجاب مينمايد كه همه نهضت هاي اسلامي از حالت ركود و انجماد بدر آمده غرض مقابله باپلان هاي گمراه كننده استعمار گران دست به مقابله ونبرد بيازند. بذل توجه به مسائل فكري و تربيه وخط دادن به جوانان قبل از همه يك ضرورت مبرم است اما در جنب آن بايدبه جوانان روحيه مبارزاتي وجهادي تلقين نمود تادر صورت بروزحوادث غير مترقبه كه كيان وهستي اجتماعات اسلامي را تهديد نمايد توان مصاف دادن و دفاع از نواميس اسلامي ازقلوب وابدان جوانان مضمحل نگردد.

جناب قاضي حسين احمد در طول عمر جهاد وحتي درشرايط نهايت حاد و بحراني از داعيه برحق وعادلانه ملت مسلمان افغانستان حمايت و

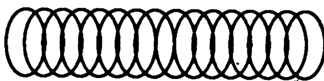
متحدين گويائي آنست كه قاضي صاحب در قبال مسائل جهاني اسلام ودفاع از مسلمانان محروم به هيچ مؤامره وسازش تن در نخواهد داد. گرچه بنگاه هاي خبرپراگني غرب وشبكه هاي وابسته به آن سخت تلاش نمودند تاااز انتخاب مجدد قاضي حسين احمد جلوگيري نمايند ولي اخلاص و تعهد قاضي صاحب به اصول انقلابي اسلام و جد وجهد و مساعي مخلصانه اش در راه اعاده عظمت ازدست رفته مسلمانان اراكين جماعت اسلامي را واداشت تا درانتخاب مجدد قاضي صاحب كوتاهي نكنند. از خداوند ارحم الراحمين براي قاضي صاحب طول عمر و موفقيت مزيد طلب گاريم تا در برابر حوادث ناگوار زمان ،كامياب وسرافراز بدر آيد.

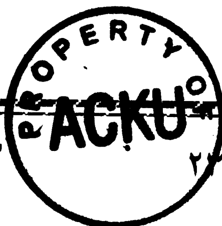
كابل ته دروسي سلا كارانو يوه ډله راورسيده

دپاكستان جنگ ورځپانه دافغان خبري آژانس (انا) له قوله په خپل داكتوبر (۱۰) نيټې ګڼه كښي ليكي چي دكابل عبوري حكومت سره په مواصلاتو ، امنيتي چارو اونورو معاملو كښي دمرستي او لارښوني لپاره دروسي سلاكارانوراتګ پيل شو.

منبع زياتوي چي دنجيب دحكومت دړنګيدو نه مخكښي ۳۲ تنه روسي سلا كاران په كابل كښي موجود وو چي دحكومت دړنګيدونه وروسته هغوي خپل هيوادته ستانه شول. اوس دهغوي له جملي نه ۱۸ تنه بيرته كابل ته درارسيد و په حال كښي دي چي په مختلفو وازارتخانو كښي به پكا ر بوخت شي.

ويل كيږي چي د «ايوان ولسن» په نامه يو سلا كار دخپلي ډلي سره كابل ته رارسيدلي چه دي به دامنيتي چارو په وزارت كښي دنده ترسره كري.





شاعر ریاضیدانی از خطهء خراسان



در نیمه دوم قرن پنجم هجري قمري سه جوان که هريك شاگردي ممتاز بودند ، همزمان در محضر يكي از بزرگترين فرزانگان خراسان، فقيه بزرگ عصر ، امام موفق نيشاپوري درس ميخواندند. اين سه جوان ، نظام الملك، حسن بن صباح وعمر خيام ، دوستاني يكدل و يكرنگ بودند ، اعتقاد بر اين بود كه شاگردي كه در مكتب امام تحصيل كند، نيكبخت و نيك فرجام خواهد شد. از همين رو ، روزي حسن به دوستان خويش پيشنهاد كرد كه هر سه تن پيمان ببندند كه اگر هر يك به مقام و منصب والايي رسيد، مراتب فضل وبرتري رامنحصراً از آن خود نداند ودويار ديگر را نيز به تساوي ازآن بهره مند كند. با گذشت زمان معلوم شد كه بخت بلند نظام الملك يار بوده است ، چرا كه او وزير سلطان آلپ ارسلان شد. دراينزمان دو يار ديگر هم مكتبي نظام الملك نزد او شتافتند و بنابر ميثاقي كه در دوران تحصيل بسته بودند، خواستار سهم خويش شدند!

حسن صباح تقاضاي منصبي ديواني كرد كه بنا به استدعاي وزير ، سلطان سلجوقي آن را به او تفويض كرد. اماوي كه شخصي خود خواه و ناسپاس بود برآن شد كه دوست خود نظام الملك راازمقام صدارت به زير كشد و جانشين او گردد، ولي سر انجام پس از بر ملا شدن خيانت، مورد غضب واقع وتبعيد شد. اما عمر خيام نه مقامي ميخواست و نه عنواني. تنها خواسته اش اين بود كه به و رخصت داده شود تا در پناه و سايهء وزير بتواند به اشاعه علم و رياضيات بپردازد وبه پاس اين نعمت براي دوام عمر وسعادت دوست خويش دست به دعا بردارد. وزير كه سخت تحت تأثير فروتني و اخلاص هم مكتبي سابق خود قرار گرفته بود ، براي او مقرري سالانه تخصيص داد.

حسن صباح پس از تحمل در به دري و بدبختيهاي بسيار سر پرست يك فرقه مذهبي متعصب شد كه درسال٤٨٣ هجري قمري بر قلعهء الموت واقع در كوهستانهاي مرتفع جنوب درياي خزر تسلط يافتند. حسن و پيروانش از اين قلعه به عنوان دژي مستحكم براي دستبرد زدن به كاروانها استفاده ميكردند وازاين روسايه اي از ترور ووحشت برجهان اسلام افگنده بودند. رفته رفته حسن به عنوان مرد كهنسال كوهستان شهرت يافت وتصور بر آن است كه كلمهء امروزي « assassin »(به معني تروريست درزبانها اروپايي) از نام حسن يا از كلمه « hashish » (به معني حشيش يا حشاشيش در عربي) گرفته شده است ، چه فداييان حسن صباح پس از كشيدن حشيش و تخدير شدن اقدام به كشتن مخالفان خود مي كردند، در ميان قربانيان بيشمار اين ترورها ، خواجه نظام الملك همان يار ديرين مكتبي او نيز ديده ميشود.

برخلاف زندگي پر آشوب و مخرب حسن صباح، زندگي خيام توأم با آرامش و سادگي بود ، وي در طول سالها عمر مسالمت آميز خويش خدمات ارزنده اي به ادبيات وفرهنگ علمي آن عصر كرد. به اين ترتيب از سه يار دوران تحصيل ، يكي مديري لايق ونيكوكار، ديگري مرتدي نگونبخت وسومي محققي راستين وخلاق شد.

اين گفتار ، به يكي ازدست آوردهاي برجستهء رياضي اين انديشمند پژوهشگر(دستاوردي كه در زمرهء لحظه هاي مهم درتاريخ رياضيات قرار ميگيرد) اختصاص يافته است . نخست براي روشنتر شدن موضوع اندكي درباره مقدمات آن سخن ميگوييم:

منظور از معادلهء چند جمله اي حقيقي با يك مجهول x هر معادله اي به شكل زير است :

$$a_0 x^n + a_1 x^{n-1} + \dots + a_{n-1} x + a_n = o$$

كه درآن n يك عدد صحيح مثبت و $an,\dots a1, ao$ اعداد حقيقي با شرط $o - ao$ هستند . هر مقدار x كه درمعادله صدق كند، ريشهء آن معادله خوانده ميشود. يكي ازهدفهاي اصلي دانش جبر در آغاز پيدايش ، آن بود كه روشهاي كلي براي به دست آوردن ريشه هاي اين گونه معادلات رابيابد. اين كار را حل كردن معادلات مي ناميدند. چون درآن روزگار تنها اعداد شناخته شده، اعداد مثبت حقيقي بودند ، طي صدها سال، حل كردن معادله به مفهوم يافتن ريشه هاي حقيقي مثبت آن معادله (در صورتي كه ريشه اي ميداشت) بود. معادلات برحسب اينكه درجهء آنها مساوي ۱، ۲، ۳، ٤، ۵ و ... باشد، به ترتيب معادلات خطي ، درجه دو، درجه سه، درجه چهار، درجه پنج و ... ناميده ميشوند. امروزه مشكلي در راه حل معادله خطي وجود ندارد، زيرا ميتوان آن را از راه هندسي يا جبري براحتي حل

كرد.

اگر يك معادله چند جمله اي خطي با يك مجهول x داراي يك ريشه مثبت باشد، مي توان اين معادله را همواره به شكل $ax=b$ نوشت كه در آن a و b هر دو عددهاي مثبت اند، ريشه معادله از راه جبري $x=\frac{b}{a}$ وازراه هندسي عبارت است از چهارمين جزء تناسبي كه سه پاره خط به طولهاي b,a و ۱ سه جزء ديگر آن هستند ، به اين معني كه $a/b=1/x$ و مقدار x را ميتوان از شكل ساده، زيرتوسط پركار يا خط كش مشخص كرد دراين شكل COD زاويه اي دلخواه است و $OA=a$ ، $OB=b$ و $AC=1$ و CD موازي AB رسم شده است.

جالب توجه است كه مصريان عهد باستان معادلات خطي را به شيوه اي حل ميكردند كه بعدها در اروپا به عنوان قاعده تصحيح و خطا معروف شد. بنابراين شيوه ، براي حل معادله $x+x/7=24$ بايد از قاعده اي كه در پي ميآيد استفاده كرد. فرض كنيم x معادل مقداري دلخواه باشد. مثلاً $x=7$ كه به ازاي آن مقدار $x+x/7$ مساوي ۸ مي شود نه ۲۴ .چون ۸ بايد در ۳ ضرب شود تاعدد ۲۴ به دست ايد، مقدار واقعي x بايد از رابطه ۲۱=(۷)۳ حاصل شود. نكته، شايان تامل اينست كه از يك حدس محض ، پاسخ صحيح به دست آمده است.

هر چند كه حالت معادلات درجه، دوم مشكلتر ازمورد معادلات خطي است ، رياضي دانان روزگار قديم اين مورد رانيز هم از راه هندسه وهم از راه جبر حل ميكردند. راه حل جبري ، اعم از اينكه به روش مربع كامل كردن يا به روش جايگزيني در فرمول كلي ريشه، معادله ، درجه دوم صورت گيرد، بايد براي تمام كسانيكه مقدمات جبر را در درسهاي دوران مدرسه فراگرفته اند ، آشنا باشد. بابليها در تقريباً ۲۰۰۰ سال پيش از ميلاد، شيوه هاي مشابهي را براي راه حل جبري هر دو معادله مذكور ميشناختند.

مورد معادلات درجه سوم بمراتب دشوارتر ازدو مورد يادشده است ؛ گواينكه بابليها برخي معادلات درجه ، خاص را به كمك يك جدول حاوي مقادير $n+n$ نظير مقادير n ، حل مي كردند

وبنابر آنچه دريكي از آثار به جا مانده از ارشميدس آمده است ، اين رياضيدان يوناني از شرايطي بحث ميكند كه تحت آن يك معادله، درجه سوم ممكن است داراي ريشه مثبت و حقيقي باشد. بحث در اين باره ، در دوره هاي بعد نيز ادامه يافت تا اينكه درقرن شانزدهم يك رياضيدان ايتاليايي سر انجام راه حل جبري كلي براي معادلات درجه، سوم ارائه داد. با اين حال در حدود پانصد سال پيش از اين واقعه ، شاعري رياضيدان موسوم به عمر خيام يك راه حل هندسي براي معادلات درجه سوم يافت . اين همان لحظه، مهم درتاريخ رياضيات است كه دربالا بدان اشاره شد وحال پس از ذكر مقدماتي چند درباره، تاريخچه، آن، به بحث در مورد راحل خيام خواهيم پرداخت .

دوران ميان سقوط امپراتوري روم در نيمه قرن پنجم تا قرن يازدهم ميلادي به قرون تاريك اروپامشهور است ، زيرا طي اين دوره آموزش و تمدن در اروپا ي غربي تا سطح بسيار نازلي افول كرد .

از سوي ديگر دراين دوران ، امپراتوري اسلامي به نقطه اوج ترقي خود رسيد. در طول يك دهه پس از هجرت حضرت محمد (ص) ازمكه به مدينه درسال «۶۲۳» ميلادي ، قبايل باديه نشين پراگنده واز هم گسيخته، شبه جزيزه عربستان به بركت شور و شوق ناشي از مذهب مقتدر در قالب امت قدرتمند متحد شدند. پس از گذشت يك قرن از هجرت ، نيروي سلاح برخوردار ازپرچم سبز و طلايي اسلام ، حكومت ستاره وهلال مسلمانان رادر قلمرو وسيع از هند تا سر تاسر ايران ، بين النهر ، افريقاي شمالي و اسپانيا گسترانيد .

يكي ازكارهاي مهم در حفظ بخش بزرگي از ميراث فرهنگ جهاني ، تلاش خستگي ناپذيرو مجدانه، مسلمانان در چنگ زدن به دستاوردهاي علمي و تحقيقي يونانيان و هنديان بود. در ضمن اين فعاليتها ، بسياري از آثار هندي و يوناني در زمينه هاي پزشكي، نجوم و رياضيات با جديت تمام به زبان عربي ترجمه شد. بدين ترتيب اين آثار مدتها از دستبرد حوادث زمانه در امان ماند تا اينكه بعد ها دانشمندان اروپايي توانستند آنها را بار ديگر به زبان لاتين و ساير زبانهاي اروپايي بر گردانند. اما اگر فعاليتهاي مجدانه، پژوهشگران انديشمنداسلامي نبود، بسياري از علوم يوناني و هندي درخلال دوران طولاني قرون تاريك به گونه اي جبران نا پذير از ميان ميرفت . مسلمانان نه تنها پاسداران شايان تحسين بسياري از سرمايه هاي فكري ومعنوي قلمداد ميشوند، بلكه توانستند خو دنيز بر غناي آنها بيفزايند. ازجمله كارهاي بسيار اصيل و ارجمند دراين زمينه ارائه راه حل هندسي معادلات درجه، سوم توسط عمر خيام بود.

عمرخيام (كه در نيمه، دوم قرن چهارم و نيمه، اول قرن پنجم هجري قمري ميزيست). شاعر ، منجم و رياضيدان بود كه در نيشاپور زاده و دانش آموخته شد. اما شهرت خيام نزد مردم جهان غرب كه به او سخت مهر مي ورزند ، بيشتر ناشي از رباعيات نغز اوست كه توسط شاعر دلباخته، ايرلندي ادوارد فيتز جرالد به گونه اي استادانه و شيوا به انگليسي ترجمه شده است . عمر خيام در جهان علم نيز شهرت دارد، چه او توانسته است تقويم را بخوبي اصلاح وتقويم جلالي را تدوين كند وبرخورد انتقادي او از اصل توازي اقليدس نشان ميدهد كه خيام دراين باره مقدم بر ساكري است كه آيده او سر انجام به آفرينش هندسه نا اقليدسي منجر شد. از اينها گذشته خدمت برجسته، او به جهان علم و جبر دنياي اسلام، اين بود كه براي حل همه معادلات درجه سوم، يافتن ريشه هاي مثبت اين معادلات ، راه حل هندسي ارائه داد.

براي نشان دادن شيوه ابداعي عمر خيام از معادله درجه سوم خاص، يعني معادله، $x+b+a=cx$ كمك مي گيريم كه درآن a وb و c وx به عنوان طولهاي چند پاره خط فرض شده اند. خيام اين نوع معادله درجه سوم را با اصطلاحات خاص آن دوره چنين مطرح مي كند:" يك مكعب، چند ضلع و چند عدد كه مساوي چند مربع هستند." اما از نظر هندسي مسئله مذكور اين طور بيان ميشود: به فرض داشتن يك پاره خط واحد و چند پاره خط a،و b وc و پاره خط x برقرار باشد. هدف آن است كه تا سرحد امكان تنها با استفاده از خط كش و پر كار x رسم شود. يافتن يك راه حل

صرفاً متكي به استفاده از خط كش وپر كار به طور كلي ناممكن است ؛ چه در قسمتي از كشيدن شكل بايد مجاز باشيم از منحصراً يك مقطع مخروطي خاص مفروض استفاده كنيم.

يك راه اساسي ترسيم شكل كه چندين بار در حل معادله درجه سوم به كار گرفته شده، منوط به آن است كه چهارمين جزء معلوم آن بر يو نانيان عهد باستان معلوم بوده است. فرض كنيم u و v و w سه پاره خط معين باشند و ما بخواهيم طول پاره خط x را طوري تعيين كنيم كه $\frac{w}{x}=\frac{u}{y}$ باشد. شكل ۲ كه شبيه شكل ۱ است، نشان ميدهد كه چگونه ميتوان با كمك خط كش وپر كار پاره خط x مورد نظر را رسم كرد.

حال دنبالهء راه حل هندسي معادله درجه سوم $x^3+b^2x+a^3=cx^2$ عمر خيام را شرح مي دهيم: نخست با استفاده از راه اساسي ترسيم شكل، پاره خط z را چنان مي يابيم كه $\frac{b}{a}=\frac{a}{z}$ باشد . سپس بار ديگر با استفاده ازراه اساسي ترسيم شكل، پاره خط m را چنان مي يابيم كه $\frac{b}{z}=\frac{a}{m}$ باشد. بسادگي در مي يابيم كه $m=\frac{a^3}{b^2}$ است. حال در شكل ۳ $AB=m=\frac{a^3}{b^2}$ و $BC=C$ را رسم مي كنيم . آن گاه نيمدايره هاي به قطر AC مي كشيم واز B عمودي بر AC رسم مي كنيم تا نيمدايره رادر D قطع كند. سپس روي BD، مقدار $BE=b$ را جدا مي كنيم واز E خط EF را موازي AC مي كشيم. باز با توجه به راه اساسي ترسيم شكل G راروي BC چنان مي يابيم كه $\frac{ED}{BE}=\frac{AB}{BG}$ باشد و مستطيل DBGH را تكميل مي كنيم . در مرحله بعد، يك هذلولي قائم را از H طوري رسم مي كنيم كه EF و ED خطوط مجانب آن باشند.(به اين معني كه معادله هذلولي دادرنده بر نقطه H نسبت به محورهاي EF به عنوان محور طول و ED، به عنوان محور y، به شكل $xy=a$ باشد كه a عدد ثابت است). اين هذلولي نيمدايره را در J قطع مي كند و خطي كه از J موازي DE رسم شود خط EF را در K و BC را در L قطع ميكند. اگر GH با EF در M برخورد كند، خواهيم داشت:

۱- چون J و H روي هذلولي هستند، داريم:

$$(EK)(KJ)=(EM)(MH)$$

۲- چون $\frac{ED}{BE}=\frac{AB}{BG}$ است ، داريم:

$$(BG)(ED)=(BE)(AB)$$

۳- بنابراين از دو رابطه(۱)و(۲) نتيجه ميشود كه:

$$(EK)(KJ)=(EM)(MH)=(BG)(ED)=(BE)(AB)$$

۴- حال $(BL)(LJ)=(EK)(BE+KJ)=(EK)(BE)+(EK)(KJ) = (EK)(BE)+(AB)(BE)(3) =(BE)(EK+AB)=(BE)(AL)=($

واز آنجا: $(BL)(LJ) = (BE)(AL)$

۵- اما باتوجه به هندسه مقدماتي داريم: $(LJ)^2 = (AL)(LC)$

۶- بنابر اين ازرابطه هاي ۴ و۵ نتيجه ميگيريم:

$$(BE)^2(BL+AB)=(BL)^2(BC-BL)$$

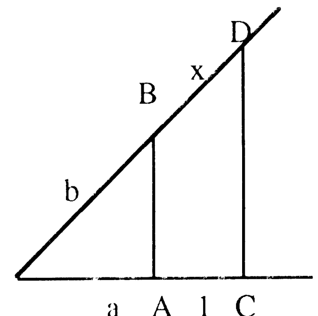
يا C $(BE)(AL)=(BL)(LC)$

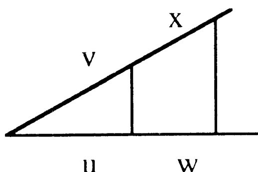
۷- با قرار دادن $BE=b$، $AB=\frac{a^3}{b^2}$ و $BC=C$ در رابطه(۶) داريم :

$$b^2(BL+\frac{a^3}{b^2}) = (BL)^2 =C(C-BL)$$

بايد اذعان كرد كه روش خيام ماهرانه وبديع است وضرورت ايجاب ميكند كه هرمعلم دبيرستان بتواند علاقه برخي از دانش آموزان خود را نسبت به آن بر انگيزاند. ترسيم نقطه به نقطه هذلولي(با استفاده از ترسيم در حالت كلي شكل) كار آساني است ؛ زيرا اگر N، هر نقطه اي روي EF باشدواگر عمود بر EF از نقطه N، هذلولي را در P قطع كند، داريم : $(EM)((MH)=(EN)(NP)$ واز آنجا $\frac{EN}{EM}=\frac{MH}{NP}$ و NP چهارمين پاره خط متناسب با پاره خطهاي مفروض EM,EN و MH است . به اين ترتيب نخست مي توان تعدادي از نقطه هاي روي هذلولي را مشخص كرد و سپس باترسيم يك منحني بر نقاط به دست آمده، هذلولي را كامل كرد. ممكن است معادله درجه سوم $x^3+2x+8=5x^2$ را به دانش آموزان پيشنهاد كرد. دراينجا a, $b=\sqrt{2}$ و $C=5$ است. سه ريشه اين معادله عبارتاند از ۲، ۴ و ۱. دانش آموزان بايد بتوانند دو ريشه مثبت معادله را به روش خيام بيابند. شايد آنها بتوانند با تعميم اين روش، ريشه منفي را هم بدست آورند. حل اين مسئله ميتواند براي يك طرح تحقيقاتي عالي براي دانشجويان سال سوم سر آغاز خوبي باشد.

عمر خيام در سال ۵۱۵ يا ۵۱۷ هجري قمري در نيشاپور در گذشت. يكي از شاگردان وي موسوم به نظامي سمرقندي نقل كرده است كه بر حسب معمول او با استادش (خيام) درباغي به گفتگو مي نشست و خيام در يكي از اين جلسات به او گفته بوده است كه آرزو دارد مدفنش در نقطه اي بنا شود كه بادشمال برگهاي گل سرخ را برآن بگستراند. چند سال بعد ازاين گفتگو كه خيام جهان را پدرود گفته بود. شاگردش به نيشاپور مي رود و پس ازيافتن آرامگاه خيام در مي يابد كه قبر او درست در مجاورت باغي قرار گرفته و شاخه درختان ميوه ازديوارهاي باغ به طرف خارج سر ازير شده و شكوفه هاي گلهاي آنها، آنقدربرآرامگاه استاد فروريخته اند كه سنگ مزارش را كاملاً پوشانيده اند.





منار قاهره

چشم دید انجنیر غلام حضرت "متواضع"

این برج در منطقه الجزیره که با دریاي نیل محاط میباشد واقع است . ارتفاع برج ۱۷۸ متر است که معادل ۶۰ طبقه میشود. این برج از نظر ارتفاع از هرم بزرگ مصر که در عهد فرعون تعمیر گردیده ۵۰ متر بلند است. قاعده این منار از سنگ هاي (گرانت اسواني) به شکل ماهرانه وظریف تعمیر شده است و این سنگ از همان نوع سنگ هایست که درهرم بزرگ مصر بکار رفته است .

داخل منار با رویه کاري زینتي طوري پوشانیده شده است که نمایان گر عنعنات (فولکوري) عرب و صنایع مصر میباشد . این منارتوسط انجنیران و مهندسین مصر طرح ودیزاین وتعمیر گردیده و مواد خام تعمیراتي آن کلاً از داخل مصر تهیه شده است .

در اطراف این منار باغچه مرغوب و دیدني ساخته شده است که درآن سالون غذا خوري و مرکز خرید و فروخت اشیاي متنوع به ذوق سیاحان که بخاطر نظاره آثار قدیمي و پیشرفت هاي صنعتي امروزه مصر روي مي آورند جا به جا گردیده است . ازساعت ٤ عصر الي ۱۲ شب ازدحام از مراجعین و سیاحان درمقابل دروازه منار مشاهده مي گردد . حین ورود به دروازه به مراجعین تکت ورود توزیع میگردد که قیمت تکت خارجیان دو برابر قیمت تکت اهل مصر میباشد.

در طبقه چهارم این منار طعام خانه سیاري تدارك دیده شده است که مراجعین میتوانند در بدل تادیه پول از مواد و اطعمه آن استفاده نمایند. در طبقه پانزدهم آن " کفیتریاني" وجود دارد که تماشاچیان میتوانند غرض رفع خستگي و راحت شان از انواع مشروبات وقهوه وچاي آن استفاده نمایند. این برج بتاریخ ۱۹٦۱/٤/۱۱ افتتاح و گشایش یافته است .

شیوه وعملکرد خشن جمال عبدالناصر در برابر نهضت اخوان المسلمین و کشتن وبدار آویختن اعضاي صدیق این نهضت جهاني اسلام توسط وي بخوبي نشان میدهد که جمال عبدالناصر ازنظر طرز تفکر وخوي سفاکانه اش با فرعون که بني اسرائیل را به استضعاف کشانیده بود شباهت و مماثلت تام داشت. جمال عبدالناصر در تعمیر و ساختار منار قاهره نیز کوشیده است تا از فرعون عقب نماند ساختمان مناره قاهره مخصوصاً ارتفاع و بکار گرفتن مواد تعمیراتي آن منعکس کننده اهداف وکردارهاي فرعوني او میباشد.



پرتو گیرها

انجنیر حشمت الله "رحیمي"

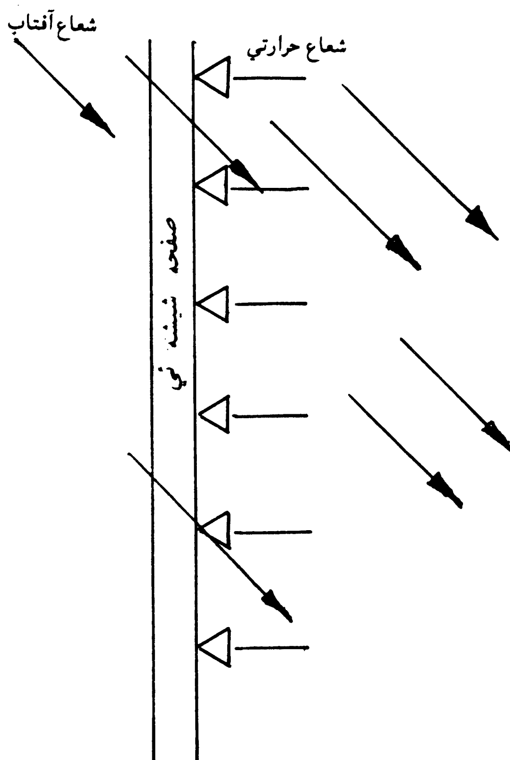
پرتوگیرهاي مسطح (هموار):

اخذ حرارت توسط پرتوگیرهاي آفتابي به این طریق صورت مي گیرد که با برخورد اشعه آفتاب بروي صفحه آخذه پرتو گیر شعاع آفتاب داراي طول امواج بزرگتر مبدل مي گردند که حاوي حرارت و گرمي است (طور مثال اشعهء آفتاب در هواي سرد زمستان وقتي از پشت پنجره خانه داخل اطاق میشود با برخوردبه اشیاي ماحول خود به حرارت مبدل میگردد واحساس مطبوع در اثر تابش آن به انسان دست میدهد).

دراثر حرارت صفحه آخذه پرتوگیر گرم گردیده وقتي ازدرجه هواي ماحول حرارت آن بلندتر گردد، از این حرارت بلند براي تسخین ودیگر مقاصد استفاده میگردد. مقدار حرارت تولید شده مربوط به بزرگي مساحت پرتوگیر، نوعیت پوشش وصفحه آخذه حرارت وعایق بندي پرتوگیر ارتباط مستقیم دارد.

حرارت از رادیا تور بواسطه تشعشع نیز بخوبي صورتمیگیرد، تمام بدنه رادیاتور سیاه رنگ شده تا مقدار حرارت ازاین طریق به خارج و ماحول بخش شود. در اینجا مشاهده میکنیم که با بکار گیري هر سه طریق جذب واخذحرارت ، یك دستگاه نسبتاً کوچك، مقدار بسیار زیاد حرارت ماشین موتر را اخذ و به بیرون پخش میکند ودر نتیجه در جه حرارت موتر متعادل باقي میماند.

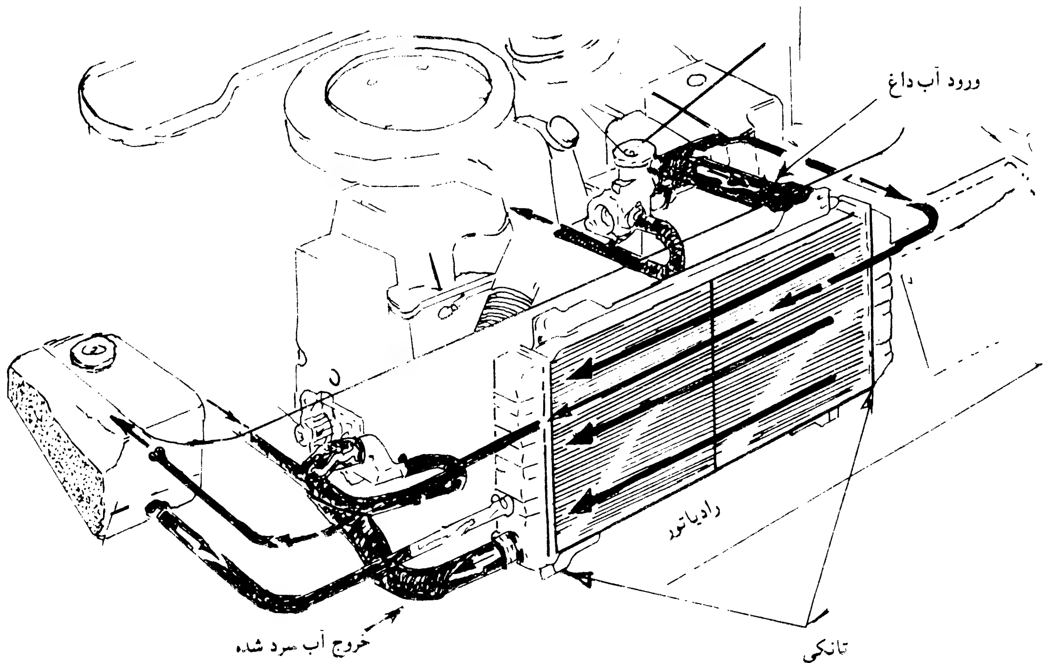
در پرتوگیرهاي آفتابي جهت جلوگیري از فرار حرارت به محیط خارج نیز هرسه طریق انتقال حرارت تا حد مقدور سد شده مثلاً انتقال حرارتبه طریق مستقیم با قرار دادن مواد عایق در زیر صفحه آخذه متوقف میگردد. متوقف ساختن فرار حرارت بواسطه تهویه با بستن منافذ چوکات ودرزهاي هوارو صورت میگیرد. انتقال حرارت از سطح صفحهٔ آخذه به بیرون با عملیه تشعشع ، بسیار نا چیز و قابل اغماض است زیرا حرارت صفحه اخذه بواسطه آب سرد که درآن جریان دارد جذب گردیده ومقدار بسیار ناچیز آن بخارج منعکس میگردد. از طرف دیگر آب گرم شده در صفحه آخذه به خاذن آبي منتقل میشود از اینرو لازم است در قسمت عایق بندي خاذن ها توجه لازم بعمل آید و نیز براي جلوگیري از تشعشع باید تانکي خاذن با زرورق پوشانیده شود تا حرارت بواسطه تشعشع به خارج منتشر نگردد.



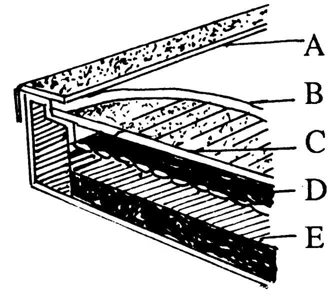
به تله افتادن شعاع آفتاب در عقب شیشه

تبصره:
بکار برد بعضي از مواد عایق که درممالك صنعتي مروج است به علت گراني ،زحمت و مغلق بودن تولید آن در مملکت عزیز ما افغانستان عملي نیست از اینرو باید تلاش گردد تا از مواد دستداشته محیط خود آنرا تهیه کنیم. در ذیل لستي از مواد عایق ممکن ترتیب شده که بعد از مطالعه و تجربه باید انتخاب و بکار برده شود.

۱- کاه
۲- برگ خشك در ختان (ناجو)
۳- بوره اره
٤- ني ، لوخ، سر انداز مسقف ها
۵- کاغذ اخبار، خریطه هاي سمنت
٦- شالي خشك
۷- خار
۸- کارك
۹- نمد
۱۰- اشترویو
۱۱- چارویته
۱۲- گرده کاغذ
۱۳- بوریا
۱٤- ریسمان منجي
۱۵- فاضله نساجي ها
۱٦- تفاله ني شکر
۱۷- فاضله مطبعه ها
۱۸- ني جواري
۱۹- اسفنج (چوکي هاي کهنه)
۲۰- کارتن ها قطعه
۲۱- فرش کهنه گلیم ، نمد، قالین
۲۲- بوجي هاي کهنه، تات، پارچه هاي کهنه
۲۳- پشم شیشه (یخچال کهنه، چري برقي، بایلر).



دستگاه سردکن (رادیا تور) براي سرد ساختن آب داغ موترها



A: چوکات
B: پوشش مصنوعي
C: پوشش شيشه ئي
D: صفحه آخذه
E: عايق

اجزاء تشکيل دهنده يك پرتوگير هموار

علاوتاً موارد زير نيز درضياع حرارت رول بازي ميکنند.

★جذب وانعکاس اشعه توسط پوشش
★ بازدهي اشعهء حرارتي به فضاي ماحول توسط صفحهء آخذه.
★ انعکاس پرتو(Radiation) از صفحه آخذه.
★انتقال حرارت به هواي داخل چوکات (Konvektion).
★ انتقال حرارت از صفحهء آخذه به اشياي که در تماس مستقيم باصفحه است.
★ تفاوت حرارت فضاي بيرون باحرارت صفحهء آخذه.
★سرعت وزش باد.
★شدت تابش آفتاب.

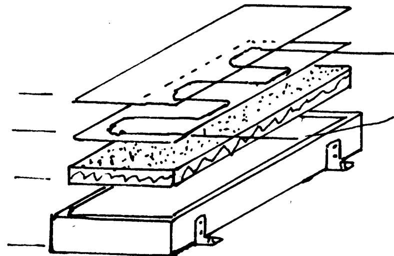
يك پرتو گير خوب قادر است تا ۹۸ فيصد حرارت شعاع تابش را جذب کند ولي ساختن آن گران تمام ميشود، در حاليکه يك پرتوگير متوسط با قيمت مناسب ميتواند (۵۰الي ۸۰) فيصد شعاع حرارتي را جذب کند . درشرايط افغانستان پرتوگيرهاي متوسط در روزهاي آفتابي آب را بين (۷۰ الي ۸۰) درجه سانتي گراد گرم ميکنند که براي تسخين منازل بسيار مناسب است.

صفحه آخذه پرتوگير:

طيف الکترومقناطيسي شعاع آفتابي بواسطهء جسم سياه کاملاً جذب ميگردد در حاليکه اجسام ديگر بعضي از اين طيف ها را جذب و برخي رادوباره منعکس ميسازد.

ازاين روسياه کردن صفحه آخذه بسيار مهم است وبايد براي سياه ساختن صفحه آخذه رنگ سياه بدون جلا (ورنس) بکار رود.

همچنان نوعيت فلز ومواد صفحه آخذه از اهميت بسيار برخوردار است .



نماي متلاشي شده يك پرتوگير هموار

تا کنون مواد آتي درساختن صفحهء آخذه بکار رفته است :

۱- صفحهء آهن (آهن چادر)
۲- صفحهء جستي
۳- صفحهء المونيمي
٤- صفحهء مسي

از ميان فلزات فوق مس باداشتن هدايت حرارتي بالا ومقاومت در مقابل زنگ زدگي بيشتر از همه مناسبتر است .

مساحت صفحهء آخذه پرتوگير :

تعيين مساحت پرتوگير مربوط شرايط چند است:

۱- مقدار آب گرم مورد نياز : بطور مثال تقريباً يك فرد دريك روز بين ۵۰ الي ۸۰ ليتر آب گرم ۶۰ سانتي گريد مصرف ميکند(يکبار آب کشي بدن در روز ۲۵ ليتر ويکبار غسل ۸۰ ليتر آب گرم لازم است که با مخلوط کردن اين آب با آب سرد(۱٦c°) تقريباً دوچند مقدار بالا آب «۳۸c°» حاصل ميشود. اگر انسان بخواهد تمامي مصرف آب گرم روزانه ، حتي در روزهاي ابري ونيمه ابري را توسط انرژي آفتاب تهيه نمايد مساحت پرتوگير خيلي بزرگ بايد باشد.

ولي ساحهء «۲» متر مربع في نفر نتيجه رضايت بخش ببار ميآورد وپرتوگير قادر است که ۵۰ ليتر آب (٦۰C°) درروزهاي نيمه ابري و۸۰ ليتر آب به همان درجه در روزهاي آفتابي توليد کند .

۲- درجه کار آتي پرتوگير:

اگر درجه کارآتي پرتوگيرهاي ساخته شده در کار خانه ها معلوم باشد ميتوان بادقت بيشتر دستگاه را نصب و سنجش نمود اما اگر ساختهء دست خودي باشد بايد تا حدودي تخميني سنجش کرد.

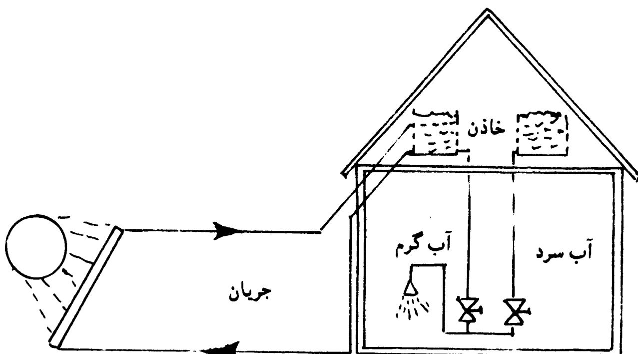
۳- تعين ميلان پرتوگير نظر به موقعيت آفتاب:

بهترين نتيجه وقتي بدست مي آيد که روي پرتوگير صبح با ميلان زياد روبه شرق (آفتاب برآمد) قرار داشته ودر اثناي روز ميلان آن بابلندي آفتاب کمتر شده وبه طرف جنوب بچرخد وبعد از ظهر دوباره ميلان بيشتر شده وبطرف غرب بچرخد يعني حرکت پرتوگير طوري باشد که از اول

صبح تا غروب مسیر آفتاب را تعقیب کند .

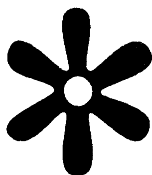
با چنین دستگاه انتظار اینست که کوچکترین سایهء درختي ویادیوار

نماي جریان سیفوني مدار باز براي تسخین منازل

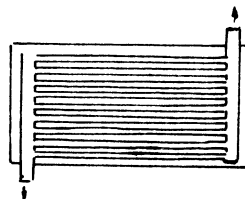


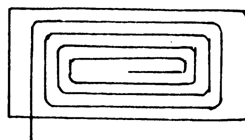
همسایه مزاحم نباشد . اگرچه ازنظر تخنیکي مهیا ساختن این شرایط ممکن است ولي خیلي گران تمام میشود معذالك با تعیین تقریبي زاویه میلان ومحل پرتوگیر نتایج رضایت بخش حاصل شده میتواند ، طوریکه نماي پرتوگیر رابا زاویه نسبي به طرف جنوب شرق ویا جنوب غرب قرار داده شود. براي روزهاي تابستاني میلان زاویه بین ۳۰ تا ۳۵ وبراي روزهاي زمستان زوایه بین ٤٥ تا ۵۰ ، زیرا در زمستان آفتاب پائین تر قرار میگیرد.

(ادامه دارد)





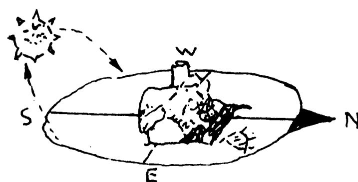




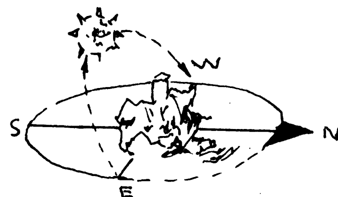
انواع مختلفه نل دواني صفحه آخذه پرتوگیرهاي همرار

حرکت تدریجي آفتاب به سمت شمال

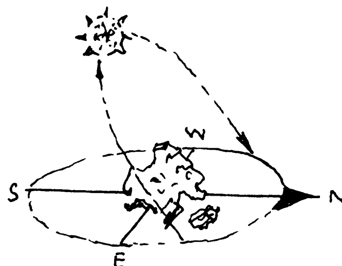
موقعیت آفتاب درظهر اول جدي



موقعیت آفتاب درظهر اول بهار



موقعیت آفتاب درظهر اول تابستان



مسیرآفتاب در فصول مختلفه

پیام تبریکیه انجنیر غلام حضرت متواضع رئیس انجمن اسلامي انجنیران و مهندسان افغانستان عنواني قاضي حسین احمد امیر جماعت اسلامي پاکستان

برادر گرانقدر قاضي صاحب حسین احمد امیر جماعت اسلامي پاکستان !

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته !

انتخاب مجدد شمارا بحیث امیر جماعت اسلامي پاکستان از جانب خود و به نمایندگي از انجمن اسلامي انجنیران و مهندسان افغانستان از صمیم قلب تبریك عرض مینمایم.

یقیناً انتخاب مجدد شما به این سمت نمایانگر محبوبیت تان در بین اراکین جماعت اسلامي و نتیجه خدمات ارزنده شما در راه حفظ اصالت اسلامي و حساسیت در برابر فساد وکجروي ها و ظلم وبي عدالتي میباشد.

از بارگاه خداوند قدیر و حکیم استدعا داریم تا شما را در راه مبارزه با کفر و ظلم وفساد و اقامه نظام اسلامي در پاکستان توفیق مزید اعطا نماید.

برادر تان

انجنیر غلام حضرت "متواضع"

خاموشي عالم اسلام دربرابرمردم مسلمان بوسنيا

ترجمه: محمد نسيم

بيداري ضميرانساني پيرامون مظالم ، قتل وقتال نسلي در بوسنيا بالآخره آهسته آهسته احساس مي شود ، حاكمان جنايتكارسربيا به منظور فريب دادن جهانيان حملات وحشيانه هوائي و زميني خويش راعليه مردم مسلمان بوسنيا كه طي آن تقريباً نصف از سرزمين آنرابه تصرف خويش درآورده، قسمت اعظم از باشندگان بوسنيا بي خانمان شده وبه قحطي مواد مورد ضرورت انساني روبرو ميباشند، عمل پاكسازي از تعصبات نژادي نام نهاده اند.

از تاريخ ٦ اپريل ١٩٩٢ همزمان با آغاز تعرض سربيها عليه مسلمانان بوسنيا وتحت محاصره قرار دادن سرايو پايتخت آن كشور مسلمانان سراسر جهان خواستار اقدامات مؤثر توسط اداره ملل متحد در جهت قطع اين حملات شدند كه سائر حلقات طرفدار صلح درجهان نيز با آنها همصدا گرديدند.

امريكا كه خود را يگانه علمبردار دفاع از حقوق بشر و حامي حق خود اراديت ملت ها وانمود ميكند دربرابر اين ديده درائي وخلاف ورزي از اصول بين المللي سربيها مهر خاموشي برلب نهاد. امريكا كه هميشه سنگ ايجاد يك نظام بر پايه عدالت اجتماعي و تأمين زندگي درسايه قوانين رابر سينه ميزند وباعمل تعرض عراق بر كويت بر بنياد همين مفكوره كه، عليه آزادي وحاكميت ملي يك كشور مستقل تجاوزصورت گرفته است مخالفت سخت خود را باآن (عراق) اعلان كرد، دربرابر قضيه بوسنيا اين اصول را بكلي بباد فراموشي سپرده است در حاليكه بوسنيا نيزيك كشور آزاد، مستقل و عضو سازمان ملل مي باشد.

تجاوز بيرحمانه عليه مسلمانان بوسنيا كه تا الحال منتج به تصرف نصف از سر زمين آن از طرف سربيائي ها گرديده و صدها هزار باشنده آن مجبور به ترك خانه و كاشانه خويش شده ولي هيچگونه حس بشر دوستي امريكا را تحريك ننموده و هيچگونه مكلفيت را در برابر اين جنايات احساس نميكند.

باوجود فشارهاي بين المللي، تمام كوشش هاي امريكا ازچار چوب ترديد زباني پا فراتر نگذاشت. ازين خاموشي برمي آيد كه بر داشت امريكا از قضاياي مذكور طوري است كه در قطع مظالم عليه بوسنيا و مردم مسلمان آن هيچ نوع مفاد مستقيم امريكا متصور نيست .

قطع نمودن راه هاي رسانيدن كمك به مردم بوسنيا از طرف عساكر سر بياشوراي امنيت رابرآن واداشت كه دربرابر ايجاد كنندگان مزاحمت در راه رسانيدن كمك هاي انساني به مردم بوسنيا موضوع استفاده از قوه را مطرح كندو امريكا نيز به استعمال قوه موافقت كرد، در حاليكه اينگونه فيصله ها به حال مردم مسلمان بوسينا كافي نبوده شرايط طوري است كه ايجاب اقدامات جدي تري درجهت قطع حملات هوائي وحل مشكلات موجوده را ميكند . با وجود تقاضاهاي پي درپي مسلمانان جهان و حاميان صلح و امنيت درجهان از همان آغاز تعرض سر بيها عليه مسلمانان بوسينا مبني بر اينكه سازمان ملل متحد وامريكا در زمينه قطع جنگ مسئوليت هاي خويش را ادا نمايد، بنابر بعضي عوامل به هيچگونه عمل سازنده متوصل نشده اند.

زمانيكه اميدواري قطع بمباردمان هوائي عليه بوسينا پيداشد جورج بش رئيس جمهور امريكا از شوراي امنيت خواستار اجازه استعمال قوه عليه آنعده پروازهاي شد كه از طرف اداره بين المللي ممنوع قرارداده شده است آقاي بش به اين ترتيب اجازه استعمال قوه را از شوراي امنيت هنگام قطع بمباردمان سرزمين بوسينا بدست مي آورد.

توقع مي رود كه برتانيا، فرانسه وروسيه ازين اقدام پشتباني نمايند.

هند، زمبابوي وچين شايد به اين تجويز موافق نباشند ولي هيچگونه خطري و بتوي آن از جانب چين متصور نميباشد. هرگاه اين قرارداد از طرف سازمان ملل منظور شد آنگاه قطع بماردمان تباه كن طيارات سر بيها عليه كشور مسلمان بوسينا كه خود فاقد هرنوع قواي هوائي ومدافعه هوائي ميباشد، ممكن ميگردد.

عملكرد كشورهاي اسلامي پيرامون قضاياي بوسينا قابل تائيد نميباشد. همه مي بينيم كه يك كشور ضعيف ومسلمان مورد وحشيانه ترين تجاوز قرار گرفته ولي كشورهاي اسلامي ديده ودانسته در راه نجات آن به اقدام مؤثري متوصل نميشوند كه اين خود گواه بر نا اهلي وبي اتفاقي مسلمانان واحساس ضعف آنها در برابرانجام فرايض شان ميباشد.

جالب تر از همه اينكه براي حل قضاياي بوسينا دست طلب به امريكا دراز ميكنند، اين نارسائي جهان اسلام ناشي ازعدم موجوديت حكومت هاي مي باشد كه منعكس كننده اخلاص ، عقيده و ايمان باشد. حكومت هاي كه به معني واقعي ازملت خود نمايندگي كند و ترجيحات آن با خواستهاي ملت مسلمان شان يكسان باشد.

ناگفته نبايد گذاشت كه كشورهاي مسلمان اداره يي را تحت عنوان به اصطلاح سازمان كنفرانس كشورهاي اسلامي (OIC) بنياد گذاشته اند ولي اين اداره كدام مقام و حيثيت مهم را در سطح جهاني دارا نميباشد، اكثر اركان اين اداره از جمله جيره خواران قدرت هاي بزرگ هستند از نام اين اداره براي حفظ موقعيت هاي خويش استفاده مي كنند.

ازطرفي هم درممالك اسلامي نه تنها به تعليمات سياسي، اقتصادي اسلام عمل صورت نميگيرد بلكه درميدان فني ، ساينسي و تكنالوژي پسمانده تر از ديگران هستند. روحيه اتحاد و اتفاق در بين مسلمانان نا پيداست ، باوجود اينكه اكثر ممالك اسلامي مملو ازمنابع سرشار طبيعي ، وسايل مادي و قوه بشري ميباشند طوريكه لازم است در امر استفاده ازآن به ناكامي روبرو هستند.

زمام امور كشورهاي اسلامي اكثراً بدست افرادي ميباشد كه شكار ذهنيت گرائي شده و جلو تراز نوك بني خويش را نمي بينند كه باداشتن چنين حالت فلاكت بار جهان اسلام نميتواند منحيث يك قوت مؤثر ومتحرك بروي كره ارض عرض وجود نمايد.

فيصله قطع بماردمان طيارات سربيها عليه مسلمانان بوسنيا عمليست قابل قدر ولي حل قضيه ازين طريق به وجود نميايد، ضرورت اصلي قطع تمام تجاوزات هوائي و زميني ميباشد وهم اقدامات مؤثر درجهت جلوگيري ازحوادث ناگواريكه درآينده متصور است.

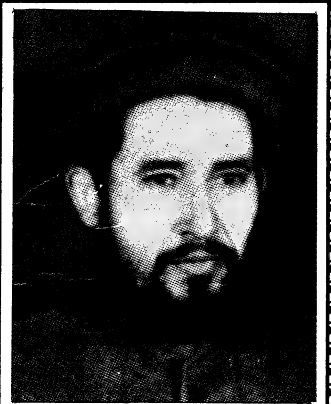
مردم بوسنيا كه نصف از سرزمين خود را ازدست داده و هر روز حد اوسط به تعداد ۱۸ نفر در سرايو پايتخت اين كشور به قتل ميرسند عنقريب به مشكلات تازه روبرو خواهند شد و آن عبارت از فرارسيدن موسم سرما مي باشد كه درآن نسبت عدم موجوديت مواد خوراكي وادويه به اندازه كافي، وعدم مساعد بودن شرايط براي رسانيدن كمك به باشندگان اين كشور درحدود پنجاه هزار نفر به هلاكت خواهد رسيد.

بنابرآن لازم است سازمان كنفرانس كشورهاي اسلامي (OIC) از خواب غفلت برخاسته به كمك كشورمسلمان وهم آئين شان در سرزمين اروپا بشتابند. كشور بوسنيا در حالت كنوني به كمك هاي اخلاقي ، سياسي ، سفارتي ، مادي و دفاعي ضرورت دارد، لازم است اداره (OIC) در امر فراهم نمودن آن سهم فعال بگيرد وبراي نجات كشور مسلمان بوسنياز دست سربيها به اقدامات مؤثري متوصل شود.



نشانه ئي از مظالم سربي ها در برابر مسلمانان بوسنيا

اساسنامه اتحادیه سازمان های انجنیري کشورهاي اسلامي



ترجمه از: استاد محمد الياس "ذره"

پيش گفتار:

ازمدت ها باين سو سازمانهاي انجنيري کشورهاي اسلامي ، ضرورت تأسيس اتحاديه را که تمام اين سازمانها رادورهم جمع نمايد احساس ميكردند تا باشد قاعده واساس پيشرفت كار و تبادل معلومات كار گري و فني ميان كشورهاي اسلامي بر قرار گردد. بعداز مناقشات ابتدائي و گفتگوهاي زيادي كه بين عده، ازمسئولين اين سازمان صورت گرفت همه برآن شدند كه بايد جلسه رسمي باشتراك نمايندگان هيئت هاي انجنيري محلي كشورهاي اسلامي انعقاد يابد

واين جلسه عملاً طور غير رسمي در ١٢ مارچ سال ١٩٨٨ دركراچي پاكستان كه سي همين جلسه انجنيري پاكستان بحساب ميرفت ، داير گرديد وصراحتاً همه اتفاق كردند به تأسيس "اتحاديه سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي" ، وهمه اعضاء شركت كننده اتحاديه درين جلسه ، مسوده نظام اساسي را كه قبلاً به ساير سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي گسيل شده بود تصويب نمودند. بنابراين اتفاق باهمي وتصويب مجلس نظام اساسي ودستور اتحاديه بميان آمد كه قابل گسترش ونشر است.

رئيس كميسون تحضيري

سيدعلي حسن

٩اپريل ١٩٨٨ م

بسم الله الرحمن الرحيم

ديباچه:

بخاطر پاسخ دادن به احتياجات امت اسلامي مان وجهت پياده كردن مفهوم اين نداي قرآني "وتعاونو اعلي البرو التقوي ولاتعاونوا علي الإثم والعدوان" وهمچنان براي پاسخ گوئي به مسابقات تمدن و پيشرفت هائيكه امت مسلمان به آن مواجه است و خصوصاً كه امروز در عصر تكتل و آميزش بسر مي بريم ، سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي ضرورت تأسيس اتحادي راكه تمام اين سازمان ها راگردهم جمع نمايد احساس كردند تا باشد اين اتحاديه بمثابه اساس مستحكمي براي پيشرفت كار انجنيري وعلوم و تطبيقات انجنيري و تبادل معلومات فني و كار گري بين كشورهاي اسلامي قرار گيرد.

بعد از مناقشات زياد همه ممثلين هئيت هاي انجنيري كشورهاي اسلامي خلال اجتماع رسمي خود بدين اتفاق كردند كه جلسه يي درين مورد داير گردد و« ١٢ مارچ سال ١٩٨٨ م »اين جلسه دركراچي انعقاد يافت در اثناء اين اجتماع ، طي يك گردهم آئي غير رسمي كه سي همين كنفرانس جمعيت مهندسين پاكستان بحساب ميرفت ، اتفاق صريح به تأسيس اتحاديه سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي بوقوع پيوست واعضاء شركت كننده اتحاديه درين جلسه مسوده نظام اساسي پيشنهاد شده را به تصويب رسانيدند. وهمچنان درين جلسه قرار گذاشته شد كه كميسون اجرائيه مؤقت از نمايندگان كشور پاكستان، مصر ، بنگله ديش و ماليزيا تشكيل يابد ودرين مجلس انعقاد نخستين مجمع عمومي اتحاديه دركشور مصر در مي «١٩٨٩ م» پيشنهاد گرديد وبفضل خداوند"ج" انجمن انجنيران عصري توانست كه نخستين جلسه مجموع عمومي اتحاديه را از« ٢٧ - ٢٩ مي ١٩٨٩ م» برگزار نمايد و همچنان نخستين كنفرانس علمي را در عين وقت بعنوان «تكامل تكنالوجي بين كشورهاي اسلامي» درسالون جامعه دول عربي درقاهره ، داير نمايد، ودرهمين جلسه نخستين مجمع عمومي ، نظام اساسي اتحاديه بعد از يك سلسله تعديلات ضروري تصويب گرديد.

همچنان نخسين مجمع عمومي در انضمام نماينده گان انجنيران كشورهاي

اردن، اندونيزيا و سنيگال بحيث عضو اتحاديه موافقه كرد ودرين جلسه علاوه بركشورهاي تأسيس كننده وكشورهائيكه به انضمام آنها مجمع عمومي موافقه كرده بود ، وفودي بحيث ناظر از كويت ، بحرين ، عمان وافغانستان شركت كردند.

ونيز درين جلسه انتخاب اعضاء اجرائيه كمسيون براي دوسال آينده از (١٩٨٩-١٩٩١) كه موعد انعقاد در متن مجمع عمومي اتحاديه بود قرار آتي صورت پذيرفت:

١- الدكتور، سيد علي حسن ازپاكستان بحيث رئيس اتحاديه

٢- المهندس «ليث شبيلات» ازاردن بحيث نائب رئيس

٣- المهندس ،مصطفي بن احمد ازماليزيا بحيث نائب رئيس

٤- دكتور مهندس محمد علي بشراز مصر بحيث دبير كل

٥- مهندس امراد جميل الزيات ازمصر بحيث عضو

٦- مهندس انور العظيم از بنگله ديش بحيث عضو

٧- دكتور سومانتري از اندونيزيا بحيث عضو

٨- مهندس جايبي ازسنيگال بحيث عضو

از خداوند بزرگ مسئلت ميداريم كه همه رادر تحقق اهداف اين اتحاديه توفيق اعطاء فرمايد.

دكتور مهندس محمد علي بشر
دبيركل اتحاديه سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي

نظام‌اساسي
ماده (١)

اسم ، اهداف و صفت:

اتحاديه سازمانهاي انجنيري كشورهاي اسلامي يك مؤسسه بين المللي ميباشد كه بخاطر بلند بردن سطح كار انجنير ، علوم و تطبيقات آن دركشورهاي اسلامي ايجاد گرديده است ، تا اينكه زمينه استفاده از امكانات مادي انساني بطريق احسن فراهم گردد.

اين مأمول جز ازهمكاري مشترك وهموار كردن روند تبادل معلومات و افكار در موضوعات وقضاياي مربوط به آن وحل پرابلم هاي مهم كشورهاي عضو برآورده نميگردد مدت اتحاديه غير محدود وباز است ومقر دبير خانه احياناً طبق فيصله مجمع عمومي تجديد ميگردد.

مرز بندي اهداف اتحاد:

الف: اعادهء پيشرفت واظهار سهم گيري هاي بارز مهندسين پيشين و احياي دوران درخشان انجنيران و تكنالوجستان كشورهاي اسلامي واستحكام روابط اسلامي از خلال كارهاي گوناگون دل انگيز در مجال هندسه و تكنالوجي .

ب: بر انگيختن ونيرو بخشيدن تشريك مساعي وتكامل و تبادل معلومات و مهارتها بين كشورهاي عضو از طريق ايجاد بانك معلوماتي ، يا اتخاذ وسايل مشابه وبا اهميتي مانند مهارت هاي هندسي، خدمات هندسي وآموزشهاي هندسي.

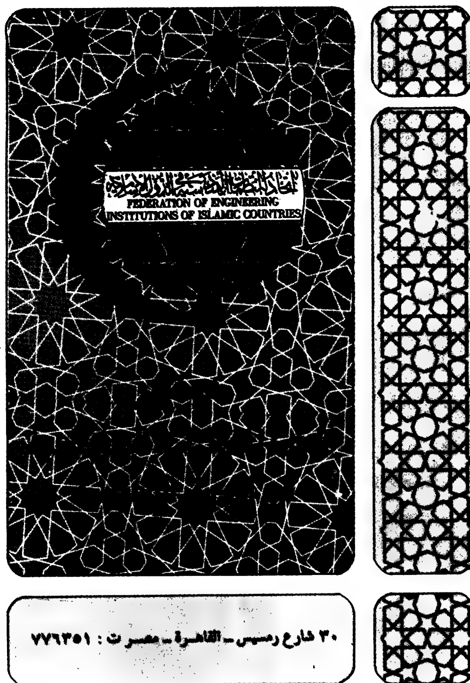
ج: فراهم كردن زمينهء آمد وشد وانتقال آزاد مهندسين وتلامذهء علوم هندسي بين كشورهاي اسلامي وتقويه كارهاي بالا برنده سطح واردات انساني در ساحه انجنيري ورشد سويه بهره يابي از مهارتها واندوخته هاي موجود انجنيري .

د: بر انگيختن به تأسيس اتحاديه انجنيري كه مورد تأئيد حكومت كشورهاي اسلامي باشد وتقويه كارهاي گوناگون وتخصصي اتحاديه مذكور .

هـ : توجيه وتشريك مساعي در حل پرابلم هاي آموزش وپرورش انجنيري وارائه تحصيل مهندسين دركشورهاي اسلامي .

و: توجيه كار انجنيري در كشورهاي اسلامي بخاطر پياده كردن اهداف رشد وتوسعه اجتماعي واقتصادي.

ز: بميان آوردن نظم و تعاون با



حکومت هاي دول اسلامي وسازمانهاي بين المللي تا اينكه با فراهم كردن كمك هاي زياد سطح منطقه ، اهداف ذيل در ساحات پيشرفت علمي و تكنالوجي پياده گردد:

* حفظ توازنات ايكولوجي وسلامت محيط زيست.

* انكشاف نيرو هاي ذاتي الجينيري در كشورهاي اسلامي.

* تدبير درست در مورد استفاده از مصادر قوا (نفت وگاز، ذغال سنگ ، برق و آفتاب) در كشورهاي اسلامي.

* كار بخاطر ايجاد توازن متساوي از طريق رشد و نموي صنعت وتبادل اندوخته هاي علمي و تكنالوجي در سطح كشورهاي اسلامي.

ح: همكاري با سازمان كنفرانس كشورهاي اسلامي جهت ارتقاء سطح الجنيري و تكنالوجي دركشورهاي اسلامي.

ط: تقديم مشورتهاي فني به سازمان هاي وابسته به سازمان ملل متحد مثل يونسكو(UN) (كه هدف آن كمك به صلح و امنيت جهاني از طريق ترويج همكاري ميان ملتها به وسيله آموزش و پرورش ميباشد).

يونيدو(UNIDO) (كه هدف آن كمك به صنعتي شدن كشورهاي در حال توسعه ميباشد). يوندپ (UNDP) برنامه ئي است كه درسال ۱۹۷۰ جاگزين برنامه گسترش كمك هاي فني (ايتا) وصندوق خاص سازمان ملل متحد گرديده تا وظايف هردو برنامه را بطور همآهنگ انجام دهد).

ي : تمثيل كشورهاي اسلامي در اتحاد بين المللي سازمان هاي الجنيري (W.F.E.O) وساير هئيت هاي بين المللي بخاطرتحقق اهداف مشترك درسطح اين دولت ها.

ماده (۲)

هيكل تنظيمي اتحاديه (تشكيل)

۱- هيكل تنظيمي اتحاد ازعناصر ذيل تشكيل يافته است:

الف: اعضاء

ب: مجمع عمومي

ج: كميسون اجرائيه

د: دبيرخانه

هـ: كميسون هاي تخصصي و اقسام مجموع هاي كارگري.

۲- مجمع عمومي عبارت ازهيئت اساسي داراي سلطه ورأي در اتحاديه مي باشد.وكميسون اجرائيه چرخش كارهاي اتحاديه را در فاصله هاي زماني بين دورهاي اجلاس مجمع عمومي بعهده مي گيرد.

ماده (۳)

اعضاء

۱- نظام عضويت د ر اتحاديه متشكل است از:

* عضويت قطري
* عضويت زماله
* عضويت مساهمه

۲- شروط عضويت قطري طبق قواعد و معيارهاي مروج در هر دولت ، سازمانهاي الجنيري كارگري دركشورهاي اسلامي وآن عده سازمانهائيكه ممثل تمام مهندسين درسطح ممتاز كارگري اند را در بر ميگيرد.

۳- شروط عضويت زماله، سازمانهاي الجنيري يا هئيت هاي محلي يا بين المللي كه اهداف شان موافق اهداف اتحاديه است را در بر ميگيرد.

٤- شروط عضويت مساهمه دربرگيرنده مؤسسات صنعتي ، مراكز تفحصات، اتحاديه هاي قطري، هيئت هاي مشابه بآن وآنهائيكه از طريق كار، خدمتي انجام ميدهند واهداف شان با اهداف اتحاديه وفق ميكند ومساهمه مالي شان رول مهمي را در تمويل كارهاي اتحاديه طبق برنامه و شروطي معين كميسون اجرائيه بازي ميكند مي باشد.

٥- هركشوراسلامي فقط داراي يك عضو قطري در اتحاديه ميباشد ودرصورت موجوديت بيش ازيك سازمان الجنيري كارگري دريكي از كشورهاي اسلامي عضويت اتحاديه را تنها هيئتي كه منبعث از كمسيون قوي باشد كه ازطرف سازمانهاي الجنيري درين دولت ، رسماً تشكيل يافته ومورد قبول همه سازمانها است تمثيل مينمايد.

٦- سازمانهاي الجنيري وكميسيون قطري كه وفود شان در جلسات مقدماتي اشتراك كرده وبر وثيقه هاي اتفاقي بخاطر پياده شدن اتحاديه و نظام اساسي آن امضاء كرده باشند به اعتبار مبدأ اعضاء قطرين ناميده ميشوند.

۷- درصورتيكه بين سازمانهاي الجنيري ويكي از دولتهاي اسلامي ، در مورد تشكيل كميسيون قوي ممثل دولت كه از نتيجه آن هيئت جديد براي مهندسين بوجود ميآيد يادر امر مشابه بآن اختلاف بميان آيد درينصورت كميسيون اجرائيه اتحاد طرح موضوع را باتقديم توصيه محدود در اجلاس اينده مجمع عمومي بعهده ميگيرد.

اتحاديه سازمانهاي انجنيري كشور هاي اسلامي يك مؤسسه بين المللي ميباشد كه بخاطر بلند بردن سطح كار انجنير، علوم و تطبيقات آن دركشور هاي اسلامي ايجاد گرديده است، تا اينكه زمينه استفاده از امكانات مادي انساني بطريق احسن فراهم گردد.

(*۱- مقصود از آن انجمن هاي برسميت شناخته شده ازطرف حکومت ميباشد.
*۲- زماله مشتق از زميل بوده مقصود ازآن مهندسين اند که در انجمن رسمي شامل نيستند ولي زميل وهمکار مهندسين رسمي اند.
*۳- مقصود ازآن صاحبان مال وسازمانهاي اند که با اتحاديه همکاري دارند.)

ماده (٤)

شروط عضويت:

هرگاه عضوي جديدي در خواست خود را به اتحاديه پيش ميکند، کميسيون اجرائيه بعد از مطالعه آنرا به تمام اعضاء ابلاغ نموده توصيه ميکند که نظر خو درادرمورد آن به اسرع وقت ابراز دارندو عضويت وي وقتي مورد قبول واقع ميگردد که۲/۳ ممثلين عضو که داراي حق رأي در اجلاس مجمع عمومي اند باآن موافقه کرده باشند وازطريق مخابره برقي آراء ممثلين توسط کميسيون اجرائيه مطالبه ميگردد.

ماده(٥)

استعفاء و سلب عضويت:

۱- هرگاه يکي از اعضاء بخواهد که از عضويت اتحاديه استعفاء نمايد مطلب خود را کتباً کم ازکم شش ماه پيش از تاريخيکه براي استعفاي خود قيد کرده است به دبير کل اتحاديه تقديم ميدارد.

۲- مجمع عمومي ميتواند عضويت هريکي از اعضاء را سلب نمايد بدين شرط که آن عضو در قبال مقررات اتحاديه التزام نورزد يا ثابت گردد که آن عضو به کاري اقدام نموده که خلاف اهداف اتحاديه است.

سلب عضويت بموافقه ۲/۳ اعضائيکه حق رأي دادن در مجمع عمومي را دارند صورت مي پذيرد. حضور عضو درجلسه يا تفويض (سپارش) امر به آن درزمينه سلب عضويت يکسان است.

ماده (٦)

مجمع عمومي:

۱- مجمع عمومي متشکل از: رئيس اتحاد، نائب رئيس، دبير کل، سه ممثل از هر هيئت عضويت قطري، دو ممثل ازهرعضويت زماله ويك ممثل ازهر هئيت مساهمه ميباشد.وبهتراست که نمايندگان عضويت قطري هريك درعلم انجنيري تخصص جداگانه داشته باشند.

۲- اجلاس مجمع عمومي طور عادي در دو سال يکبار بر گزار ميگردد، زمان ومکان اجلاس بعدي در همان دوره عادي جلسه داير شده باتفاق آراء تعيين ميگردد ودر صورت عدم تعيين زمان و مکان اجلاس بعدي درهمان جلسه، حسب پيشنهاد کميسيون اجرائيه تعيين ميگردد.

۳- طبق لزوم ديد قانون اتحاديه ثلث اعضاء نصاب مجمع عمومي را تشکيل ميکنند.

٤- حق رأي دادن در مجمع عمومي منحصر به اعضاء قطر يين بوده وهر عضو قطري داراي يك رأي ميباشد.

هرگاه عضوي از اعضاء اتحاديه در اداي التزامات مالي ازوقت معين آن تخلف ورزد، حق انجام وظيفه رادر اتحاديه ندارد يا از حق عضويت تازمانيکه التزامات خود را نپردازد استفاده کرده نميتواند. همچنان مجمع عمومي ميتواند باغلبيت بسيط پايان عضويت آنرا اعلام دارد.

٥- مجمع عمومي به وظايف آتي قيام مي ورزد:

الف: انتخاب رئيس، نائب رئيس و دبير کل.

ب-:انتخاب اعضاء کميسون اجرائيه.

ج: تعيين مقر دبيرخانه اتحاديه.

د: تعيين هر کميسيوني از کميسيونها که به تشکيل آن ضرورت احساس ميگردد.

هـ: تعيين مجموعه هاي کارگري به کارهاي مشخص درزمان معين ومکان مشخص.

و: ايجاد اقسام و قطعات براي تنظيم کارهاي اعضاء دائمي بخاطر پياده کردن اهداف مجمع عمومي.

ز: مراقبت و مراجعه به کارهاي کمسيون ها، مجموعات کارگري واتحاديه.

ح: توصيه کمسيون اجرائيه بمراجعه حسابات مالي اتحاديه که از يك دور اجلاس تا دور ديگر امتداد ميبايد.

هرگاه عضوي جديدي در خواست خود را به اتحاديه پيش ميکند، کمسيون اجرائيه بعد از مطالعه آنرا به تمام اعضاء ابلاغ نموده توصيه ميکند که نظر خو درادرمورد آن به اسرع وقت ابراز دارندو عضويت وي وقتي مورد قبول واقع ميگردد که۲/۳ ممثلين عضو که داراي حق رأي در اجلاس مجمع عمومي اند باآن موافقه کرده باشند وازطريق مخابره برقي آراء ممثلين توسط کمسيون اجرائيه مطالبه ميگردد.

ط: مراجعه بملاحظات وارده از طرف اعضا قطرین به نسبت تعدیل نظام اساسي که با یستي درین باره بحث ومناقشه صورت پذیرد ومي باید که این گونه ملاحظات از طرف اعضاء اقلاً (۱۲) ماه پیش ازانعقاد مجمع عمومي تقدیم گردد.

ي: سلب عضویت : وقتیکه موافقه به سلب عضویت عضوي از اعضاء بنابرتوصیه کمسیون اجرائیه طبق مقرره ماده پنجم که (هرگاه عضوي به التزامات خوددرقبال اتحادیه اعتناء نکند یا بکاري خلاف اهداف اتحادیه اقدام نماید) به اتمام رسیده باشد.

ك: درنظر گرفتن بودجه اتحادیه براي دوسال و تشخیص مصارف تخصصي دبیرکل که جهت رسیدگي در وظایف خود بآن ضرورت دارد وهمچنان تخصیص مصارف کل اجرآتي که دبیر کل دراتحادیه مکلف است آنرا به اتمام برساند.

ل: تعیین نرخ ووجه اشتراکات (حق العضویت) سالانه اعضاء اتحادیه طبق ماده (۱۲) واین امربنابر تقدیم توصیه ازطرف کمسیون اجرائیه صورت میپذیرد.

ماده (۷)

کمیسون اجرائیه:

۱- کمیسون اجرائیه نزدمجمع عمومي مسئول بوده ومتشکل از اعضاء ذیل است :

الف: رئیس اتحادیه ، دو نائب آن ودبیر کل.

ب: هفت نماینده از نمایندگان اعضاء قطرین.

۲- رئیس اتحادیه منصب رئیس کمیبیون اجرائیه را بعهده دارد ودونائب آن ، نواب رئیس کمیسون اجرائیه گفته میشوند ودبیر کل سمت سکرتریت آنرا بعهده میگیرد.

۳- اعضا قطرین واشخاصیکه باساس کفایت ذاتي خویش در کمیسیون اجرائیه انتخاب میشوند، کارهاي مهم خود را در ظرف دوسال خلال دو دوره اجلاس عادي مجمع عمومي انجام میدهند.

٤- کمیسون اجرائیه اقلاً سه ماه پیش از انعقاد مجمع عمومي لست نامهاي پیشنهاد شده براي منصب رئیس، نواب رئیس، دبیرکل واعضاء کمیسیون اجرائیه براي دوره جدید را به تمام اعضاء اتحادیه تقدیم میدارد.

هرگاه یکي از اعضاء بخواهد که از عضویت اتحادیه استعفاء نماید مطلب خود را کتباً کم ازکم شش ماه پیش از تاریخیکه براي استعفاي خود قید کرده است به دبیر کل اتحادیه تقدیم میدارد.

۵- کمیسون اجرائیه حق دارد که کیمیسون هاي خاصي تشکیل دهد و اقسام کارارا مجموعه ودسته بندي کند تابتواند بخدمت امور اتحادیه بوجه احسن رسیدگي نماید واهداف آنرا برآورده سازد. بناءً این مقررات وابتکارات عمل خود را به مجمع عمومي در دوره آینده جهت اخذ اعتماد پیشکش مینماید.

٦- کمیسون اجرائیه در مراقبت کارهاي اتحادیه و در تعقیب پیشبردوظایف نشاط انگیز کمیسیون ها واقسام مختلف و مجموعات عمل ، مسئول است وبراوست که توصیاتي ترتیب و به کمیسون ها جهت توجیه کار تقدیم نماید تا کارآئي و درایت درانجام وظایف به بار آرد واهداف اتحادرا تحقق بخشد.

۷- کمیسون اجرائیه صلاحیت دارد که کمك هاي بلا شرط راازهرمرجعي جهت تقویه زیر بناي مالي اتحادیه بپذیرد.

۸- قرارات در اجلاس کمیسون اجرائیه باغلبیت آراء حاضرین به تصویب میرسدوهرعضو درین کمیسیون داراي یك رأي میباشد ودر صورت تساوي آراء طرف رئیس رجحان دارد نصف اعضاء کمیسون ، نصاب کافي وقانوني براي انعقاد مجلس اجرائیه محسوب میگردد.

۹- اجنداي مجلس کمیسون اجرائیه مشتمل بر بنود ذیل است :

الف: طرح پیشنهادات انتخاب رئیس ، نواب رئیس ودبیر کل براي اتحادیه.

ب: بررسي درخواست هاي عضویت جدید و درخواستهاي استعفاء ازعضویت اتحادیه.

ج: گزارش دبیرکل در رابطه به فعالتیهاي اتحادیه به تعقیب راپورقبلي ومخصوصاً در رابطه با جریان حسابات مالي واجراآتي که جهت تنفیذ قرارات مجمع عمومي اتخاذ کرده است.

د: مراجعه به راپورهاي جریان وظایف محوله کیمسیون ها واقسام مختلف ومجموعات عمل.

هـ: بررسي پیشنهادات پیشکش شده ازجانب اعضاء ومسئولین ومؤظفین اتحادیه وبررسي پیشنهاداتیکه راجع به پیشرفت کار درسطح اتحادیه تقدیم شده وهمچنان بررسي اقتراحاتیکه در مورد تشکیل کیمسیون ها ، اقسام و مجموعات عمل جدیداً تقدیم گردیده است.

و: باز رسي واعتماد بر حسابات اتحادیه

درسال هاي گذشته.
ز: مراجعه و اعتماد بر برنامه کار اتحاديه وبودجه آن براي مدت زمان آينده.
ح: بررسي پيشنهادات خاص بمناسبت تثبيت حق العضويت اعضاء اتحاديه .
ط: تعيين زمان و مقر اجلاس دوره‌ء آينده مجمع عمومي.
ي: بررسي هر موضوع ديگري که مجمع عمومي به کميسيون اجرائيه محول ميسازد.
۱۰- کميسيون اجرائيه اقلاً سالي يکبار تشکيل جلسه ميدهد.
۱۱- کميسيون اجرائيه جلسه مناسبي را بخاطر دورآينده اجلاس مجمع عمومي دائرميکند.
۱۲- امکان دارد که رئيس کميسيون اجرائيه اعضاء را بانعقاد جلسه غير عادي دعوت نمايد هرگاه که اقلاً سه عضواز اعضا کميسيون انعقادآنرا بخواهد.
۱۳- مسئوليت پيشبرد کارهاي عاجل بدوش رئيس ونواب رئيس ودبير کل ميباشد. قرارات و اجراآتي که توسط آنهااتخاذ ميگردد به کميسيون اجرائيه بخاطر اخذ اعتماد عرضه ميشوند.
۱٤- درحالت اضطراري ممکن است که قرارات باگزارش بر اعضاء کميسيون اجرائيه بنابر توجيهات رئيس صورت پذيرد.

ماده (۸)

رئيس ونواب رئيس:

الف: رئيس ونواب آن توسط مجمع عمومي انتخاب ميشوند ومسئوليت هاي خود را تا پايان دور اجلاس عادي مجمع عمومي بعهده ميگيرند.
ب: رئيس اتحاديه ممثل رسمي اتحاديه ميباشد.
ج: نواب رئيس بياري رئيس در انجام مسئوليتهاي آن مبادرت مي ورزند و حين غيابت رئيس يا به سبب کدام امر عارضي که رئيس نتواند بر مسند خود بايستد، يکي ازنواب به نيابت مي پردازد.
د: رئيس اتحاديه بنابر توصيه دبيرکل صلاحيت دارد که قراراتي رادر مورد اجراء مطالعات و سروي کردن يا قراراتي را که متعلق به پروژه هاي تفحصاتي يا مشابه آنرا اتخاذ نمايد که سازمان ملل متحد وساير سازمانهائيکه درخدمت توسعه کشورهاي اسلامي قرار دارند از وي مطالبه کنند. زيرااهداف اينگونه پروژه ها بااهداف عمومي اتحاد وفق ميکند، بعداً رئيس اين گونه قرارات را بمجلس آينده کميسيون اجرائيه براي اخذ اعتماد عرضه ميدارد.
ﻫ: رئيس اتحاديه صلاحيت دارد که توجيهات و تعليماتي را به دبيرکل جهت بهبود بخشيدن اسلوب اداء وظيفه درتمام کارهاي اتحاديه صادر نمايد ورئيس حق دارد که راپور کارها را بخاطر ارزيابي اعمال، يا توصيات پلانيزه وبررسي شده در امور مطرح را از کميسيون هاي اجرائيه ، اقسام ومجموعات عمل فراخواند.

ماده(۹)

دبيرخانه:

۱- پيشبرد تمام کارهاي اتحاديه را دبيرخانه بعهده دارد وآن عبارت از : دفتردبيرکل ميباشد و مقر آن قابل تجديد بوده و تبديلي مقر آن به فيصله مجمع عمومي صورت مي پذيرد.

ماده (۱۰)

دبيرکل:

۱- دبيرکل بنابر پيشنهاد کميسون اجرائيه توسط مجمع عمومي انتخاب ميگردد وکارهاي دشوارمنصب خود را براي مدت دوسال يا براي مدت زمانيکه از طرف کميسيون اجرائيه تعين گرديده بعهده ميگيرد.
۲- مسئوليت هاي دبير کل اجراآت تمام اعضاء اتحاديه را فرا ميگيرد. بايستي دبيرکل از تمام پيشنهادات مهم و قرار دادهاواجراآتيکه توسط کميسون اجرائيه اتخاذ ميگردد با خبر باشد وهمچنان در ثبت اوراق و گذارشات واصله در دفتر کميسيون اجرائيه ، ترتيبات لازم اتخاذ نمايد تا سخنگوي درجلسات کميسيون مذکور آنرا مطرح نمايد وبايستي مراجع حسابات اتحاديه را به تمام اعضا سه ماه پيش از روز اول جلسات مجمع عمومي بيان کند.
۳- دبير کل، مدير اجرا ئيه اتحاديه بشمار مي رود وهمچنان مسئول اداره ومراقبت کارهاي دبيرخانه بوده علاوه برآن تحت درايت وکارآئي وي وظايف مهم ذيل انجام ميبابند:
الف: ترتيب و تنظيم جلسات اتحاديه.
ب: تنفيذ و تطبيق مقررات صادره از جلسات اتحاديه.
ج: آماده کردن پلان بودجه مالي اتحاديه.
د: جمع آوري معلومات وبيانات مطلوب جهت پيشبرد کارها و نشاطات اتحاد يه ، حفظ و نگهداشت آن معلومات و بيانات ذريعه وسايل مناسب(کمپيوتر) بخاطر سهولت استفاده ازآن و نو آوري هاي لازم براي معلومات وبيانات وقتا فوقتاً.
ﻫ: اصدار نشرات اعلاميه و مثال آن.
و: همکاري با اعضاء درحصول معلومات وبيانات.
ز: اداره وباز رسي ملکيت ها و اموال اتحاديه و ضبط و استحکام جريان امورمالي آن.
ح: واقف گردانيدن اعضاء به پشنهادات، مقرارات و اجراآتيکه از طريق کميسيون اجرائيه صادر ميگردد يا اجراآتي که خود اتخاذ مينمايد، يايکي از مسئولين درحالت اضطراري با تخاذ اعمال واجراآتي مي پردازد.
ط: ادامه ارتباط دائم وپي گير با کميسيون هاواقسام مختلف ومجموعات عمل جهت تعقيب کارها و همکاري به فعاليتهاي آنها و ترتيب نمودن نشاطات مختلف آنها .
ي: تقويه کانال هاي ارتباطي با سازمان ملل متحد وسازمانهاي مشابه آن که

میخواهند طبق اهداف اتحاد در تطبیق پروژه هاي معین وسروي آن به کشورهاي اسلامي با اتحاد همکاري نمایند.

ك- تطبیق اجراآت دیگري نظر به توجیهات رئیس اتحاد یا کمیسون اجرائیه یا مجمع عمومي.

ماده (۱۱)

کمیسون هاي تخصصي واقسام ومجموعات عمل:

۱- کمیسون هاي تخصصي واقسام ومجموعات عمل هریك بخاطر انجام وظایف مشخصي تشکیل یافته وهرکدام در دائرۀ مشخصي ، اهدافي را دنبال میکند وهمه نزد کمیسون اجرائیه مسئول بوده وراپور هاي دوران کارخود رابمطالعات وسروي ها وبررسي هائي که انجام داده اند به دبیرکل که ممثل کمیسون اجرائیه میباشد پیشکش میکنند.

۲- بنابر پشنهاد دبیرکل که مسئول کانال هاي ارتباطي دائم باسازمان ملل متحد وسازمان هاي مشابه آن است ، رئیس اتحادیه که ممثل کمیسون اجرائیه میباشد، میتواند کمیسون هاي خاصي را که غرض مشخصي دارند، بخاطر تطبیق پروژه هاي معیني بکشورهاي اسلامي تشکیل نماید. چون اهداف این کمیسون ها با اهداف عمومي اتحادیه وفق میکند بناءً قرار دادهاي عقد شده را به کمیسون اجرائیه جهت تأیید در اجلاس آینده آن عرضه مینماید.

۳- درتشکیل کمیسون هاي تخصصي و اقسام ومجموعات عمل گردهم آئي نمایندگان کشورها، یا نمایندگان کشورهاي ذي ربط بموضوع کار کمیسون یا قیم ، یا مجمع عمل مراعات میگردد، تا اینکه بحضور داشت آنها مقر سکرتریت کمیسون هاوغیره بجاي مناسبي که درآن رسیدگي بکار واهداف مطلوب متصور باشد تعیین گردد، سیاست عمومي اتحادیه ایجاب میکند که هرعضو قطري علي الاقل سکرتریت یکي از مجموعات عمل را بخود جادهد تا مرکزیت کارهاي اتحادیه تحقق یابد.

٤- ممکن است که تمثیل اعضاء زماله ومساهمین دراقسام و مجموعات عمل بدرجه مطلوب صورت گیرد.

٥- کمیسون اجرائیه تر شیح ونامزد کردن اعضاء این کمیسون ها را از میان نمایندگان اعضاء اتحادیه بعهده میگیرد تا باشد که اختیار اعضاء بدین طریقه، بمعیارهاي کفایت وکارآئي لازم جهت اداء وظیفه مطلوب تسلط یابد.

ماده (۱۲)

تمویل:

مصادر تمویل اتحاد قرار ذیل اند:

الف- حق العضویت هاي سالانه که اعضاء قطرین ، زماله ومساهمین در پرداخت آن مکلفند.

ب- سهم هاي وارده ازهیئت هاي که پروژه هاي قائم بخدت اهداف اتحادیه را تأسیس میکنند.

ج- عایدات کارهاي اتحادیه.

۲- هرعضوي که دراتحادیه کار میکند یا به آن نسبتي دارد میباید حق العضویت سالانه خود را که عبارت از عدد معین سهم ها است که ارزش آن هرساله تعیین میگردد بپردازد یا حق العضویت خود را بطور شکلي دربدل یك سهم صد دالر امریکائي بپردازد.

۳- سال مالي اتحادیه از جنوري آغاز تا ۳۱ دسمبر ادامه دارد.

٤- میعاد نهائي پرداخت حق العضویت سالانه ، نسبت باعضاء قطرین واعضاء زماله و مساهمین «۳۰» جولائي تعیین گردیده است.

٥- عضو درحالت سلب عضویت یا استعفاء به پرداخت حق العضویت سال جاري ملزم بوده وحق ندارد که از اموال اتحادیه چیزي را مطالبه کند.

٦- کمیسون اجرائیه صلاحیت دارد که کمك هاي مالي را از مصادر مورد قبول بپذیرد.

ماده (۱۳-)

شروط تعدیل نظام اساسي(دستور):

الف- نظام اساسي اتحادیه بعد از فیصله در مجمع عمومي لازم التنفیذ میگردد.

ب- نظام اساسي یا دستور اتحادیه جز بواسطه مجمع عمومي به اغلبیت ۲/۳ آراء اهل رأي قابل تعدیل نمیباشد. حضور و تفویض (سپارش) در مورد اعضاء یکسان است.

ماده (١٤-)

تفسیر نصوص نظام اساسي (دستور)

قرارات و فیصله هاي مجمع عمومي درمورد مطالبي که به اثر تفسیر نصوص نظام اساسي بمیان میآیند قرارات نهائي و ملزم بر جمیع اعضاء میباشند.

ماده(۱۵)

انحلال اتحادیه:

چون موضوع انحلال اتحادیه بمجمع عمومي مطرح گردد، مجمع عمومي صلاحیت دارد که طبق ماده (۱۳) فقرهء «ب »اجراآتي اتخاذ نماید ودرصورت انحلال مجمع عمومي براي تصفیه حسابات آن قانوناً شخصي را تعیین نموده صلاحیت ، القاب وشهرت آنرا مشخص میسازد و همچنان بعد از تصفیه حسابات حدود مستحقین اموال را تعیین مي نماید.

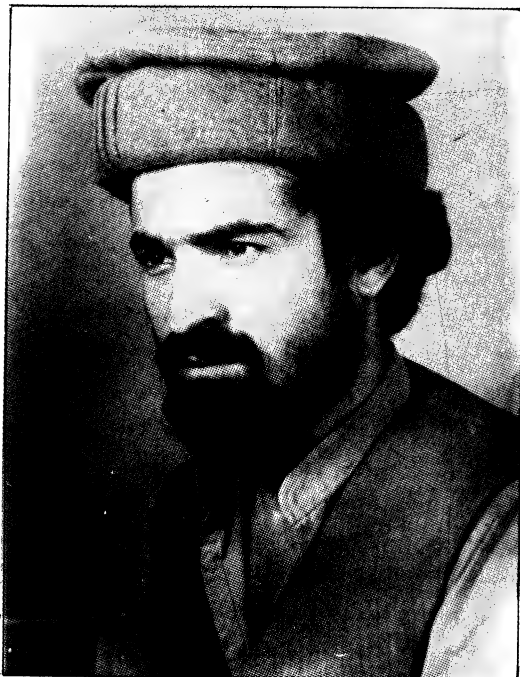
ماده (۱٦)

لغات:

لسان رسمي اتحادیه : عربي، انگلیسي و فرانسوي میباشد.

درآستانه پنجمین سالروز شهادت سردار قلم و شمشیر استاد عبدالحي "شیدا"

برادر دانشمند استاد عبدالحي "شیدا" در سال ۱۳۳٦ درقریه "فرجغاني" ولسوالي کشم ولایت بدخشان چشم به جهان باز کرد، در سال ۱۳٤۳ در حالیکه هفتمین بهار زند گي اش آغاز شده بود و ارد متوسطه میر فضل الله گردید، در سال ۱۳۵۳ بعد از اتمام موفقانه دوره متوسطه شامل لیسه «پشتونیار» ولسوالي کشم ولایت بدخشان گردید، درسال ۱۳۵۵ به اتهام رهبري دعوت گران مسلمان یك سال از لیسه «پشتون یار» اخراج گردید. حکام مزدور وقت و کمونیستهاي شرفباخته چون وجود او را در ولسوالي کشم و لیسه "پشتون یار" خطر بزرگ براي تداوم سیطره جابرانه شان در آن مناطق به حساب مي آوردند لذا او را به لیسه مرکزتخار سه پارچه اجباري دادند. هنوز صنف دوازدهم لیسه تخار را به اتمام نرسانیده بود که عمال مزدور وشرف باخته روس کودتاي ننگین هفت ثور را براه انداختند. با به قدرت رسیدن باند جنایت پیشه خلق و پرچم استاد عبدالحي"شیدا" به عنوان بارزترین چهره مبارزه در ولایات سمت شمال روانه زندان وحشت ناك پلچرخي شد. دراواخر سال ۱۳۵۸ بعد از سپري نمودن نزده ماه حبس همزمان با اشغال نظامي کشور توسط ارتش خون آشام سرخ از زندان رها گردید. بعد از رهایي از زندان رهسپار پشاور گردیده بعد از توقف کوتاه درپشاور به سوي بدخشان شتافت ودرآنجا عملاً به تنظیم و رهبري مجاهدین اشتغال ورزید. درسال ۱۳٦۰ بازهم جهت انجام پاره امور مربوط به جبهه به پشاور آمد وبعد ازدو ماه اقامت دوباره عازم سنگر هاي گرم جهاد شد. در سال۱۳٦۱ وبار دیگر درسال ۱۳٦٤ توسط گروه هاي حسود و عقده مند به اساس تزویر وفریب اسیر گردید که درهربار بعد از چند ماه حبس توفیق یافت تا زنجیر اسارت آنها را بگسلد ودوباره با همان شور و ابتهاج گذشته اش داعیه نجات بخش مبارزه و جهاد را ادامه بدهد.



در انتخابات سر تاسري حزب در سال ۱۳٦٦ با اکثریت قاطع آرابه صفت عضو شوراي مرکزي حزب اسلامي انتخاب گردید. شهیداستاد عبدالحي"شیدا" درطول حیات گهربارخود مسئولیت امارت جهاد ولایت بدخشان را به عهده داشت.

سر انجام این سنگردار عزیز و مجاهد در شانزدهم میزان (۱۳٦٦)هجري طي توطیه نا جوان مردانه در منطقه "رستاق" ولایت تخار با دو برادر و چهاریار وفا مندش به شهادت رسید.

"ساربان نور" مجموعه شعري و«دعوت اسلامي وشناخت وضع موجود» آثاریست که از وي به جا مانده است. قابل یاد دهاني است که دیوان اشعار شهید استاد عبدالحي"شیدا" به عنوان یك کتاب با ارزش وادبي از طرف ریاست ارشاد وفرهنگ حزب اسلامي افغانستان مستحق مدال نقره وجائزه نقدي شناخته شده است.

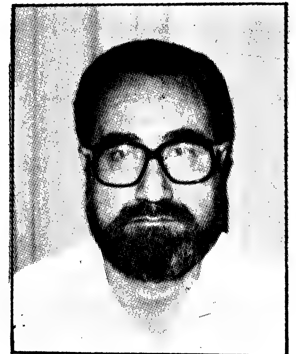
پارچه شعر انتخابي از ديوان اشعار شهيد استاد عبدالحي "شيدا"

تنگناي جور

اشكي كه صبحگاه كند ديـــده ترهـمـي
دارد به پاي عرش خـــداوند اثـر هــمـي
آهيكـه عـطشـناك برآيـد زمـوج درد
سازد بناي اهــل ستم زيــر و بــر هَمي
دستي كزعذر و سوز شبانگاه بود بـلـنـد
آخـر شــود زمـزد طلــب بـهره ورهَمي
قلبي كه ميتپد همه دم در حــريمِ خــون
رب صُدور، زُو نــبـود بي خـبر هَمــي
لب هاي خشك و سرد وغم انگيزوســوگوار
روزي بپاي خنده كند بوسه ســرهـَمـي
وين رنگهاي خيره وآشفته چــون خــزان
آرد شكوه رنگ بـهاران بـــه بــرهــَمي
ديريست ، پاي بسته درين تنگناي جــور
چون صيد زخم خورده زنم بال وپـرهَمـي
درخـــانه محــقر و كــمنور، همچو شمع
بنشسته امِ فسرده و خونين جـگـر هَمي
ني آفــتاب ذره فــشـــاند دريـن مــكان
ني جلوهء نوازش نور قـــمــر هــَمـــي
در امتداد ظـلـمــت شبــهاي بــيــكــران
چشم براهِ نالهء مــرغ ســحــر هــَمي
ني مهلتي كه سير كنم ســوي دشــتُ در
ني فرصت نظاره به كوه وكــمرهــَمــي
گويند نوبهار فـــراميـــرســد كنـــون
هرجاست باغبان به اميد ثمـــر هــَمـــي
گويند كوهسار دگر باره شـــد جــوان
پوشيده نوعروس چمن نيلو فــرهــَمــي
گــويـنـد كــز فضاي همين برجنا نسيم
هر صبحدم چو(كيو) نمايد گذر هــَمي

گویند هرسو، بغ بغ بزغـــالـهء شـــبان
دارد بدشت ودره طنـیـن دگــرهَـمــي
گویند بازبلبل مهـجـور طــرف بــاغ
مــحــشر کنــد بـپاوو رُباید نظر هَمي
چون داغهاي لالــه بــسي داغ بــردلــم
زیــن مــاجــراي شوم و قبیح اثر هَمي
این روزگار تیره ومــحــروم ، چندمــاه
افگنده در سپند وجــودم شــررهَـمــي
تفسیر داستان همین خــاطرات تــلــخ
آتــش زنــد بــخرمــن دل بــیشــتر هــمي
مردانگي نه این که بــریــزنــد خــون خــلــق
مردآن بود که کرد بــدلــهــا مــقــرهَــمــي
خوش آنکه از تــلالوي پیکار خــویــشــتــن
گردد خلاف دشــنــهء ظــالــم سپــرهَــمــي
نازم بـــــــه بازوان تــوا نــاي آن کــه،او
آخــر شکستنیست طلسم ضــررهَــمـــي
خوش زیست آن که درهـمه ابعاد زنــدگــي
گــردد وجــود صــالــح او دفع شر هــَمــي
«شیدا» رموز ورسم مروت همـیـن بــجــاســت
بشــنــاخــتي اگــر تــو حــقــوق بشر هــَمــي

آزادي کشور را با شمشير مي توان حفظ نمود اما راه انکشاف، دانش وتخنيك است



خوانندگان محترم!

به سلسله گفت و شنود ها و مصاحبه ها با شخصيت هاي علمي و مسلکي اين بار خبرنگار مجله عمران مصاحبه اي ترتيب داده است با برادر دانشمند پوهاند ذبيح الله "حميدي" استاد در پرگرام انجنيري (IRC).

پوهاند ذبيح الله "حميدي" از استادان ورزيده وسابقه دار پوهنځي انجنيري کابل است که در رشته «ها يدرالکس »از پوهنتون (روړکي) هندوستان ماستري گرفته است. ضمناً موصوف از همکاران قلمي مجله عمران محسوب مي شود که تا هنوز دو مضمون شان درشماره دوم و شماره سوم وچهارم مجله عمران به چاپ رسيده است

ما از خداوند بزرگ جلت عظمته توفيق بيشتر استاد را در راه خدمت به ملت مسلمان افغانستان استدعا نموده سر افرازي و موفقيت مزيد شان را آرزومنديم.

"اداره"

سوال : لطفاً خود را به خوانند گان مجله عمران معرفي نمايد؟

جواب: زادگاه ام شهر غزني است، با تکميل تعليمات متوسطه در ليسه سنائي شامل تخنيك عالي گرديدم و بعد در سال ۱۳٤۲ از پوهنځي انجنيري پوهنتون کابل فارغ گرديده بحيث استاد در کدر پوهنځي استخدام گرديدم. درسال ۱۳٤۷ ماستري خود رادر رشته «هايدرالکس» از پوهنتون «روړکي »هندوستان گرفتم. در سال ۱۳٤۹ الي ۱۳٥۰ جهت يك پروگرام ريسرچ در پوهنتون «سنسنتي »عازم امريکا شدم ودر سال ۱۳٥۳ الي ۱۳٥٤ در پوهنتون «کارنل »امريکا بحيث استاد مصروف تدريس گرديدم.

نسبت مسدود شدن پوهنځي انجنيري توسط رژيم کمونيستي درسال ۱۳٥٦ به پوهنځي زمين شناسي تبديل گرديدم. در اواخر سال ۱۳٦٦ برادر و برادر زاده ام در محبس پلچرخي توسط رژيم دست نشانده اعدام گرديدند. در جوزاي ۱۳٦۸ کشور را ترك گفته به پشاور هجرت نمودم که تا اکنون بحيث استاد در پروگرام انجنيري"IRC" کار مينمايم.

سوال : شما منحيث استاد سابقه دار ومجرب فاکولته انجنيري کابل ، کدرعلمي آن پوهنځي را چگونه ارزيابي مي نمائيد؟

جواب: در موقع که من تصميم برآمدن ازکابل را داشتم دولت کمونيستي کابل جهت جلب کمکهاي بين المللي در صدد شد تا پوهنځي انجنيري را بار ديگر باز نمايد. اما نه استادان مجرب و نه تسهيلات گذشته موجود بود بلکه پوهنځي صرف بنام باز گرديد. از استادان سابقه که در کدر انجنيري باقي مانده است الي ثور ۱۳۷۱ ممکن ٤ نفر بوده باشد.

سوال : به نظر شما در آينده چگونه ميتوانيم فاکولته مذکور را فعال بسازيم؟

جواب: جهت فعال ساختن پوهنځي انجنيري نخست به کدر رسيده و مجرب ضرورت است وبعد به سامان آلات مورد ضرورت لابراتوار ها و تدريس که پول هنگفت را ايجاب مينمايد.

بنابرآن بايد اول منابع پولي را جستجو نمود وبعد قرار داد توأميت با پوهنتونهاي شناخته شده روي دست گرفته شود تا انکشاف تعليمات عالي و کدر پوهنځي رابدوش گرفته بتواند.

سوال : استادان قبلي پوهنځي انجنيري چند فيصد باقي مانده اند ويا اگر فاکولته راترك گفته اند به کدام ممالك پناه برده اند؟

جواب: بيش از صد نفر استادان مجرب

پوهنځي انجنيري به ممالك غربي پناه برده اند .

سوال : چگونه ميتوانيم استادان مجرب انجنيري را دوباره به درس جلب كنيم؟

جواب: با بر قراري امنيت، معاش قابل گزاره واحترام بدانش ميتوان استادان خوب رادر كدر پوهنځي جلب نمود.

سوال : از ناحيه فكري دركدر علمي اين پوهنځي چه تفاوت هائي رامشاهد كرده ايد وچگونه ميتوانيم آنها را توحيد كنيم ؟

جواب: در مجموع پوهنتون كابل در طول ١٤ سال دستخوش پلانهاي شوم دولت كمونيستي كابل قرار گرفته است كه در نتيجه عنعنات، كلتورو عادات ملي ومذهبي را تحت الشعاع قرار داده فضاي اكاديميكي گذشته را مكدر ساخته است . دستگاه هاي ارتباط سازمان جوانان ، اطاق دوستي و نماينده خدمات هريك به تهديد و فشار هاي گوناگون، كدر پاك وجوانان خوب كشور را يا تغيري فكري رادرآنها بوجود آورده اند ويا بزنداني ساختن و يا اعدام آنها اقدام كرده اند و يا مجبور به فرار ساخته اند. بنابرآن پوهنتون كابل به احياي مجدد فزيكي و معنوي ضرورت دارد.

سوال : در رابطه باتعليم وتربيه انجنيري (IRC) به خوانندگان معلومات دهيد.

جواب: جنگ تحميلي و ظالمانه ١٤ ساله افغانستان را ويران نموده وبيش از ٥ ميليون نفر را از وطن بيرون رانده است . دهات، شاهراه ها ، سيستمهاي آبياري و ساحات زراعتي در اكثر قسمت ها از بين رفته است . باز گشت مهاجرين به كشورو احيا وباز سازي اين خرابه ها فعاليت و سيعي راايجاب نموده به پرسونل تخنيكي زياد ضرورت ميداشته باشد. جهت پر نمودن خلاي پرسونل تخنيكي با ابتكار يك تعداد استادان پوهنځي انجنيري پوهنتون كابل كه در پشاور هجرت نموده بودند يك پروگرام انجنيري ساختماني را كه درآينده انكشاف نموده پوهنځي انجنيري سابقه را احيا نموده بتواند در چوكات كميته نجات بين المللي(IRC) طرح نمودند كه در نتيجه اين پروگرام درنوامبر سال ١٩٨٧ آغاز بكار نمود و تا اكنون ٢٤ نفر ازين رشته فارغ گرديده درمؤسسات مربوط به بازسازي افغانستان مصروف كار اند. اين پروگرام ٤ ساله بوده شهادت نامه ليسانس براي فارغان داده ميشود. در باز سازي وسيع كه در پيش رو داريم علاوه از انجنيران ورزيده به سوپر وايزر هاي تخنيكي كه خلاي فني رابين انجنيرو كارگر پركرده بتواند اشد ضرورت است . به اين اساس پروگرامهاي ٩ ماهه سوپروايزر و ١٨ ماهه معاون انجنير نيزدر پهلوي پروگرام اساسي انجنيري انكشاف نموده در فبروري سال ١٩٨٩ شروع بكار نمود كه تا اكنون ١٦٠ نفر ازين پروگرامها فارغ گرديده درشعبات احياي مجدد افغانستان مصروف كار اند. درمجموع اين پروگرامها اكنون بنام تعليمات ساختماني براي افغانستان ياد ميگردد كه فعلاً ١٥٣ نفر مصروف تحصيل اند و ١٢ نفر از استادان و فارغان سابقه پوهنحي انجنيري كابل بحيث استاد درين پروگرام تدريس مي نمايند.

علاوه بر آن كورسهاي كوتاه مدت مافوق ليسانس جهت تازه ساختن معلومات انجنيري افغان در رشته ساختماني در جريان است كه از طرف استادان مجرب پوهنتونهاي امريكا تدريس ميگردد و تا اكنون ٢١١ نفر ازين پروگرام تصديق گرفته اند.

همچنان اين پروگرام نسبت پرسونل ورزيده و لابراتوار هاي مجهز يك سلسله پروژه هاي تحقيقي را نيز تكميل نموده ودر مشوره تخنيكي با سازمانهاي باز سازي كشور همكاري مي نمايد.

سوال : براي بالا بردن سطح علمي محصلين انجنيري كه در استواي بين المللي قابل قبول باشد چه پيشنهاد داريد؟

جواب: بهتر است محصلين رابسطح منطقوي كه براي كشورخود مصدر خدمت گرديده بتوانند تربيه كرد.

سوال : با درنظرداشت تجربه هائي كه داريد چگونه ممكن است افغانستان به كاروان تمدن به پيش رود؟

جواب: آزادي كشور را با شمشير ميتوان حفظ نمود اما راه انكشاف دانش و تخنيك است . به دانش و دانشمند ارج بايد گذاشت و زمينه تحصيل وكار را براي جوانان و نو جوانان مهيا ساخت و استعداد را در راه معقول بكار بايد انداخت.

سوال : چه پيامي به انجنيران وعامه ملت درد ديده افغانستان داريد؟

جواب: رستاخيز جهاد افغانستان كه جهانرا تكان داده است اميداست سبب انقلاب علمي و معنوي دربين مردم اين كشور گردد. پيام من به انجنيران و ملت افغان اين است كه در اصلاح نارسائيها پرداخته كمبوديها را جبران نمائيم وويرانه ها راآباد سازيم و محيط صلح و صفا و دولت اسلامي و انساني رابرقرار ساخته راه دانش و تقوا را پيش گيريم و به جهان ثابت سازيم كه ما اهليت باز سازي كشور خود را نيز داريم.

گوشه از تاریخ و سیرت رجال بزرگ اسلام

ترجمه : انجنیرمیراحمد «راسخ»

حضرت حسین رضي الله عنه ویزید:

بعد از بقدرت رسیدن یزید بساط خلافت را شیده بر چیده شد ونظام هاي سلطنتي وشاهي در جامعه اسلامي سایه افگند. زمانیکه یزید پادشاه شد حضرت حسین"رض" نه تنها به اوبیعت نکردبلکه علم مبارزه راعلیه او بلند نمود. وقتیکه حضرت حسین "رض" از طرف لشکریان یزید در میدان کربلا محاصره شد حسین رضي الله عنه عمربن سعد قوماندان قواي یزید را نزد خود خواست و از اودعوت نمود تا معضله رابا تفاهم حل نمائیم و براي برقراري صلح سه شرط ذیل را پیشنهاد نمود:

۱- اجازه بدهید ازجائیکه آمده ام واپس به آنجا بروم (به حجاز برگردم).

۲- اجازه بدهید تا به سرحدات رفته و با کفار به جهاد بپردازم.

۳- یااینکه مرا به یزید برسانید تا با او داخل مذاکره شده معضله راحل نمائیم.

عمربن سعد از پشنهادات فوق راضي شد وازمسئله ابن زیاد والي کوفه را با خبر ساخت ولي بامداخله شمردي الجوشن به پیشنهادات حسین رضي الله عنه جواب منفي داده شد.

در صبحگاهان واقعه کربلا حسین رضي الله عنه بازهم بخاطر اتمام حجت به کوششهاي صلح جویانه خویش پرداخت وبجاي اسپ بالاي اشتر سوار شد (در آنوقت اسپ نشانه جنگ واشترنشانه صلح بود) وداخل میدان کربلا گردید و لشکریان یزید را مخاطب قرار داده فرمودند:

اي مردم! سخنان مرا بشنوید وعجله مکنید تاحقي که بالاي من دارید آنرا اداء نمایم وشما را نصیحت کنم. بعد از آن حسین رضي الله عنه خود رابمردم معرفي کردو سلسله نسب خود را مکمل بیان نمود و ارشادات پیامبر صلي الله علیه و سلم رابه مردم رسانید و اسنادي راکه مردم کوفه از او دعوت بعمل آورده بودند به رخ مردم کشید وبعداً سؤالات ذیل را ازمردم پرسیدکه برایم بگوئید چرا مراقتل میکنید؟ آیا مرتکب قتل شده ام که مرا قصاص میکنید؟

حسین رضي الله عنه بصراحت لهجه جواب داد که به خدا قسم که هرگزباین امر ذلت بار تن نخواهم داد که خود را به یزید تسلیم کنم و به بندگي اقرار نمایم! به خدا پناه میبرم ازینکه دامان پاکم داغدار گردد واز متکبري پناه بخواهم که ستمگر است. بعد از ختم این جملات حسین رضي الله عنه را شهید نمودند و جسد مبارکش زیر قدم هاي اسپهااینسووآنسو برده میشد . انالله و انا الیه راجعون.

ابراهیم وهشام:

ابراهیم بن عیله(رح) به زهد وتقوي ودیانت و امانت داري مشهور زمانه بود. روزي هشام بن عبدالملك اموي او رابه دربار خود خواست و وزرات مالیه کشور را به اوپیشنهاد نمود اما ابراهیم از قبول این عهده معذرت خواست و گفت من اهل این عهده نیستم. هشام در حالیکه خیلي عصباني بود ابراهیم را مخاطب قرار داده گفت: اینوظیفه را قبول کن درغیر آن جزاي سنگین برایت خواهم داد. ابراهیم سکوت کردتا قهر و غصه هشام فرو نشیند بعداً برایش گفت الله تبارك وتعالي در قرآنکریم میفرماید که (ما امانت خود را به آسمان و زمین پیش کردیم آنها قبول نکردند) ولي احکم الحاکمین ازآسمان و زمین آزرده خاطر نشد پس تو چرا ازمن آزرده میشوي؟! پس از شنیدن این سخن هشام سکوت کرد وجواب نداشت.

سالم وهشام:

یکبار هنگام مراسم حج هشام بن عبدالملك براي اداي فریضه حج به بیت الله رفت ودر آنجا چشمش به سالم (رح) (نواسه حضرت عمرفاروق) افتاد و خود را باو نزدیك کرد وگفت اي حضرت سالم مراوقت بدهید تا خدمتي برایتان کنم ویاحکمي کنید که با عملي نمودن آن سربلند گردم.

حضرت سالم (رح) در جوابش فرمود: در خانه الله بغیر از الله ازدیگري سوال کردن باعث شرمندگیست، وقتیکه هر دو از کعبه شریف خارج شدند بازهم هشام پیشنهاد خود را به سالم تکرار نمود ، سالم (رح) در جواب گفت : من از توجه بخواهم دین یا دنیا؟ هشام گفت دنیا . سالم (رح) جواب داد: دنیا را از مالك حقیقي اش هم نخواسته ام و از تو که مالك حقیقي آن هم نیستي چگونه بخواهم، باشنیدن

این جملات هشام لاجواب شد و رفت.

اعمش و هشام:

یکبار خلفیه اموي هشام بن عبدالملك به سليمان بن مهران اعمش (رح) نامه فرستاد وَاز او خواست که تمام معايب حضرت علي رضي الله عنه را جمع نموده برايم بفرست. در مرتبه اول اعمش به نامه هشام جواب نگفت وهشام مكرراً از او اين درخواسترامينمود بالاخره اعمش (رح) برايش نوشت :

اي هشام اگر خوبي هاي تمام دنيا دروجود حضرت عثمان جمع ميبود بتوهيچ فايده ئي ازآن نميرسيد وهرگاه بدي هاي تمام دنيا در وجود علي رضي الله عنه جمع ميبود هيچ بدي آن بتو نمي رسيد، پس تو خود كاري كن كه خداوند از تو راضي باشد تافائده اش بتو برسد.

یکبار خلفیه اموي هشام بن عبدالملك به سليمان بن مهران اعمش (رح) نامه فرستاد واز او خواست که تمام معايب حضرت علي رضي الله عنه را جمع نموده برايم بفرست. در مرتبه اول اعمش به نامه هشام جواب نگفت وهشام مكرراً از او اين درخواسترامينمود بالاخره اعمش (رح) برايش نوشت: اي هشام اگر خوبي هاي تمام دنيا دروجود حضرت عثمان جمع ميبود بتوهيچ فايده ئي ازآن نميرسيد وهرگاه بدي هاي تمام دنيا در وجود علي رضي الله عنه جمع ميبود هيچ بدي آن بتو نمي رسيد، پس تو خود كاري كن كه خداوند از تو راضي باشد تافائده اش بتو برسد.

ابو حازم وسليمان:

خليفه اموي سليمان بن عبدالملك ابو حازم(رح) عالم مشهوروقت را نزد خود خواست وبرايش گفت : چه علت است كه ما از مرگ ميترسيم ؟

ابو حازم درجواب گفت : علت اينست كه شما دنيا را آباد كرديد وآخرت را ويران سپس شما نميخواهيد كه از آبادي بطرف ويرانه برويد از اينرو از مرگ بيم داريد.

سليمان : شما راست گفتيد ولي حالا برايم بگو كه چگونه ميتوانم بطرف خدا متوجه شوم:

ابوحازم: مثال نيكو كار چنين استكه كسي از اهل خانه اش دور باشد وباز رجوع كند وكسيكه تمام عمرش به بدي گذشته باشد مثال غلامي را دارد كه از مالكش فرار نموده باز رجوع كند باشنيدن اين الفاظ اشك از چشمان سليمان سرازير شد وگفت اي كاش براي من هم نزد خداوند جاي ومقامي ميبود.

ابو حازم : اي خليفه تو خود رادر ترازوي كتاب الله وزن كن ودر خواهي يافت كه چقدر وزن وحيثيت داري.

سليمان : پس همين سخن دركدام آيت كلام الله واضح شده است ؟

ابوحازم: الله تبارك وتعالي ميفرمايد: به تحقيق نيكان در جنت اند وبدان در دوزخ.

سليمان : وليكن رحمت الله كجاست ؟

ابوحازم: قريب من المحسنين

سليمان : اي ابوحازم برايم دعاكن.

ابوحازم : اي پروردگارا! اگرسليمان بن عبدالملك دوست تو باشد او را به نيكي توفيق بده واگر دشمن توباشد رويش را بطرف خوبي بگردان، ابوحازم اين بگفت وازجابر خاست و تمام تحائفيكه خليفه برايش اعطا نموده بود بگذاشت وگفت: تا زمانيكه علماء علم خود را از امراء نگهدارند امراء از آنها در هرساند.

ابو وايل و حجاج:

در كوفه حضرت ابو وايل بن سلمه (رح) يك شخصيت مجاهد بودكه درعهد اموي، صاحب عزت و وقارخاصي بود. يكبار حجاج بن يوسف به كوفه آمد واز نام ونشان ابو وايل خبر شد واو رانزد خود خواست وبرايش گفت نام شما چيست؟

ابو وايل: برايتان شايد معلوم باشد وگرنه چگونه مرا خواستيد؟!

حجاج : درين شهر چه وقت آمده ايد؟

ابووايل : وقتيكه تمام اهالي آن آمدند.

حجاج: چقدر قرآن حفظ داري؟

ابو وايل: به آن اندازه كه اگر بآن عمل كنم برايم كافيست.

حجاج: من شما را براي اين خواسته ام كه منصبي برايتان اعطاء نمايم.

ابو وايل : چه منصب؟

حجاج : به حبس كشاندن مردم (بندي كردن).

ابو وايل : اين عهد ه را براي كسي اعطاء كنيد كه بوجه احسن انجامش دهد ،من هيچ نياز ندارم.

حجاج: نه توحتماً اين عهده را قبول كن.

ابووايل: اگر معذرت مراقبول كنيد

خوب خواهد شد اگر زیاد اصرار میکنید قبول خواهم کرد ولي احوال قلب خود رابرایت میگویم.
ابو وایل: حالت من چنین است : حالا که من مأمور تو نیستم ولي شب وقتیکه تو بیادم بیائي خوابم نمي آید ولي زمانیکه مامور تو شوم حالم چه خواهد شد.

سعید بن جبر(رح) و حجاج بن یوسف:
محدث معروف به سعید بن جبیر در حق گوئي سرآمد روز گار خود بود. والي مکه خالدبن عبدالله قشري حضرت سعید را به بندکشید وقبل از ینکه حضرت سعید را از بندرها کند او را نزد حجاج به کوفه فرستادبعد از بحث طویل میان سعید و حجا ج، حجاج برایش گفت:
در باره من چه نظر دارید؟
سعید : توخود را خیلي خوب میشناسي.
حجاج : بازهم
سعید: آنقدر میدانم که نافرماني از قرآن ، قانون زندگي تو گردیده و بحکم هوا وهوس کارهاي را انجام میدهي که وسیله براي حفظ شأن وشوکت تو شود واین کار سبب هلاکت توخواهد شد .
حجاج : افسوس بحالت اي سعید.
سعید: اگر تو این انبار طلا و جواهرات رابراي این مقصد جمع نموده اي که فدیه بدهي وازعذاب روز قیامت در امان باشي بسیار خوب وگرنه آنروز با اندازه سخت و دشوار است که طفل شیر خوارهم فراموش مادرش میگردد. آنچه براي دنیا جمع شده باشد دانش از خیر مالیست مگر اینکه حلال و پاك باشد .
حجاج: اي سعید تو گاهي هم لذت وسایل تفریح را دیده اي وآنگاه امر نمود تا رُباب وسُرنا حاضر کنند.
سعید: نه ! این نغمه غم است ، دمیدن در سرنا روزي را بیاد انسان میآورد که درآن سور قیامت دمیده میشود و چوب رباب هم ممکن از درختي به ناحق قطع شده باشد وتارهاي آن روده هاي بزي است که باآن یکجا حشر میشوي.
حجاج: (درحالت قهر وغضب) ترا طوري بقتل میرسانم که تا به حال کسي را نکشته ام ودر آینده هم کسي را نخواهم .
سعید : توشاید دنیاي مرا خراب کني ولي من آخرت ترا برباد میکنم.
حجاج: اي سعید براي خود هرقسم مرگ که میخواهي انتخاب کن.
سعید گفت اي حجاج! هر مرگي را که درروز قیامت براي خود میخواهي براي من هم انتخاب کن.
حجاج: آیا نمیخواهي که ترا عفو کنم!
سعید : اگر مراعفو کني ازجانب خداوند خواهدبود ولي تو نه بري الزمه هستي ونه عذرتوقبول خواهد شد.
حجاج حکم کرد تا حضرت سعید رابقتل برسانند و سعید (رح) وقتیکه این سخن را شنیدخندید
حجاج پرسید : چرا خندیدي؟
سعید چشم سفیدي ترا درپیشگاه خداوند وحلم خداوند رادرقسمت تو که دیدم تعجب کردم. قبل ازشهید شدن کلمه شهادت را برزبان زمزمه کرده فرمود: اي حجاج در روزي قیامت باهم ملاقات خواهیم کرد ودست دعا برداشت وگفت : خداوندا! بعد از قتل من او را قدرت به قتل دیگري نصیب نکني .
واقعاً که حجاج بعداز قتل حضرت سعید مریض شد ومرگ به سر وقتش رسید.

روسیه به طرفدران خود در افغانستان پول غیر قانوني افغاني طبع مي نماید

روزنامه جنگ چاپ راولپندي درشماره ۱۰ اکتوبر ۱۹۹۲ خود از قول آژانس خبر رساني "انا" مینگارد که حزب اسلامي افغانستان از اداره ملل متحد خواسته است که روسیه را تحت فشار قرار دهد تا از طبع پول غیر قانوني افغاني خود داري نماید.
این مطلب طي نامه هاي جدا گانه عنواني سرمنشي ملل متحد و سفیر روسیه در اسلام آباد ارسال شده است. در نامه آمده است که روسیه هر چه زودتردست ازین عمل بردارد زیرا تکرار آن باعث به میان آمدن نا بساماني هاي عمیق در اقتصاد افغانستان میگردد. آژانس علاوه کرده است که روسیه براي طرفداران خویش در افغانستان و متحدین آنان پول غیر قانوني افغاني رادر چاپخانه هاي خود تهیه وارسال مي نماید.

بازسازي بزرگترين نبرد است زيرا اگر به نقشه هاي توسعه طلباني امپرياليست گرايش پيدا كنيم درآنصورت ما جهاد خود را به غرب تسليم مي كنيم

بتاريخ ۲۰ الي ۲۱ ماه جون ۱۹۹۲ ميلادي اتحاديه مهندسان كشورهاي اسلامي جهت ارسال كمك عاجل به مسلمانان بوسنياهرزگوينا وهمچنان بخاطر ارزيابي پرابلم ها ومشكلات كه مسلمانان جهان با آن مواجه اند جلسه اضطراري ترتيب داده بود كه درآن نمايندگان انجنيران مسلمان ممالك عضو اتحاديه اشتراك نموده بودند .

در جلسه مذبور به نمايندگي ازانجمن انجنيران و مهندسان افغانستان كه عضو رسمي شوراي اجرائيه اتحاديه مهندسان كشور هاي اسلامي نيز هست، برادر محترم انجنير غلام حضرت"متواضع" شركت نموده بود .

برادر "متواضع" درجريان ديدارش ازمصر ضمن ملاقات با شخصيت هاي برازنده علمي و مسلكي ، با برادر محترم مهندس ليث " شبيلات" نماينده انجنيران و مهندسان كشور اردن كه درعين حال عضو شوراي اجرائيه اتحاديه منظمات مهندسان كشورهاي اسلامي است مطالب ارزنده ئي رادر ميان گذاشته نظر او را در زمينه جويا شده است كه اينك خدمت خوانندگان مجله عمران تقديم مي گردد.

"اداره"

قبل از همه از جناب شما تشكر وقدر داني مي كنم كه حاضر شديد به سوالات ما جواب دهيد.

سوال: لطفاً خود را معرفي نمائيد؟

جواب: اسم من ليث شبيلات ، ليسانس انجينيري سيول از پوهنتون امريكائي دربيروت فارغ سال ۱۹٦٤. ماستر ساختمان پوهنتون جورج واشنگتن سال ۱۹٦۸، رئيس اسبق انجمن انجنيران اردن از سال ۱۹۸۲ الي ۱۹۹۰عضو پارلمان اردن از سال ۱۹۸٤ الي سال ۱۹۸۹.

سوال: وضع مسلمين را در كشور اردن چگونه ارزيابي مينمائيد؟

جواب: امروز تحريك اسلامي در سراسر جهان به سرعت به پيش مي رود. جنبش اسلامي به هر جاي دنيا در حال تحرك است . انتخابات گذشته (سال ۱۹۸۹) در اردن نشان داد كه مردم عميقاً به اسلام گرايش دارند. با وجود تجربه داري ما در پارلمان عقب ماندگي هائي داشتيم. شركت اخوان المسلمين در حكومت سال گذشته ، به عقيده من قبلاً وبه عقيده ما امروز موجب عقب ماندگي ما گرديد.نداشتن بر نامه واضح ويا عدم موجوديت برنامه ويالا نمودن شعارها باعث ناكامي گرديده مردم را دلسرد ميسازد. بزرگترين مانع به نظر من ناكامي ما در حركت به راه حقيقي زندگي تفكر وحل معضلات ما (مسلمانان) براي تعقيب نظريات اسلامي ،، پس تحليل و ارزيابي نشان ميدهد كه ما گروهائي را تشكيل مي دهيم كه از اسلام بر داشت صحيح داريم، اما در عمل مشابه مردم بي دين زندگي مي كنيم. پيروزي زماني نصيب ما مسلمانان مي گردد كه ما نمو زنده تعليمات زندگي ساز اسلام را كه در نقطه مقابل زندگي امپريالستي اي كه غرب بالاي ما تحميل نموده است قرار بگيريم. ما مردم را به اسلام دعوت مي كنيم ، با كمونيزم مقابله مي كنيم اما در دامن سرمايه داري سقوط مي كنيم.

ديده مي شود كه تجارت بي قيد وشرط وعوايد بي حصر بين المللي راه زندگي راتعين مي نمايد.

سوال: نظرتان در رابطه با مجاهدين افغانستان از چه قرار است ؟

جواب: جهاد افغانستان براي مسلمانان نمونه است وما به نسبت پيروزي آن از خداوند سپاسگذارزيم مگر پيروزي واقعي رهائي است از گرايش در "نظام نوين جهاني" از قبيل تجارت آزاد لبراليزم سرمايه داري .

سوال: درباره نحوه شهر سازي در كشورهاي اسلامي مخصوصاً باز سازي افغانستان چه نظر داريد؟

بازسازي بزرگترين نبرد است زيرا اگر به نقشه هاي توسعه طلباني امپرياليست

گرایش پیدا کنیم درآنصورت ما جهاد خود را به غرب تسلیم مي کنیم. همچنان در طرح هاي شهرسازي ما باید کاملاً نمونه هاي غربي که علت از هم پاشیدن جوامع و رشد حالت انفرادي لبرالي میشود تعقیب نگردد. بازسازي در جهاد افغانستان یك امتحان است. اگر طرح ها و نمونه هاي تمدن اسلامي را ارزیابي وتوأم با دیگران برادران مسلمان شان بمنظور رشد و انکشاف کشور به مرحله اجرا نگذارند بعداً خداي نخواسته آنها باعث عقب گرائي وپس ماني جهاد خواهد بود.

سوال: نظر تان در رابطه با فعالیتهاي اسلامي زنان چگونه است؟

جواب: تا آنجائیکه به زنان مسلمان تعلق میگیرد من به ایشان خطاب میکنم تا رول رهبري را در دفاع از اسلام در برابر تجاوززنان لبرال به عهده گیرند. این یك شکست است براي جنبش اسلامي اگر مردان در عوض رویا رویي با لبرالیزم زنان نقش رهبري را به عهده بگیرند.

زنان مسلمان بطور مساوي مسئول اند در دفاع از اسلام. این دین (اسلام) هم از ماست و هم ازآنها. آنها باید موقف زنان مسلمان ودرك آنها را از زندگي و جهان وپیغام بشر در مقابل حملات غیر روحاني رهبري وتوجیه نمایند.

سوال: چه پیامي به انجنیران افغانستان دارید؟

جواب: پیام من به انجنیران افغان اینست که مؤاظب طرحهاي توسعه جویانه غرب باشند، اگر آنها مواظب نباشند و نو آوري طرحهاي اسلامي جهت پیشرفت و توسعه بابرادران مسلمان خود در جهان نداشته باشند بعداً خدا ناخواسته آنها باعث عقبگرائي و پس ماني جهاد خواهد بود.



نمـــاني ازشوراي اتـحادیه مـهندسـان کـشورهـاي اسـلامـي

بازسازي معنوي ومسئوليت انسان مؤمن

عبدالحفيظ حامد عزيزي

تزكيه نفس:

آنچه را كه انسان درهر حال بدان نيازمنداست پيشيگري از آلودگي و گناه ميباشد واين امر مهم نياز به تمرين يك سلسله مسائل دارد تا انسان آنچنان باخوبي ها انس بگيرد كه ديگر از گناه تنفر داشته باشد وحتي تصور انجام گناه او را بيازارد. درين باره فرازهاي از معارف اخلاقي عملي اسلام كه زمينه ساز بسياري از فضائل معنوي است ميتواند ما رایاري دهد به اين ترتيب كه هرروز يك يا چند مورد از موارد زير را با توكل به خداوند تبارك وتعالي مورد توجه و عمل قرار داده و به قول معروف روي آن تمرين كار كنيم.

١- تا موقعي كه لزوم پيدا نه كرده حرف نزنيم زيراريشه بسياري از لغزشها وخطاها و حتي گناهان كبيره بي جا وبي موقع وناسنجيده حرف زدن است و به گفته بعضي از علماء اخلاق نزديك به چهل گناه از زبان آدمي سرميزند.

٢- اگر ايرادي در ديگري مي بينيم درخود نگاه كنيم آيا آن ايراد راداريم ويانه؟ چنانچه حضرت علي (رض) كرم الله وجهه مي فرمايد" براي ادت كردن نفست كافيست كه از انجام دادن آنچه براي ديگران زشت و ناپسند مي داني اجتناب نمايي.

٣- هرخوبي را كه براي خود مي خواهيم براي ديگري نيز بخواهيم.

٤- هيچگاه ديگران را مسخره نه كنيم و با كنايه و پوزخند حرف نزنيم.

٥- ازشوخي جداً پرهيز كنيم كه انسان راحقير ميسازد.

٦- ازخنده بيجا و بخصوص بلند خنديدن جداً پرهيزنمائيم.

٧- از عصبانيت خود داري كنيم.

٨- همواره باگشاده رويي باديگران برخورد كنيم.

٩- هميش باوضوء باشيم حتي درهنگام خوابيدن باوضو بوده با خواندن دعا بخوابيم.

١٠- تامي توانيم قرآن ونمازهاي نفل بخوانيم ونمازهاي فرض وواجب را دراول وقت وحتي المقدور با جماعت اداء نمائيم.

> سعي نمائيم هرعملي را كه انجام ميدهيم هرچند ناچيز واندك باشد ويا هرسخني را كه ميگوييم نيت ما "رضاي الله " باشد تا از ثواب الهي نيز بهره مند گرديم.

١١- از هر فرصتي استفاده نموده ويا گفتني اذكارهاي مثل "سبحان الله" "الحمد الله" " الله اكبر" ياد خداوند"ج" رادر دل و زبان بنمائيم ونيز درودزياد بگوئيم.

١٢- ازدروغ گفتن جداً پرهيز نمائيم.

١٣- هيچگاه به ديگري بخل و حسد نورزيم كه مريضي بزرگي است و انسان را به نابودي و هلاكت مي كشاند.

١٤- از غيبت كردن وتهمت زدن به شدت بپرهيزيم.

١٥- تامي توانيم قسم نخوريم.

١٦- سعي نمائيم هرعملي را كه انجام ميدهيم هرچند ناچيز واندك باشد ويا هرسخني را كه ميگوييم نيت ما "رضاي الله " باشد تا از ثواب الهي نيز بهره مند گرديم.

البته بايد توجه داشت كه اين مطالب آن قدر بديهي و روشن است كه تماماً آنراميدانيم ولي مهم ترين آنست كه اين صفات جزء وجود انسان گردند ونيز حسابرسي ازاينكه تا چه اندازه توانسته ايم عامل به آنها باشيم . با رجوع به كُتب معتبر اخلاقي مي يابيم كه انسان در تمامي حالات و مراحل زندگيش بايد برنامه براي حفاظت و حسابرسي اعمالش داشته باشد كه در مجموع آنها را " رابطه " گويند كه مركب از چهار دستور است كه به اقتباس از كتاب گرانمايه "لقاء الله" و " معراج السعادة" به شرح آن مي پردازيم.

١- مشارطه : مشارطه عبارت از آنست كه انسان هر روز كه اول صبح از بستر خواب بر مي خيزد پس از اداي فريضه نماز وظايف ذكرساعتي به فراغت قلب بنيشند ويا نفس خود به مشارطه

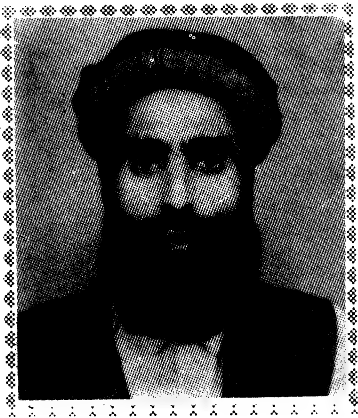
بپردازد و به او بگوید که من سرمایه بجزعمر ندارم واگر این سرمایه از دست من برود به شکست مواجه مي شوم وهرگز امید سودي نخواهم داشت پس امروز را که خداي تعالي به من مهلت داد و مرگم را با تأخیر انداخت واین نعمت را برمن ارزاني فرمود بنابر آن روز را ضایع مکن هر نفسي را میکشي جوهرگرانبهاي است که قیمتي براي آن نمیتوان تعین کرد... وپس از آنکه اینگونه سفارش ها به نفس خود کردي متوجه اعضاي هفت گانه خود گردي یعني چشم وگوش وزبان و شکم ودامن ودست وپا سفارش کني که خود را ازغیبت و دروغ وتهمت ومذمت دیگران وسخن چیني و فحش مصئون نگه دارد و نیز همینطور به بقیه اعضأ سفارش نماید.

۲- مراقبه : مراقبه عبارت از آنست که انسان درتمامي شبانه روز متوجه نفس خود باشد ودرهر کاریکه میخواهد انجام دهد مراقب احوال آن باشد زیرا اگر نفس را به خود بگذاري همه آن سفارش هاي گذشته را فراموش مي کند وعهد و پیمانها را مي شکند پس لحظه اي نباید آنرا به خود و اگذارد.

درهر حالي از احوال ازحرکت و سکون به جانب خداوند توجه داشته باشد واو را مراقب خود داند وبداند که خداوند(ج) برضمیر همه کس آگاه وبه جمیع اعمال و افعال شان بینا است و اسرار دل هرکس نزد او مکشوف و ظاهر است . خداوند تعالي مي فرماید " آیا انسان عالم نیست به اینکه خداوند همه چیز را مي بیند".

۳- محاسبه : کیفیت محاسبه نفس آنست که انسان وقتي را که آخر هرروز معین کرده بنشیند ونفس خود رامقابل خود مجسم نماید وابتدا محاسبه واجبات را از آن بجوید پس اگر همه آنها را درست بجا آورده باشد او را ترغیب بر مثل آن نماید واگر چیزي از آنها را ترك نموده باشد از او قضاي آنرا مطالبه کند وبه وعده او فریب نخورد که بسیار بد حساب است وباید دفعتاً او را بر انجام قضاي واجباتش وادار نماید واگر نقصاني در اداب وشرایط آنها باشد تدارك آنها را نفل و امثال آن بنماید وبعداز آن حساب معاصي آنرابکند واگر معصیتي مرتکب نشده باشد شکر خدا را بنماید واگر مرتکب شده باشد درمقام نکوهش وعتاب نفس برآید وهمچنان که درحساب دنیا دقت مینماید وحتي یك روپیه از آن جستجورا مي کند تا مغبون نگردد در محاسبه نفس نیزباید دقت بیشتر نماید و برآن سخت بگیرد واز حیله ومکر آن احتیاط نماید زیرا که نفس بسیار مکار است وخدعه میکند وانسان را مشتبه میسازد. باید انسان خود ش خوب به حساب آن برسد پیش ازآنکه در صحراي قیامت دیگري بحساب او برسد وباید هیچ چیز را مهمل نگذارد وحساب جمیع آنچه گفته وکرده ودیده وشنیده ازنگاه کردن ونشستن و برخاستن و خوردن وخوابیدن وآشامیدن حتي ازسکوت آن سوال کند که چرا ساکت شد پس اگر از عهده جواب همه آنها برآمد بر شکلي که از حق تجاوز نکرده باشد و چیزي از واجبات را ترك ننموده باشد ومرتکب معیصتي نه شده باشد از حساب آنروز فارغ است وهیچ چیز باقي ندارد واگر در چیزي کوتاهي کرده واز جواب صحیح آن عاجز ماند آنرادر دل خود ثبت میکند وهمچنان که تا جري باقیمانده حساب شریکش رادردفتر حساب خود ثبت میکند وبعد از ثبت آن درمقام مطالعه به غرامت آن برمي آید.

٤- معاتبه : عبارت از آنست که بعد از آنکه انسان در آخرروز حساب نفس خود را رسید وآنرا خیانتکار و مقصر یافت سزا وار نسیت که مسامحه کند وآنرا مهمل بگذارد چه این باعث جرئت نفس مي شود ومعتاد به خیانت و تقصیر مي گردد ودیگر باز داشتن آن ازانجام گناه مشکل میگردد پس باید ابتدا در مقام عتاب برآید وبگوید افسوس بر قواي نفس اماره ، آخر اي دشمن، خود و مراهلاك ساختي و به ورطه شقاوت انداختي؟! عنقریب است که در در کات جهنم با شیطان رجیم معذب به عذاب الیم خواهي بود. اي نفس اماره خبیثه ! بي شرمي تاکي ؟ وبي حیایي تا چند؟ جهل وغفلت تاکجا؟ حمق و حمقات تا چي حد؟ پیش روي تو جنت ودوزخ آماده است وناچار دریکي از آن دو منزل قرار خواهي گرفت ونمي داني کدام خواهد بود؟ نمي بیني که ناگاه مرگ بي خبري رسد وتابه خود آيي فرصت از دست رفته است . واي برتواي نفس خبیث!



نویسنده مضمون

ادامه دارد

*****

*****

نیرنگهای صلیبی ها و پیروزیهای مسلمانان به رهبری صلاح الدین "ایوبی"

ترجمه از : قاضي عبدالحفيظ

از زمان آزادي فلسطين ازچنگال صليبي ها تا كنون بيشتر از هشت قرن مي گذرد وآنهم بعد از اينكه در حدود يك ربع قرن بخاطر بيرون كردن صليبي ها جنگهاي مستمري را صلاح الدين «ايوبي »دنبال كرد وبه تسلط ايشان بر فلسطين خاتمه داد. حتي اينكه معركه حطين در سال «٥٨٣ هـ / ١١٨٧ م »آغازي بود براي خاتمه بخشيدن موجوديت صليبيها در شرق... وهرگز علل جنگهاي صليبي براي تسلط بيت المقدس واطراف آن جز علل عقيدوي خالص چيزي ديگري نبود (كه بعداً توضيح داده ميشود).

صلاح الدين «ايوبي» به نصرت خداوند«ج» وبعد به قوت ايمان، عقيده و فهم و التزام به آن توانست تا تجاوز گران رابدون كدام عقب نشيني براند. زيرا اين جنگ يك جنگ عقيدوي بود نه جنگ حربي و غنيمتي. موجوديت فعلي يهود در سرزمين فلسطين عبارت از آن عارضه است كه درضماير خود عقيده راسخ به اين دارند كه اراضي را كه فعلاً غصب كرده اند ملكيت شان بوده و ميراث آبائي شان ميباشد وهرگز ازيك وجب آن هم فرو گذاشت نمي كنند واين مسئله يك عقيده ديني خاص آنها است، چنانچه صليبيون قبلاً همين عقيده را داشتند.

آنچه را كه يهود در سرزمين فلسطين انجام ميدهد بدتر و سخت تراز عملكرد اسلاف صليبي شان مي باشد و اين چرخش تاريخ است!

ولي حالا براي فلسطين كيست؟!!

زمانيكه مسلمين در سرزمين دولت رومانياي شرقي در اواخر قرن پنجم هجري توسعه يافتند وقسطنطنيه را تهديد كردند (الكسيوس) امپراتور آن كشور براي كمك گرفتن ازمسيحيان غرب بدانسو شتافت تا بر عليه دشمنان مسلمان خود از آنها استعانت جويد ، زيرا آن همه غارت گري هاي را كه قبلاً دربرابر مسلمين انجام داده بودند در خاطر شان زنده بود و اكنون آنرادر پيش چشمان خود مشاهده مي كردند و تصورمي كردند كه ديگر اين جنگ براي تمام كردن و نابود كردن مسيحيان از دست مسلمانان خواهد بود.

اين مشيت خداوند"ج" است

دريكي از روزهاي زمستان سال «١٠٩٥» پاپ ايستاده شده مي گويد: (اين تركها و اعراب تعداد زيادي از مسيحين را اسير كرده وكليساها راويران كرده اند ... براي دفاع از مسيح آماده شويد و نبايد عيش و خوشگذارني مانع تان گردد! هوشداريد كه زنان ، اولاد واموال شما مانع جنگ تان درراه خدا نگردد).

يك تن از جواناني كه دركنار پاپ ايستاده است با شعارهاي انگيزنده واحساساتي فرياد مي كند كه (به پيش رويد سوي بيت المقدس و بر آريد اين زمين پاكيزه را از چنگ اين جنس نجس! اين سرزمين راتصاحب نمائيد زيرا اين سرزمين روغن وعسل مي روياند).

جنايات صليبي ها:

هنوز سال «١٠٩٨» به پايان نرسيده بود كه صليبيون در برابر مسلمانها قد علم نموده و شهر هاي «الر ها » «انطاكيه» رابا چندين قلعه مستحكم ديگري تسخير كردند ودر ١٥ جولاي ١٠٩٩ اورشليم «قدس» را غصب نموده ودر سر و كله شان جنون پيروزي سرايت كرد و تب خوشحالي وذوق شان بالا گرفته وبه جنون شان افزود .

در خانه هاي مردم داخل شده با شمشير اجساد زنان راپاره كرده و اطفال را شهيد مي نمودند و با چنان قساوت عمل مي كردند كه گوئي

مصروف خوردن مرغ هستند. از کور ساختن دخترکان خوردسال لذت مي بردند، در همهء کوچه ها ، بازارها ومساجد مردمان بي دست وپا افتاده وجوي هاي خون جاري شده بود و آناني را که توان هيچ نوع مقاومت نداشتند دريك نقطه جمع کرده وبه بدترين صورت بقتل مي رساندند . مردان کهن سال رادر حاليکه سر هاي پسران ودختران جوان شانرا در مقابل چشمان شان از تن جدا ميکردند و برروي فرش مسجد مي لولانيدند بهم يکجا کرده در حاليکه اين بيچار گان در زير لب « لا اله الا الله» را زمزمه مي کردند به شهادت مي رساندند.

اين جانيان مغرور تصور ميکردند که اين مشيت خداوند است .

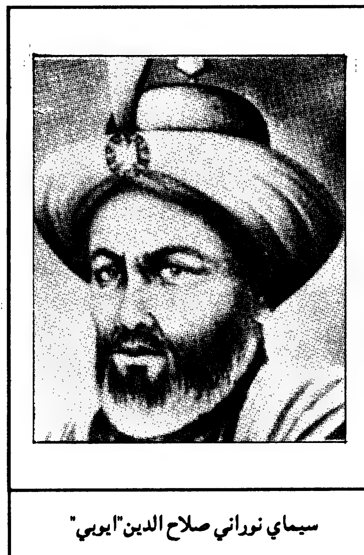
پيام تبريکيه عنواني پاپ الذهبي نوشته وگفتند : اگر ميخواهي بداني که بالاي دشمنان ما چي گذشته ، مطمئن باش که در معبد سليمان اسپ هاي ما تابزانو در خون شرقي ها شنا مي کردندولي اين پيام به (ايربان) نرسيد زيرا وي دو هفته بعد از اشغال قدس قبل از اينکه خبر پيروزي برايش برسد مرد، اين چنين است مشيت خداوند .

صلاح الدين "ايوبي" :

اراده خداوند "ج" به آن شده بود تا بعد از چنين حوادث ناگوار صلاح الدين رابراي امت برگزينند که مؤرخين ازوي چنين ياد ميکنند او داراي عقيده نيك ، کثير الذکر براي خداوند«ج» همنشين با بزرگان علم وپابند به نماز جماعت بود. روزي ازروزها اظهار کرد که سالهاست که نماز را بدون جماعت نخوانده ام به سنن رواتب پابندي تام داشت ، هرگاه شب بيدار مي شد دو رکعت نماز ادا ميکرد و الاآنرا قبل از نماز صبح ادا ميکرد.

جوان نيرومند و مجاهد راه خدا بود از بابت انفاق في سبيل الله قرضدار گرديده بوده در زمان جنگ با صليبي ها مدت ۳ سال از مال خود براي مردم خرج کرد . دراين مدت تنها دوازده هزار رأس اسپ عربي راعلاوه از سائر اموال به مجاهدين اعطا کرده بود ، هنگام مردن هيچ نوع ملکيت ازقبيل خانه ، زمين ، باغ، قريه و مزرعه از خودبجا نگذا شته بود.

مردي با اين صفات توانست توسط کشتي عبور وپا مسلمانان به ساحل پيروزي و کامراني قدم بگذارد.



سيماي نوراني صلاح الدين"ايوبي"

آنچه تذکر يافت موضوعاتي اند که دريك مدت زمان نزديك واقع شده واين شخصيت جهاد پيشه عملاً و شخصاً در آن حاضر و سر انجام نصر مبين را که بخاطر آن قيام کرده بود نصيب شده صليبيها رابدون قهقرا و رجعت راند.

در سال ۵۷۳ هـ/ ۱۱۷۷ م به قيادت فيليپ الازاس براي کمك صيلبي ها در منطقه شام حمله صورت گرفت تا باشدازصلاح الدين انتقام مصر را گرفته باشد ، زيرا فيليب توأم بخاطر مقابله با صلاح الدين "ايوبي "، پادشاه شام «ملك صالح » راتقويت و معاونت مي کرد ، وقتي امپراتور «البيزنطي» ازاين درگيريها خبرميشود بلدوين چهارم رابکمك پادشاه قدس اعزام و از وي طالب حلف وفاداري واستقامت دريك حمله مشترکه براي جنگ بخاطر استرداد مصر ميگردد و درعين زمان يك فوج بزرگ کمکي راکه شامل هفتاد کشتي بزرگ جنگي مي باشد مجهز نموده بطرف (عکا) سوق مينمايد.

با مطالعه شرايط قرار گرفتن امپراطور «بيزنطي» درآن (بلدوين) چهارم بعلت مريضي خود از شرکت در جنگ معذرت خواست واين پروگرام ازهم پاشيد.

نيت جهاد:

همينکه صلاح الدين "ايوبي" ازبرهم شدن محاوله عهد و پيمان «بيزنطي» متيقن گرديد براي جنگ با صليبي ها آمادگي گرفته ودر روز جمعه ۲ ربيع الاول سال «۵۷۳ هـ» به نيت جهاد ازقاهره بيرون شد و بتاريخ ۳ جمادي الآخر« ۵۷۳هـ/ ۲۵ -۱۱-۱۱۷۷م» جنگ آغاز يافت مگر درين جنگ شکست خورده و صلاح الدين با لشکر شکست خورده بسوي قاهره مراجعت کرد تا به تهيه يك لشکر نيرومند و منظم بپردازد ، بعد از ۳ ماه لشکري آماده کرده وازمصر خارج شد وبه طرفيکه صليبي ها جهت تعرض وحمله جابجا گرديده بودند حرکت کرد. دراين وقت صلاح الدين سوگند ياد کرد تازمانيکه (افرانج) را شکست ندهد برايش نوبت نخواهد گرفت صلاح الدين بر نيروهاي صليبي حمله نموده و قلعه «بيت الاحزان» را بعداز «مرج العيون» فتح

کرد. دراثر فتح بیت الاحزان وویران شدن آن نیروي مقاومت صلیبي ها شکسته وازهم پاشیدند و چاره جز این نداشتند که هرکس بسوي محله وقریه خود فرار کند. صلاح الدین "ایوبي"به حملات خود ادامه داده طبریه، صور و بیروت راتصرف کرد. درهمین سال سیطره او بالاي «عکا» نیز تحکیم یافت . پادشاه بیت المقدس «بلدوین چهارم » خواستار توقف جنگ گردیده ودر ذي حجة «٥٧٥» مطابق ماه مي (١١٨٠م) به این بیشنهاد موافقت صورت گرفت.

صلاح الدین "ایوبي" براي کشور فلسطین به عنوان یك چهره مهربان در آمد ه واز خود کدام ردالعمل انتقامي نشان نداد. صلاح الدین بعد از فتح فلسطین فرصت یافت که بسوي شام بالاي صلیبیون حمله نموده ودراثر حمله ایکه بالاي زمامدار مصر (طرطوس) صورت گرفت تلفات و خسارات بزرگي رابرایشان وارد کرد.

(ایموندسوم) امیر طرابلس با ضمانت عدم تجاوز بر کشورش پیشنهاد توقف جنگ را نموده و خواستار معامله با (بلدوین) شده بود .

صلاح الدین مجاهد را بعداز این جنگ نظر بر آن شد تا به حملاتش بر ضد صلیبي ها مؤقتاً توقف داده وبراي جنگ آینده طرح ریزي نموده جهت توحید یك قواي اسلامي در شمال عراق کار کند. این قوامي توانست یك پشتوانه خیلي نیرومندي در برابر قواي متحد مسیحیان با شد زیرا صلیبي ها براي درهم کوبیدن قوتهاي اسلامي پي هم درتلاش بودند هنوز چند روزي نگذشته بود که به صلاح الدین خبر خیانت پادشاه ارمن (ابن لاون) رسید که با بعضي از مسلمانها



عذر نموده زنان شانرا محبوس ،مردان را اسیر و اموالشان را بغارت برده است.

صلاح الدین بسوي « ارمن » رفته قریه جات وقصبات آنرا محاصره و«ابن لاون» رادستگیر کرد وبعد ازرهائي مسلمانها واسترداد اموالشان فاتح و پیروزمند بر گشت.

صلاح الدین بخاطر وحدت هرچي بیشترمسلمین در«١٢» اکتوبر «١١٨٠م» یك کنفرانس بزرگ جهاني را تشکیل داده ودر آن امراء موصل ، الجزیره، اربیل ،کیفا ،ماردین، سلطان قدینه وپادشاه امینیا را خواسته و پیماني را عقد نموده همه سوگند یاد کردند که تادو سال دیگر بر علیه یك دیگر جنگي رابراه نیندازند.

صلاح الدین در اوائل سال (١١٨١م) دوباره بمصر باز گشت ولي هنوز یکسال و نیمي گذشته بود که «افرنجي ها» عهد و پیمان را نقض نموده وبه عهد خویش خیانت کردند. صلاح الدین در ١١ مي «١١٨٢» براي سفر شام آماده گردید وبعد از جنگها و حملات زیاد و یك محاصره کوتاه «حلب» را تسخیرکرده در ١٨ جون سال «١١٨٣م» به آنجا داخل شد.

معرکه حطین:

درسال ١١٨٦ م یك قافله تجارتي ثروتمند مربوط قافله هاي مسلمین از نزدیکي (کرك) مي گذشت زمامدار «کرك» بدون تأمل نقض عهد نموده وبه کاروان حمله نمود. چون صلاح الدین از این مسأله آگاه شد خیلي خشمگین شده و سوگند یا دکرد که حتما این جفا پیشه و خیانتکار را بدست خود مي کشم. وحقیقتاً به سوگندش وفا نمود، زیرا هر گز در سوگند هایش تخلف نمي کرد. قوتهاي صلیبي ازهر کنج وکنار با هم متحد شده و به قیادت (جوي) پادشاه جدید قدس یك قوت بزرگي را تشکیل دادند ، به همین ترتیب مسلمانها همه متحد شده وبه رهبریت صلاح الدین لشکر قوي ونیرومندي را تشکیل داده قوت بیشتر را تدارك دیدند.

دولشکریکه از نقطه نظر تجربه

ومهارت جنگي با هم تفاوت چنداني نداشتند ولي از نظر ايمان وعقيده تفاوت زمين تا آسمان راداشت باهم ملاقي شدند. صلاح الدين در اولين وهله جنگ بر دشمن حمله برد ولي از جانب مقابل كدام عكس العملي صورت نگرفت بناءً به عمليات خود ادامه داده خواست تا دشمن را به شكست مواجه سازد، بهمين سبب بالاي شهر طبريه يك حمله ضربتي آورده ويرآن مسلط شد.

(جوي) كه تا هنوز منتظر فرصت بود شب را گزرانيده و پيش ازطلوع صبح به لشكر تحت فرمانش دستور جنگ را صادر كرده وراه طبريه رادر پيش گرفت . چون صلاح الدين از حركت او آگاه شد براي اخذ موقعيت مناسب داخل اقدام شده مسلمانان را بطرف مناطق آب دار فرستاد ، مسلمانان هم بلا درنگ همه مناطق را اشغال نموده ومانع استفاده دشمن شدند.

همينكه شفق صبح روز شنبه ۲۶ ربيع الآخر دميد اسپ سواران صليبي ها با اسپهاي شان شتافته ودر فاصله ۲ ميل دورتر از حطين دولشكر باهم روبرو شدند، جنگ سيل آسا با تيرهاي ريزنده مسلمين شروع و چنان شدت يافت كه سوار كاران صليبي در اولين مرحله آن فرياد زنان از اسپ شان به زمين غلطيدند ، در حاليكه صلاح الدين شخصاً صفوف مسلمين را تنظيم وجهت حمله رهنمائي مي نمود در بين لشكر گشت و گذار نموده بادعوت به ثبات و پايمردي ايشان را بر حمله تشويق و ترغيب مي نمود.

قواي پياده صليبي ها از شدت تشنگي و تابش سوزنده آفتاب ، گرمي دودوبخاريكه از اثر آتش افروختن مسلمين بر مي خاست وبه چشمان ايشان خانه مي كرد دلتنگ شده مجبور به فرار گرديدند وخواستند

دريكي از روزهاي زمستان سال (۱۰۹۵) پاپ ايستاده شده مي گويد: (اين تركها و اعراب تعداد زيادي از مسيحيين را اسير كرده وكليساها را ويران كرده اند ... براي دفاع از مسيح آماده شويد و نبايد عيش و خوشگذارني مانع تان گردد! هوشداريد كه زنان ، اولاد واموال شما مانع جنگ تان درراه خدا نگردد).

ازراه سر كوتل به «بحيره طبريه» بروند و حداقل رفع تشنگي كنند، مگر لشكريان تحت فرمان صلاح الدين با سرعت سر راه ايشان را گرفته و چون صخره ثابت ايستادند. لشكر دشمن مانند كالبد هاي گوشتي بالاي تپه جا بجامانده و هيچ كاري را از پيش برده نتوانستند «جوي » لشكر خود را به پائين شدن وادار كرده مسئوليت شان را در برابر صليب وعرش دعوت ميكرد ولي ايشان به پادشاه فهماندند كه ما ازتشنگي خواهيم مرد و جنگ و توان مقاومت از ما سلب شده است.

مسلمانان با يك حمله برق آسا تعدادي از ايشان رابقتل رسانيده وعده يي رااسير كردند و يكتعداد ديگري هم با گذاشتن اسلحه و تجهيزات خويش خود رابه مجاهدين تسليم نمودند. پادشاه «افرنج» با «۱۵۰» تن از مشهور ترين ومعروف ترين سواركار خود بسوي تپه رفته و به جنگ پرداخت ولي دريك مدت خيلي كوتاه خيمه او توسط مجاهدين محاصره گرديد.

صلاح الدين از اسپش پائين شده د ر حاليكه از خوشحالي اشك از چشمانش جاري و زبانش تسبيح و تهليل مي گفت سجده شكر را بجا كرد. الله اكبر مسلمانها پيروزشدند ودرحاليكه همه ايشان از اين فتح وپيرزي در سرور بودند شب را باز مزمه هاي الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله الله اكبر و لله الحمد در «طبريه» صبح نمودند. بدين ترتيب صلاح الدين بر«طبريه» مسلط شده و مسلمانها به اطراف و اكناف فلسطين منتشر شدند و همه شهرها و قلعه ها ئيرا كه دردست مسيحيان بود محا صره نموده وبا وصف مقاومت شديد صليبي ها در مدت دو ماه به استثناء شهر هاي صور ، عقلان و اورشليم (القدس) همه كشور

فلسطین تسلیم شد.

صلاح الدین قدسیت بیت المقدس را کماحقه میدانست و شاید اراده داشت تا آنچي را عمر بن الخطاب (رض) قبل ازوي در فتح قدس انجام داده بود او نیز عملي کند بدین لحاظ و فودي رابسوي اهالي قدس فرستاده وتسلیمي شانرا با این شرط خواستار گردید که :

« چنانچي شما معتقد هستید من هم اعتقاد دارم که قدس خانه خدا"ج" است وهرگز قصد محاصره کردن ویا تجاوز برآن را ندارم و آرزودارم در قدس فضاي آرامش و صلح و صفا با شد. مگر صلیبي ها با وجود شرایط معقول و مقبول پشنهاد شده تسلیمي را نپذیرفته و گفتندکه: (شهري را که مسیح بنا بر مشیت خداوند بخاطر آنها در آن مرده است هر گز تسلیم نخواهند کرد).چون صلاح الدین "ایوبي"جواب منفي شنید چاره جز آن ندید تا این شهر را بزور شمشیر فتح کند.

۱- پانزده رجب ۵۸۳ هـ مطابق ۲۰ سپتامبر ۱۱۸۷ م صلاح الدین با لشکر خود در اطراف دیوار هاي شهر جابجا شد، مسیحیان بخاطر دفاع ازشهر منجنیق ها رادر اطراف شهر نصب نموده وخودشان هم براي دفاع در هر طرف سنگرگرفته بودند تا بتوانند از پیشروي مجاهدین جلوگیري کنند.

براي پیداکردن محل مناسب حمله ، صلاح الدین پنج روز مکمل در اطراف شهر گشت و گذار نموده و موقعیت شمالي شهر رامحل مناسب تشخیص داد. مردم شهر چنان تصور کردند که صلاح الدین به فتح شهر موفق نگردیده وکوچ کرده رفته است بناءً به پایکوبي و شادماني مشغول گردیدند . درهمین لحظات لشکر مسلمین ازهر گوشه و کنار بر سر شان ریخته وصلیبي ها را دست و پاچه ساختند. بعداز یك مدت کم مسیحیون نا امید شده وبه تسلیم شدن راضي شدند و بعداز اینکه یك تعداد زیاد شان اسیر مسلمانان گردید قرار به این شد تا مسیحیان جهت آزاد ساختن خود فدیه نقدي بپردازند، به این ترتیب که براي آزادي هر مرد ده دینار از هرزن پنج دینار و از طفل «۲» دینار تعیین و علاوتاً ابلاغ گردید اگر تا مدت چهل روز مبلغ متذکره پرداخته نشود همه شان غلام وبرده شناخته مي شوند.

خداوند قادر و توانا خواسته بودکه بیت المقدس درروز جمعه « ۲۸ رجب » روزیکه شش قرن پیش بنده فرشته سیرت ونیکو کردار خود حضرت محمد «ﷺ» رادر جمعه چهارم شعبان براي (اسري) از مسجد الحرام بسوي مسجد اقصي برده بود به مسلمانان تسلیم کند.

درحالیکه قلب صلاح الدین مملو از ایمان بود و چهره اش نمائي ازیقین ، مشغول نیایش ودعا بود و زمزمه میکرد: (رب او زعني ان اشکر نعمتك التي أنعمت علي و علي والدي وأن اعمل صالحاً ترضاه و أدخلني بر حمتك في عبادك الصالحین)

به این ترتیب قدس فتح شد وبدست مسلمانان تا زمان تشکیل سازمان صهیونیزم (سال ۱۹۴۸) که یهود بین قدس و مسلمانان حائل واقع شدند باقي ماند.

باید دانست که واقعات این چند سال اخیر در سرزمین فلسطین نتیجه جز بي تفاوتي ، سازش مسلمانان، سرد شدن حساسیت آنها در برابر یهود وعدم وفا به عهد و پیمان اسلامي شان چیز دیگري نیست ودر صورت موجود بودن عامل اصلي تحرك ایمان و عقیده اصلاً دشوارئي وجود ندارد. اصل مهمیکه از عهد صلاح الدین«ایوبي» در اذهان خطور مي کند این است که باید بر ضد تجاوزگران یك تجمع ووحدتي صورت بگیرد و زود است که فلسطین ، فلسطین باشد آنچه قبلاً بود (میداني براي پیروزي حق) و با سربلندي اعلان کند که : به تحقیق مسلمانها نقش خویش را در جهت تحقق بخشدن نصرمبین ایفا کردند.

(ولینصرن الله من ینصره إن الله لقوي عزیز)

باید دانست که واقعات این چند سال اخیر در سرزمین فلسطین نتیجه جز بي تفاوتي ، سازش مسلمانان، سرد شدن حساسیت آنها در برابر یهود وعدم وفا به عهد و پیمان اسلامي شان چیز دیگري نیست

نظری به هنر معماری در اسلام

تاریخ اسلام گواه برآن است که تمدن اسلامي با آنکه در همه شئون زندگي منعکس بود در فن معماري پیشرفت چشمگیري را نصیب شده ، آثار و شاهکاري هاي ساخته دست معماران هنر مند اسلام ازجمله، با ارزش ترین آثار از نگاه فن معماري به سطح جهان به شمار مي آید.

درمورد هنرمعماري اسلامي در بسیاري از پوهنتون هاي بزرگ جهان تدریس به عمل مي آید ، این فن که از سیستم هاي مغلق به وجود آمده و بکار بستن آن در امراعمار تعمیرات طلب زحمت وزیرکي خاصي را میکند تا هنوز هم در میان حلقات اهل فن جاي خود ش را حفظ کرده و غالباً در سیمنارها و کنفرانس هاي بزرگ درجهان که روي موضوعات مهندسي تدویر مي یابند راجع به آن بحث صورت مي گیرد.

گنبدها ، منارها که اغلباً بالاي مساجد، محلات مقدس و یا بالاي آرامگاه هاي شخصیت هاي بر جسته و قابل قدر در اسلام ساخته شده و همچنان تزئین در رویه کاري آن باکاشي و بکار گرفتن طرق مناسب ،استعمال رنگها ، ترسیم کلمه طیبه وآیات متبرکه ، که طبق قوانین واصول خطي به نمایش گذاشته شده و عاري ازهر نوع کمي وکاستي است ، اعمار تزئین مقبره ها به طریقه هنرمندانه با درنظرداشت ارزشهاي فني و تخنیکي امروز درسراسر جهان درمیان محافل وابسته به این فن یکي ازموضوعات عمده مورد بحث به شمارمي رود.

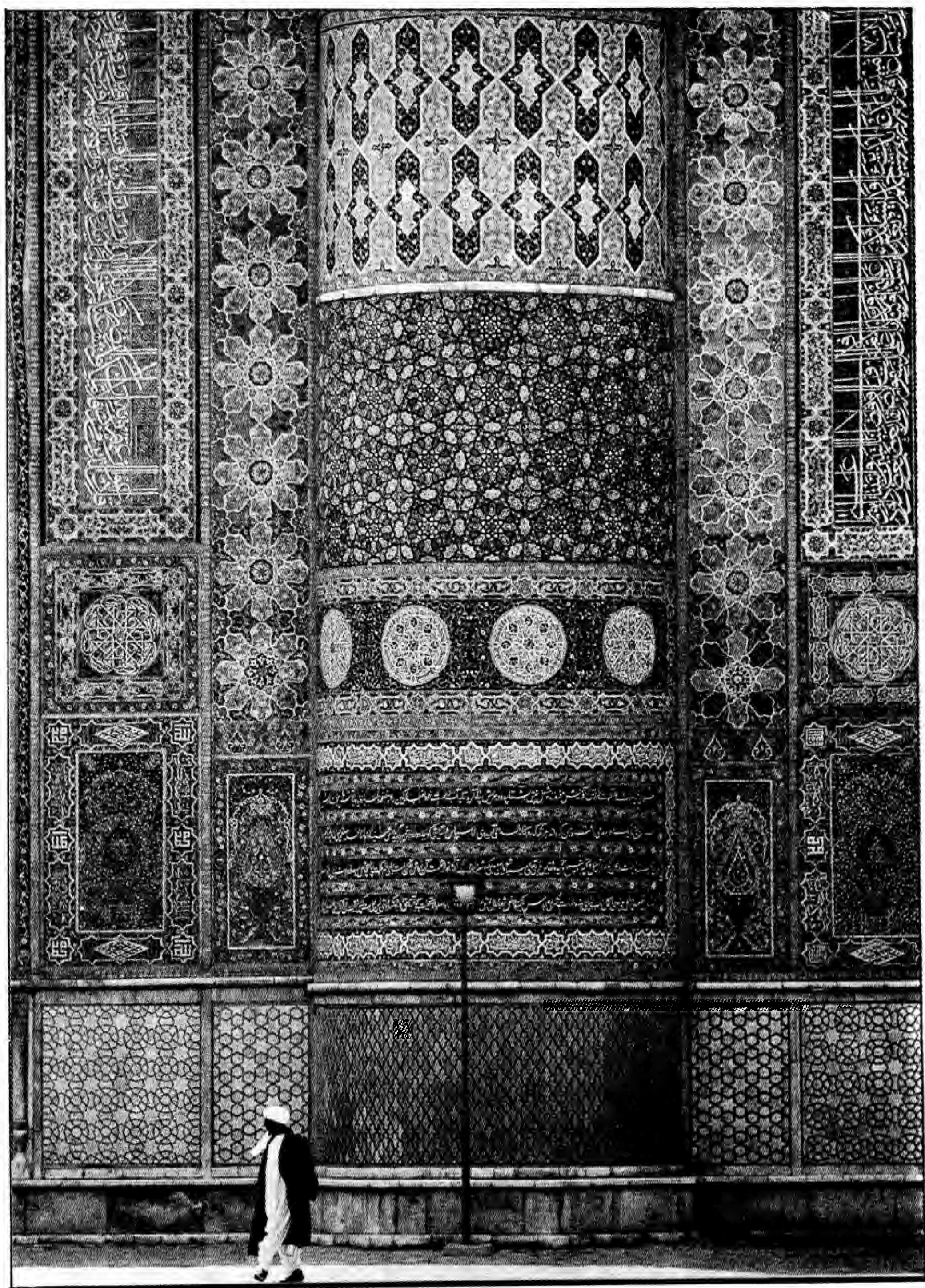
در میان این آثار ساخته دست معماران هنرمند مسلمان یکي هم مسجد جامع هرات است .

مسجد جامع هرات که یکي از بزرگرین شهکاري هاي هنر معماري دراسلام است، زیبائي چشمگیر تزئین بیروني آن دراولین نگاه بیننده را تحت الشعاع قرار مي دهد، گرچه هدف اساسي از رویه کاري پوشانیدن تعمیرات مي باشد تا نمایش آنها ، ولي به کاربرد هنرمندانه عناصر زینتي که محدود مي شود به خوشنویسي، اشکال هندسي ، رویه کاري آن داراي ارزش هاي بزرگ هنري و مهندسي میباشد.

دیوار وتهداب مسجد جامع هرات از رویه کاري نمونه اي پوشانیده شده است ، رویه کاري که بروي دیوار آویخته مي شود ویا هم بروي زمین فرش میگردد و در پهلوي سائر مزایاي هنري قرار میگیرد .

درین رویه کاري منطقي نیزنهفته است ، منطقي مهمتر وآن اینکه اشکال را با هم دیگر ارتباط میدهد. همان منطق، همان اصول درهریك از انساج سرامیك، چوبکاري و فلز کاري به درجه مطلوب تطبیق گردیده بدون شك در غیاب نمیتوان گفت که موضوع مورد بحث این تصویر (دیوار) بسیار بزرگ است و یا بسیار کوچك.

دیواري که درین جا به نمایش گذاشته شده به بخش هاي مختلف تقسیم گردیده وهریك به شکل خاص دراستعمال پیچیده یا پیچ در پیچ منظم کاشي ها سبب مؤثریت و واقعیت کار گردیده که معرف حدود انعکاس کیفي کاشي و نقش رنگ رادر سطح تعمیر به نمایش گذاشته به آن جلاي مؤثر و مغشوش میدهند که نمایانگر حرکت آفتاب مي باشد. گذشته از آن، حقیقت که در تزئین روي تعمیر به چشم میخورد زینت آن در خلال مغایر رنگها و پیچید گي طرح داراي سه بعد تطبیقي میباشد.



نمائی از مسجد جامع هرات

رسالة تعزية من الأخ حكمتيار إلي عائلة الفقيد الشيخ محمد محمود (الصواف)



تلقينا بألم بالغ و بنفوس صابرة محتسبة ومستسلمة لأمر الله تعالي نبأ فقد الداعية والمجاهد الكبير فضيلة الشيخ محمد محمود (الصواف) الذي كان أحد العلماء البارزين و العاملين الإسلاميين الذي قدموا عصارة فكر هم وجهد هم وأفنوا عمر هم في خدمة القضايا الإسلامية ، وقد كان للقضية الأفغانية حظاً وافراً من جهد الفقيد الكبير الذيلم يتواني عن تقديم النصح و المشورة للقاذة الأفغان ،وعمل علي رأب الصدع بين مختلف فصائل المجاهدين يدفعه إلي ذلك حرصه علي وحدة المسلمين .

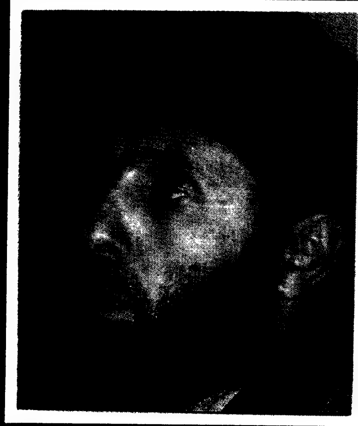
ان المجاهدين الأفغان لن ينسوا المواقف الصلبة التي وقفها الفقيد الكبير و هو ينافع عنهم في شتي المحافل والبلدان.

ونرجوالله تعالي أن يجعل جهوده في ميزان حسناته، ونسأله تعالي أن يدخل فقيد نا الكبير في واسع رحمته و يحشره مع الأنبياء والصديقين والشهداء و الصالحين و حسن أولئك رفيقاً، وأن يلهمكم الصبر والسلوان وإنا لله و إناإليه راجعون.

أخوكم

حكمتيار

أمير الحزب الاسلامي بأفغانستان.



تقلید از تمدن "جدید" ویا احیای تمدن "اسلامي"؟



محمد آصف "مُحِب"

خداوند عزوجل انسانرا به عنوان خلیفه در روي زمین نعمت ظهور هستي بخشیده تاج کرامت را ، صرف نظر از دیگر مخلوقات برفرق او نهاده است.

البته علت برتري انسانرا نسبت به سایر مخلوقات داشتن عقل و خرد مشخص نموده است که انسان باید در پرتو جوهر فطرت و عقل خویش خالق و معبود حقیقي خویش را شناخته ودر روشنائي این بینش وجهان بیني ازنعمات وجود وذاتي خویش (گوش، چشم وقلب) درجهت اداي وجیبه خلافت که رمز خلقت او بدین منظور میباشد، استفاده اعظمي نماید.

نباید تصور نمود که هر انساني ولو به هر مشخصات ، افعال و کرداري که زیست مي کند شایسته مقام خلافت خواهدبود، چنین نیست ، بلکه قرآن این مشعل تابنده و فروزان هدایت مشخصات استخلاف في الارض رادر آیه ازسوره نور چنین توضیح میکند:

(وعدالله الذین آمنوا منکم وعملوالصلٰحت لیستخلفنهم في الارض کمااستخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذي ارتضي لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبد و نني لایشرکون بي شیئاً ومن کفر بعد ذالك فاولئك هم الفاسقون) «النور آیه:۵۵»

"خداوند بر کساني ازشما که ایمان آورده و عمل صالح انجام میدهند وعده کرده است که خواهي نخواهي ایشانرا خلیفه و جانشین زمین بسازد چنانچه گذشتگان ایشانرا (آنانیکه پیش از ایشان بوده و به عنوان خلیفه تبارز نموده بودند) والبته ممکن بسازیم دین را که پسندیده گردانیده شده است براي ایشان و خواهي نخواهي که حالت خوف را براي ایشان به امن مبدل نمائیم (که درینصورت) مراعبادت وپرستش نموده و بمن هیچ شریك و انبازي رامقرر نسازید وهر کسیکه بعد ازین ناسپاسي کند پس همانا که ایشان از فاسقان اند .

درین آیه کلام الله مجید با کمال وضاحت پیداست که ویژگي ها و مشخصات اساسي و بنیادي استخلاف في الارض، " ایمان " و " عمل صالح" مي باشد والبته در پرتو ایمان به مفهموم واقعي کلمه وعمل صالح با جامعیت ، فراخي ووسعت آن ممکن است که : " زیستن در سایه هاي اطمینان بخش عقیده و طرز تفکر اسلامي که جهان بیني و ایدئولوژي موردنظر وانتخاب یك مسلمان است در فضاي امن وامان زندگي کرد".

وهمچنان درجاي دیگر قرآن مي فرماید:

(ولقد کتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادي الصالحون ان في هذ البلاغ لقوم عابدین) «آیه : الانبیاء ۱۰۵-۱۰۶»

" به تحقیق نوشیتم در زبور بعد از تورات که زمین را بنده هاي شایسته و صالح ما به میراث میبرند یقیناً درین بلاغ و رساندن است براي گروه عبادت کننده".

دیده میشود که در این دو آیه شرط اساسي « استخلاف في الارض» و « وراثت زمین» را عمل صالح و مختص به عباد صالح گردانیده است.

والبته نکته جالب اینجاست که در آیه «۵۵» سوره نور بعد از ذکر عمل صالح ، فقره «یعبدونني» آمده و همچنان در سوره الانبیأ پس از ذکر «عبادي الصالحون» از فقره «قوما عابدین » یاد آوري شده است که عمل صالح رادر چوکات عبادت داخل وشامل مینماید.

واین هم یك حقیقت ثابت ومسلم است که دائره عمل صالح تنگ و محدود نبوده بلکه آنقدر وسیع و فراخ است که تمامي اعمال ، افکارو نظریات اعتقادي، عملي و اخلاقي را دربر گرفته وشامل مسئولیت هاي دینوي و اخروي میباشد که درین جمله مسئولیت بدوش گرفتن امانت بزرگ «خلافت» که حتي زمین و آسمان از

برداشت وحمل آن عاجز آمدند شامل بوده و البته اداي آن وجيبه اساسي يك فرد مؤمن «مستخلف في الارض» ميباشد.

حقيقت امر و واقعيت مسئله چنان است كه تااينجا بطور مختصر ارزيابي و بر رسي كرديم ، ولي متأسفانه فعلاً طوريكه مشاهده ميگردد ، اكثريت بلاد اسلامي اصلاً نه آمادگي به «استخلاف في الارض» را گرفته و نه هم گاهي بفكر آن ميباشند. اماتا جائيكه به عناصر كافر ودشمنان سرسخت اسلام ارتباط دارد ، آنها در بخش داشتن ويژه گي هاي مادي واسباب لازم درجهت تحقق اهداف نا مقدس شان بطور ظاهري ودر شرايط موجود گوئي سبقت راربوده اند.

در حاليكه قرآن عظيم الشأن كراراً در گوش مؤمنان جهان اسلام رسانده و مي رساند كه :

(واعدوالهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم وآخرين من دونهم...) "الانفال آيه : ٦٠"

" آماده بسازيد براي ايشان (كافران) هرآنچه كه در توان داريد ازقوه و قطار اسپان تابترسانيد (به اين آمادگي هاي لازم) دشمنان خدا ودشمنان خود را و همچنان كساني ديگري غير ازايشانرا.

وهمچنان درسوره "الحديد" مي فرمايد كه:

(لقدارسلنا رسلنا بالبينت و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله با لغيب ان الله لقوي عزيز) «الحديدآيه :٢٥»

« به تحقيق فرستاديم پيامبران خويش را توأم با بينات و فرو فرستاديم با ايشان كتاب و ميزان را تا مردم را به قسط و عدل استوار بسازند، وفرو فرستاديم آهن را كه در آن كار زار شديد بوده ومنافع (ديگري هم) براي مردم (درقبال دارد) تا معلوم كند خداوند آناني را كه ياري ميكنند اوو رسولش را به غيب و خداوند قوي و غالباست».

يقيناً دو آيه فوق الذكر مسئوليت بزرگي رابدوش انسانيكه امانت «استخلاف في الارض» را متحمل شده است مي گذارد وضمناً وقتاً فوقتاً به اوهشدار ميدهد كه : بايد بخاطر اكمال مواصفات «خلافت درروي زمين » كه عبارت از غلبه بخشيدن دين مقدس اسلام برساير اديان باطل ميباشد، آمادگي هاي لازم رادر همه ابعاد زندگي اتخاذ نموده تا دشمنان خدا و دشمنان مسلمين را از ين طريق مرعوب بسازند.

يكي از ين طريقه ها راكه عبارت از استعمال "حديد" مي باشد بطور خاص يادآور شده است ، آهن و حديد كه هم دركار زار از آن استفاده اعظمي صورت گرفته ميتواند وهم جهت تأمين معيشت افراد جامعه بشري. و مسلمانان بدين مأمور بوده ومكلف اند تا حينيكه عناصر كافر در برابر برنامه هاي كتاب بينات و ميزان ايستادگي مي كنند بايد باآهن گوشمالي داده شوند و همچنان بمنظور رفاه وآرامش افراد جامعه اسلامي بنحو شايسته بايداز آهن استفاده هاي گوناگوني صورت گيرد، مسلمانان بايد قادر باشند تابشكل ماهرانه از «آهن» دراين دوبعد استفاده نمايند كه اين مسئله ممكن نيست مگربه فراگرفتن علم فطرت (علم ساينس وتكنالوژي) .

اسلام عزيز جهت ظهور ، بقاو تجلي تمدن اسلامي در روي زمين و مخصوصاً سرزمينهاي اسلامي به عناصر مؤمن فراگيري « علم و شريعت» و «علم فطرت» را لازم و ملزوم يكديگر دانسته ودرين قسمت به انواع مختلف مستمراً ايشانرا تشويق ميكند.

اگرچه هدف اساسي و بنيادي « علم شريعت» ميباشد ولي شريعت نميتواند در جوامع بشري تجلي و عرض اندام نمايد مگر بواسطه علم و فطرت .

طوريكه در سوره «حديد» بمشاهده ميرسد خداوند "ج" پاسداري از حريم « كتاب ، بينات و ميزان را » بواسطه «حديد» نشاندهي نموده و نحوه استفاده آنرا در ابعاد مختلف زندگي نيز واضح كرده است.

اكنون كه جهان اسلام به اهميت كسب علم ساينس و تكنالوژي ورول آن درجهت حريت و آزاد زيستن در سايه هاي نجات بخش اسلام بخوبي پي برده اند ، ميترسيم كه يك مسئله ايشانرا از كسب و فراگيري اين علم باز نداشته و از آن خودداري ننمايند وآن اينكه : بعضي ها تصور ميكنند كه متمدن ساختن كشورهاي اسلامي بمفهوم تقليد« تمدن جديد» اروپائي مي باشد وعده ديگري هم كه هر لحظه از تمدن و متمدن ساختن كشورشان حرف ميزنند آنها بكلي خود را مرهون احسان تمدن جديد اروپا ميدانند.

در حاليكه حقيقت مسئله چنين نبوده بلكه بجاي مسلمانان بايد اروپائيان مرهون احسان رادمردان مسلمان باشند كه با تحقيقات و ژرف نگريهاي شان قرنها قبل آغاز گر اين «روشنائي » بوده وايشان در پرتو اين روشنائي راهياب شده اند.

پس به صراحت گفته ميتوانيم كه متمدن ساختن كشور هاي اسلامي به مفهوم تقليد ازتمدن جديد اروپا نبوده بلكه بهتر وسزاوار تر خواهد بود كه بگوئيم اين حركت عبارت از احياي تمدن « ثابت » اسلامي ميباشد.

*****
**

چهار گروپ از انجنیران شرکت کننده در مسابقه طرح ودیزاین مرکز اسلامي مستحق جائزه شناخته شدند.



دکتور احمد فرید "مصطفي" رئیس هیئت ارزیابي طرحها

انجمن اسلامي انجنیران و مهندسان افغانستان در پهلوي سائر فعالیت هاي فني و تخنیکي خویش به منظور ایجاد رقابت هاي سالم و رشد استعداد هاي افراد مسلکي و تشویق آنها براي اشتراك فعالانه در پروسه اعمار مجدد کشور اخیراً طرح ودیزاین تعمیر یك مرکز اسلامي را در بین مهندسان افغانستان به مسابقه گذاشت.

ارزیابي این مسابقه تحت نظر هیئت منتخب و با صلاحیت به ریاست دکتور احمد فرید"مصطفي" آغاز شد که از جمله طرحها و نقشه هاي شامل مسابقه چهار طرح که توسط مهندسان ماهر دیزاین شده بود منحیث ممتاز ترین دیزاین ها انتخاب گردید که اسماي دیزان کنندگان آن قرار ذیل مي باشد.

الف: گروپ اول

١- انجنیر محمد قاهر " حیدري"

٢- انجنیرمحمد فرید" فرزاد"

٣- انجنیر سلطان حبیب

٤- انجنیر محمد مهدي

٥- گل محمد "ولي زاده"

ب: گروپ دوم

١- انجنیر شنواري " احمدزي"

ج: گروپ سوم

١- انجنیر محمد یاسین

٢- انجنیر محمد امان

٣- انجنیر نور آغا

٤- انجنیر قدرت الله

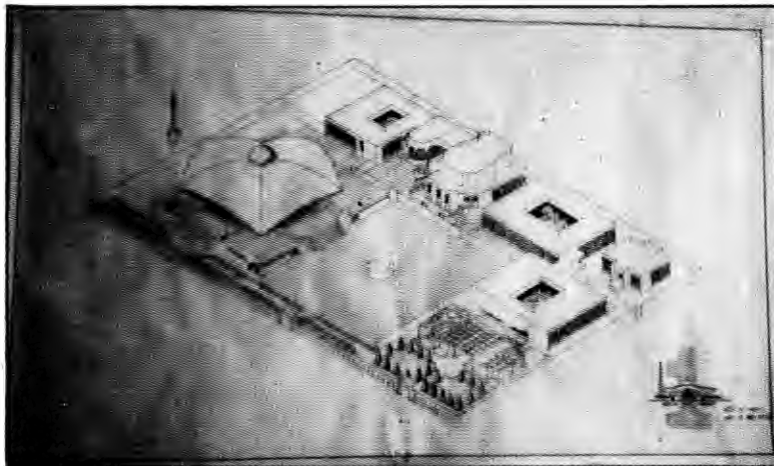
د: گروپ چهارم

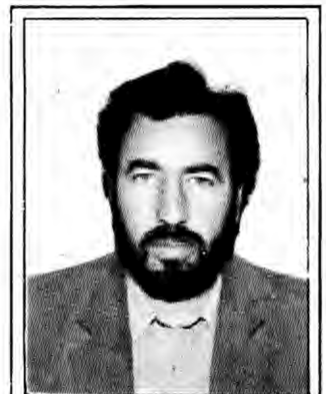
١- انجنیر احمد الدین

٢- انجنیر حسیب " لطیفي"

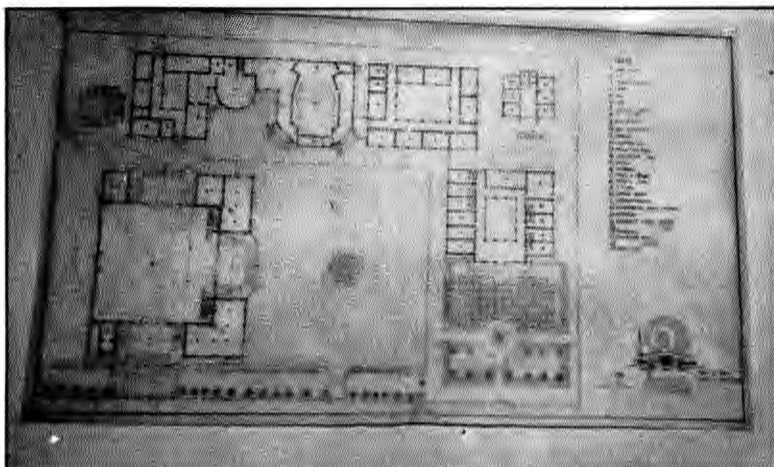
طرح گروپ اول شامل در مسابقه

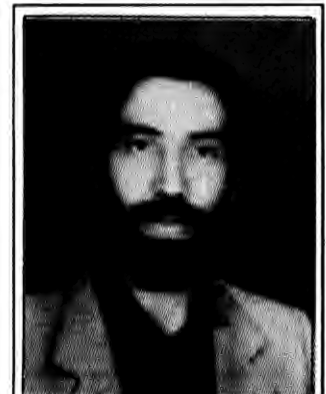






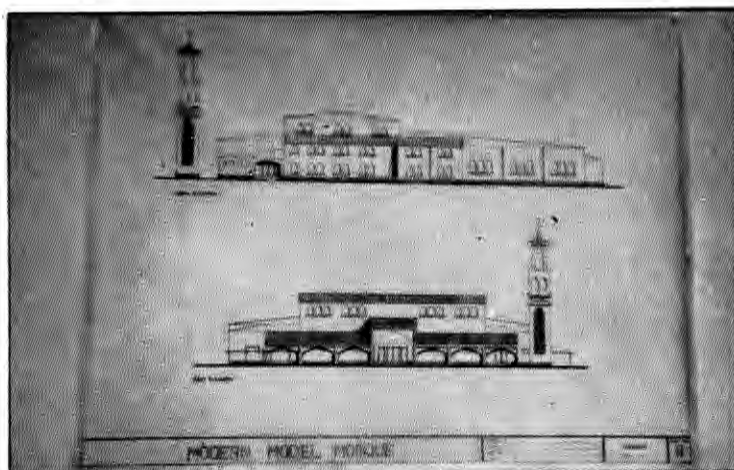
انجنیر "فرزاد"



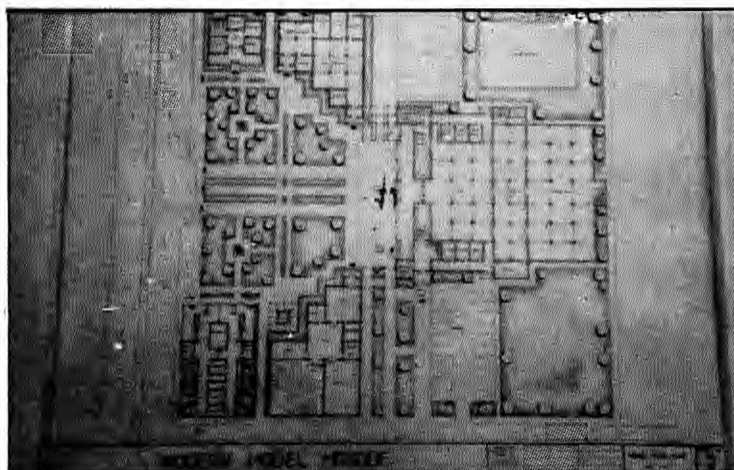


انجنیر "ولي زاده"

طرح گروپ دوم شامل در مسابقه



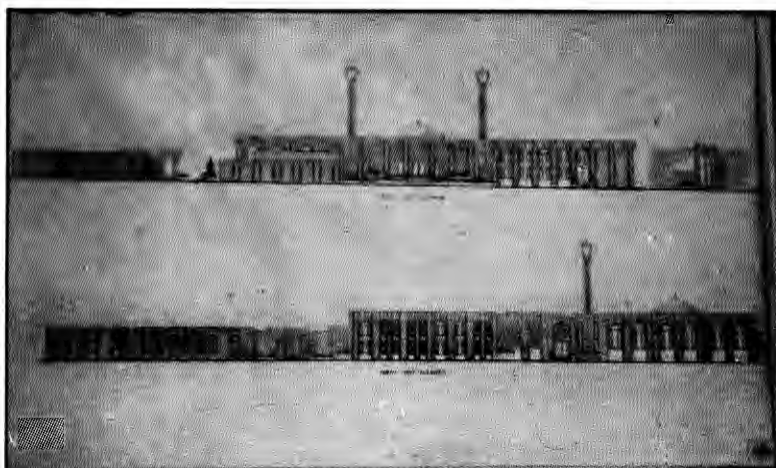






انجنیر "احمدزی"

طرح گروپ سوم شامل در مسابقه





محمد امان

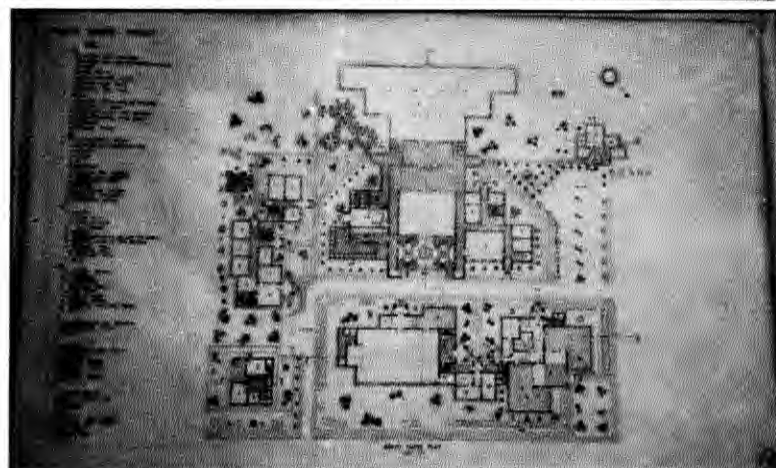


قدرت الله





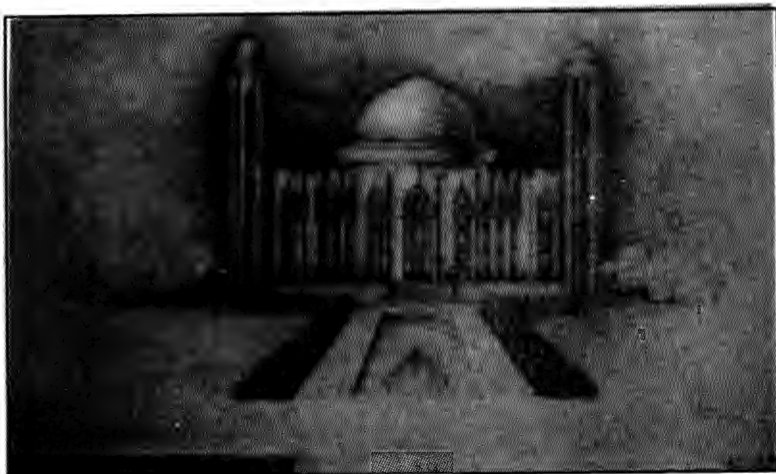
نور آغا



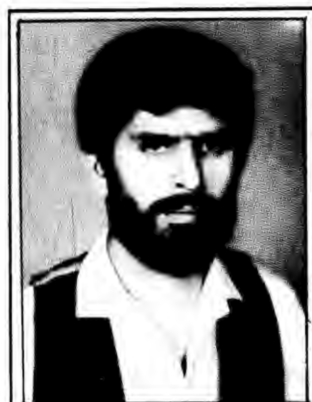


محمد یاسین

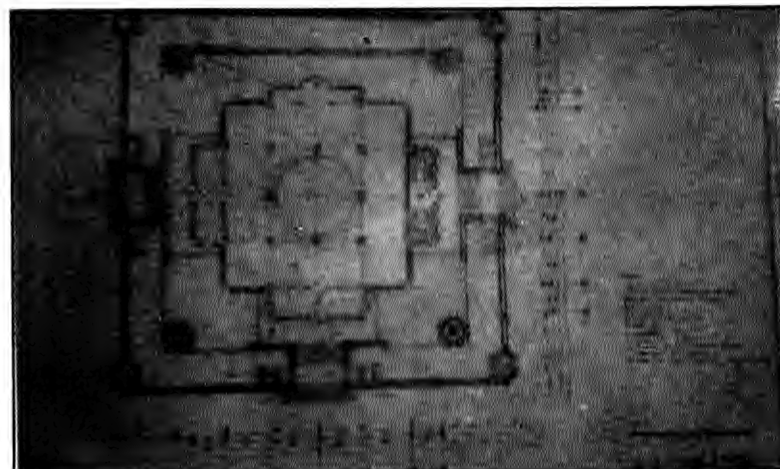
طرح گروپ چهارم شامل درمسابقه

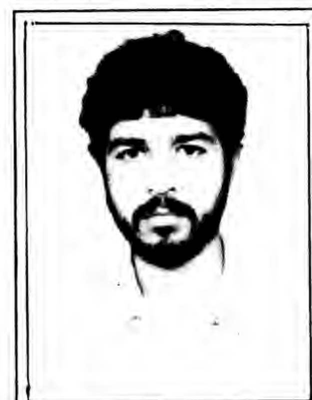






انجنیر "لطیفي"





انجنیر "احمد الدین"

نو آوري و انكشاف درسيستم مروجه سيخكاري كانكريت

فشرده مطلب : دسترسي به طريقه كه بتواند قيمت سيخكاري (Reinforcement) را در كانكريت ازنكاه غلاف دادن كانكريت ذريعه استعمال ورقه هاي نازك فولاد در عوض طريقه متذكره مروجه كم بسازد .

مقدمه:

مشكله، خانه سازي يكي از معضلات بزرگسيت كه دنياي اسلامي ما به خصوص وجهان امروزي بصورت مجموع ، به آن مواجه است اين مشكل به علت بلند رفتن قيمت ها در سطح جهان بعد از هر دوره، بصورت وسيع روبه افزايش است . براي حل نمودن اين مشكل ما مجبوريم كه عوامل تاثيري قضيه را مطالعه نمائيم تا چطور بتوانيم به تقليل قيمت ها اقدام نمائيم . مطالعات نشانداده اند كه قيمت كارهاي ساختماني تنها در يك پروژه بين ٪ ٤٠ و ٪ ٥٠ كل قيمت تنظيم ميگردد اگر ما تقليل قيمت هر يكي از عوامل تشكيل دهنده كانكريت يعني از قبيل آهن يا سمنت را كنترول نمائيم اين كاهش در حل نمون معضله كمك مينمايد، مخصوصاً بعداز ازدياد قيمت آهن در مصرفي تن بيشتر از 1000 L-E (معادل بيشتر $ 500 U.S ميباشد) البته بنابر مورد اساسي واصلي تحقيق.

هدف تحقيق :

دست يافتن به نحوه كه بتواند قيمت فولاد رادر كانكريت تقليل ببخشد البته بادرنظر داشت رعايت استحكام سيستم قديمي ، مادريافت مينمائيم كه فولاد تنها در جاهائي كار گذاشته ميشود كه در معرض كشش قوه ها (فشار) باشد ودرست قرار گرفتن فولاد همراه كانكريت در برابر قوه هاي شكننده عرضاني و bending قات كننده ... وغيره طور مناسب مقاومت مينمايد. روي اين منظور مفكوره (Sheathe) پوش دادن كانكريت ذريعه استعمال ورقه هاي نازك آهن در عوض استعمال طريقه آهن كانكريت مروجه نشئت نموده است

مفكوره تحقيق:

تهيه سكشن هاي ورقه هاي نازك فولاد كه طور شكل نمبر (١) نشانداده شده اند سكشن هائي اندكه در پهلوي هم گذاشته شده وذريعه گيره ها و يابولت ها باهم بسته ميشوند و توته هاي خورد زواياي آهني كه درحصه زيرين قبرغه ها بعداز 50Cm قرار دارند نيز باهم بسته ميشوند تا از لغزيدن كانكريت جلوگيري صورت بگيرد. بعداً بالاي ديوارها انتقال داده ميشوند درصورت كه سيستم ساختمان بيرنگ وال (bearing wals) ويا بيم ها (beams) باشد . اگرسيستم سكيلتون(Skelcton) باشد وزن تنها از يكنقطه ممكنه كه وزن را تقليل مي بخشد انتقال ميگردد طور شكل نمبر(٢). اين مفكوره از لابلاي مطالعه طريقه قديمي رنفورس منت نشئت نموده است البته فوايد اين ميتود برعلاوه مصارف و استحكام اين است كه در كار ساختماني صرفه جوئي صورت ميگيرد. اين ميتود بادرنظر داشت ساده گي ، اجراي سرعت كار ، انجام كار ذريعه افراد فني و غير فني ويا ذريعه خود اعضاي فاميل ارجحيت دارد.

تجارب عملي در اين مورد اجرا كرده خواهد شد، نتايج همراه خواص مشابه مروجه مقايسه خواهد گرديد و مقايسات اقتصادي بين شان صورت خواهد گرفت.



ترجمه: انجنير محمد زمان"فطرت" يار

تحليل و تجزيه تجربي :

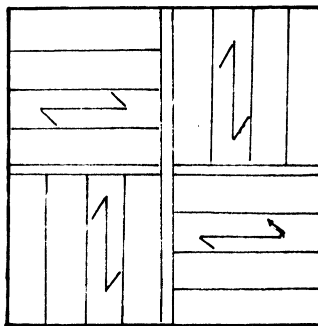
سكشن درنظر گرفته شده در زير يك load ياوزن ثابت 450 kg/m2 كه به درازي يك اندازه (span) 1.75 m باشد تست ميگردد.

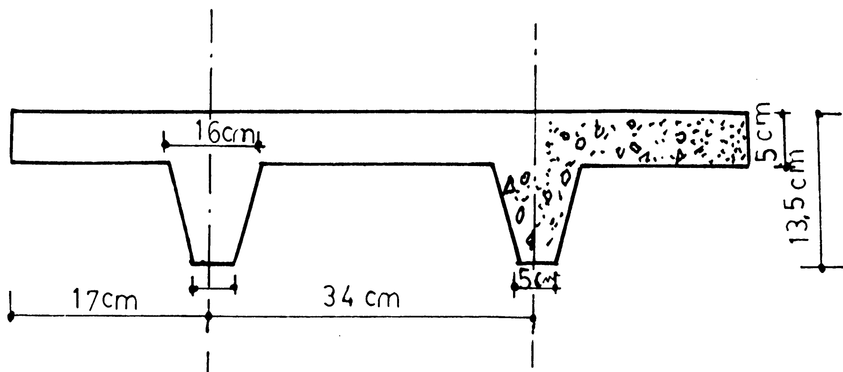
زمانيكه ضخامت سلب (slap) 5 Cm گرفته شده باشد، ضخامت ورقه ملمع شده 2mm گرفته ميشود وقوه مشخص كانكريت (Fcu) 300 kg/m2 گرفته شده است.

كجي وانحراف دو نقطه بالاي ويب ها (webs) ويك نقطه بالاي سلب اندازه شده است. حداعظمي انحراف بعد از ٢٤ ساعت بار نمودن (loading) 0,2mm دريافت گرديده است ، درحاليكه مقررات قابل قبول انحنا بنابر قانون نامه مشخصات مصري براي (R.C) ساختمانها 0.9 mm است .

انحناي اندازه شده به ارتباط قيمت قبول شده كاملاً كوچك است همچنين سكشن درنظر گرفته شده در مقابل فشار ومدت استهلاك آن خيلي مصنون است.

تشريحات امتحان تجربي ضم





راپورامتحان متذکره داده شده است.

تحقیق وبرسی ارقامی :

طي يك مطالعه عددي بين موضوع درنظر گرفته شده وسلب آهن كانكريت مروجه مقايسه صورت گرفته است. يك قطعه باريك درنظر گرفته شده به اندازه 4.5 m و15Cm محاسبه شده است، مجموع ضخامت ذريعه موارد ذيل سلب هاي آهن كانكريتي مقايسه ميگردد:

حالت (۱) : يك سلب آهن كانكريتي به ضخامت 15 Cm

حالت (۲) : يك سلب آهن كانكريتي به ضخامت 15Cm وبه عين انحناي سكشن درنظر گرفته شده .

حالت (۳) : يك سلب آهن كانكريتي به ضخامت 16 Cm وبه عين مومنت هاي انحنائي در نظر گرفته شده.

حالت (٤) يك سلب آهن كانكريت به ضخامت 14.2Cm وبه عين مومنت هاي انحنائي وحد اعظمي انحراف سكشن مورد نظر. فشار كار كانكريت تمام موارد فوق 15 kg/Cm2 بوده است. نتايج اين مقايسه درجدول زير نمبر (۱) خلاصه گرديده است .

تحقيق اقتصادي:

يك مقايسه تحقيقي قيمت بين نوع آهن كانكريت مروجه و نوع جديديكه ذريعه ورقه هاي آهن تقويه گرديده است قرار ذيل توضيح ميگردد:

I - قيمت يك متر مربع آهن كانكريت مروجه:

الف: فرض ميكنيم كه نسبت آهن در پوشش بشمول بيم ها در حدود 100 kg/ Cm3 وقيمت آن در حدود ۱۱۰۰ L.E في تن است ، پس قيمت آهن

=1100 x 100 = 110,00 LE

مصارف ترانسپورتي ورسانيدن تا ساحه

10 % = 11,00 L,E

همكاري صنعتي 1% =1,10 L.E

مصارف دفتر در في تن = 0,20 LE

مصرف 8% = 9,78 L-E

قيمت مجموعي = 132,08 L.E

ب : قيمت مواد :

جغل = 0.8x8.40 = 6.72 L-E

ريگ‌ميده=0,4x2,70 =1,008 L.E

سمنت= 350 k x 87.55=20,642 L-E

قيمت مجموعي = 38.370 LE

مخلوط نمون مواد فوق بما 0.98m3 را ميدهد كه قيمت يك متر مكعب در 39.153 L.E ميباشد.

ج : قيمت كار

براي مخلوط كردن وقالب كردن هر30m3 كانكريت ما به كار ضرورت داريم كه قيمت آن در حدود 231,00 L,E ميشود.

قيمت يكمتر مكعب =231 / 30 = 7.700 L,E

قيمت مجموعي في متر مكعب R.C طور ذيل است:

آهن =132.08 L.E

مواد = 39.153 L,E

مصارف كار = 7,700 L,E

مصارف چوب =14,400 L,E

مصارف ماشين مخلوط =2.00

مصارف تپك كاري =0,50

مصارف دفتر =0,20

مصارف آب =0,150

مجموع =196.183 LE

قيمت في متر مربع آهن كانكريت

=196.183/ 10 = 19. 618 L.E

قيمت پلستر سقف :

قیمت تمام شد یکصد متر مربع پوشش (روکش) درشت 22.00 L.E است

الف: 22.00/100=0,22 L.E= پس یك متر مربع آن

ب: قیمت 150m2 روکش پینه ئي (Patchescoat) مساوي به 51 L.E است

51/150 =0.340 L.E= پس قیمت یکمتر مربع آن

ج: قیمت 32m2 روکش آخري (Finalcoat)مساوي به -.57.00 است.

57.00/32=1.78 L.E= پس قیمت یکمتر مربع آن

=0,22+0,34 + 1.78= 2.34-L.E قیمت کار پلستر

قیمت مجموعي یکمتر مربع پلستر سقف قرار ذیل میباشد.

0,735 LE= قیمت مواد

15%=0,111 L.E مصارف

2.340 L,E= مصرف کار

3.186 L.E = مجموع

با استفاده از مطالعه قبلي قیمت مجموعي یکمتر مربع آهن کانکریت جمع پلستر مساوي است به :(19.62+3.19) = 22.81 L.E

II- بررسي قیمت یکمترمکعب کانکریت وورقه هاي آهن :

حجم کانکریت برویت سکشن قبلي تست لابراتور قرارذیل است:

۰,۰۵ = (0.16 x 2 + 0.34) (Slab) سلب x2.00=0.068 Cm3

= 0.16 + 0.92/2 x0.085 x2,00 (webs)ویب ها = 0.0213 Cm3

0.0893Cm3= مجموع

0,089 Cm3= پس حجم کانکریت

24.00 L.E= قیمت ورقه آهن به ضخامت یك ملي متر

Cost of) قیمت مواد = 3.44L.E (material

0.693 L.E= مصرف کار (workmanship)

(bolts) قیمت بولت ها =0.20 L.E

28.333L.E= مجموع

قیمت مجموعي ورقه هائیکه در 0,09Cm3 بکار برده میشود مساوي به 28,333L.E است. طبق صورت آخري اندازه ها ، 0.68x1,75m است مساوي به 1.19 m میشود، پس قیمت یکمتر مربع چنین محاسبه میگردد: 28,333/1.19 = 23.8 L,E

بادرنظر داشت بررسي قیمت هاي متذکره (قبلي) دوسیستم، ما تقریباً هردو را مساوي دریافت مینمائیم.

لاکن راجع به نتایج تست لابراتوار که انحناي آن 0.09 mm است یعني کوچکتر نسبت به مشخصات ذکر شده مصري (0.9mm) ، پس این ما را وادار میسازد که ضخامت ورقه هارا کم نمائیم که درمقابل به تقلیل کل قیمت منجر میگردد.

خلاصه:

از لابلاي مطالعات قبلي ما استنباط مینمائیم که سیستم استحکامي کانکریت باید درعوض سیستم مروجه کانکریت نظر به امتیازات ذیل به پیمانهء وسیع استعمال کردد:

۱- مهیا بودن ورقه هاي آهن و بکار برد آن :

این طریقه نسبت به مشکلات قبلي آهن کانکریت مروجه یکقدم بسوي پیش است. طوریکه فراهم بودن این در مارکیت ها ، ارتباطات دنیائي در بلند بردن قیمت ها ، چیزیکه سبب ادامه ازدیاد حرکت ساختمان میشود، تأثیر مستقیم قانون قیمت خانه سازي.

میتود نوبه افراد و رزیده ولایق و براي تنظیم آهن وصورت دادن کار نیز ضرورت ندارد. و کارها ذریعه افراد عادي ویااعضاي خود فامیل میتواند به ساده گي اجرا شود .

۲- توانائي عالي برداشت وزن :

ازنتایج قبلي مي یابیم که این متّود توانائي برداشت بارهاي (loads) سنگین رادارد، طوریکه تجارب قبلي نشانداده است که معیارمقاومت سلب به 250% طریقه مروجه (Traditional way) میرسد. که این معادل به ضخامت و مومنت قات کننده میباشد (bending moment)

۳- سختي :(stifness):

سختي ورقه هاي آهن درسقف ها بواسطه حد اعظمي انحنا که از ۱/۱۰ قیمت تجاوز نکند طبق کود (Code) نشانداده شده است .

٤- مقاومت (Resistance):

a: مقاومت حرارتي (Head - Resis-tance)

تا آنجائیکه به مقاومت انتقال حرارت تعلق میگرد، موقعیت ورقه هاي آهن در حصه پائین سلب بالاي انتقال حرارت تاثیر اساسي ندارد. پس طریقه هاي نگهداري حرارت باید درهر دوحالت در سطوح آخري در نظر گرفته شود.

b: مقاومت رطوبتي: (Humidity R.)

طریقه هاي نگهداري درمقابل نفوذ آب و رسیدن به ورقه آهن باید درهر دوحالت در نظرگرفته شود.

c: مقاومت آتش سوزي(Fire-R)

از آتش سوزي هاي قبلي سلب در مي یابیم که آتش سوزي شدید آهن استحکامي را ازبین میبرد، لاکن روي همرفته موجودیت ورقه آهني در حصه پائین سلب این خطر را کمتر میسازد. بر علاوه رنگ آمیزي روي ورقه آهن همراي رنگهاي پیشرفته ضد آتش مفید است .

(Facility of Develop-ment) سهولت انکشافي :

تحقیقات مکمل و انکشاف یافته دردیگر صورتهاي مهم جدید میتواند وسیعاً افزایش نماید.

مقایسه بین چهار حالت وبخش پیشنهاد شده

(جدول نمبر اول)

یادداشت (Item)	بخش پیشنهاد شده	حالت (۱)	حالت (۲)	حالت (۳)	حالت (٤)
ضخامت مجموعي به سانتي متر	15.0-	15.0-	15.0-	16.0-	14.2-
حد اعظمي مومنت قات کننده (M,t)	1.654-	1.484-	1.949-	1.654-	1.654-
قرار فیصدي عملي بالاي سکشن مورد نظر	100%	89.9%	117.86%	100%	100%
نسبت فولاد تقویه شده kg/m2	31.4-	31.74-	41.8-	31.6-	37.87-
قرار قیصدي استمعال شده در سکشن مورد نظر	100%	101%	133,12%	100.6%	120.6%
حد اعظمي انحنا به سانیمتر	1,206-	0,92-	1.206-	1.20-	1.206-
فیصدي انحناي سکشن مورد نظر	100%	76.3%	100%	84,58%	100%

نتايج آزمايش وزني بالاي يك سلب بخش تركيبي:

هدايت:

يك آزمايش وزني بالاي يك سلب بخشي تركيب كه داراي اندازه هاي .1.75x0 68m ميباشد به اثر درخواست داكتر سيدعبدالحليم طوريكه در شكل نشانداده شده است اجراآت صورت گرفته است.

طريقه هاي آزمايش :

تست و آزمايش متذكره در لابراتور طور ذيل انجام شده است :

۱- قسمتي از سلب به چهار بلاكهاي كانكريتي كه ذريعه بولتهاي فولادي محكم گرديده اند بسته شده است .

۲- قسمتي از فولاد ذريعه كانكريت كه از مخلوط اندازه هاي ذيل تشكيل گرديده است پوشش ميگردد.

جغل 1210- kgr / ريگ 595 kgr

/آب 192 kgr / سمنت 400 kgr .

۳- كانكريت ذريعه آب در ظرف ۲۸ روز معالجه و آبياري ميگردد.

٤- وزنه امتحاني بالاي سلب براي ۲٤ ساعت نگهداري ميگردد .

۵- انحناي سلب ذريعه سه عدد آله هاي ساعت مانند اندازه گيري، كه حساسيت آنها 0,01 mm ميباشند سنجيده ميشود كه البته دوعدد آن براي اندازه گيري ويب ها(webs) ويكي آن براي سلب (slab)بكار برده ميشود.

شرايط تست :

استعمال فولاد 2mm

استعمال نمودن بولت هاي فولادي غرض بسته نمودن سلب به كانكريت محكم شده مقطع سلب مجموعاً همراي كانكريت پوشانيده ميشود.

كانكريت براي بيست وهشت روز معالجه و آبياري ميگردد.

حد اصغري مقاومت اختصاصي براي كانكريت 300kg/Cm2 استعمال ميشود.

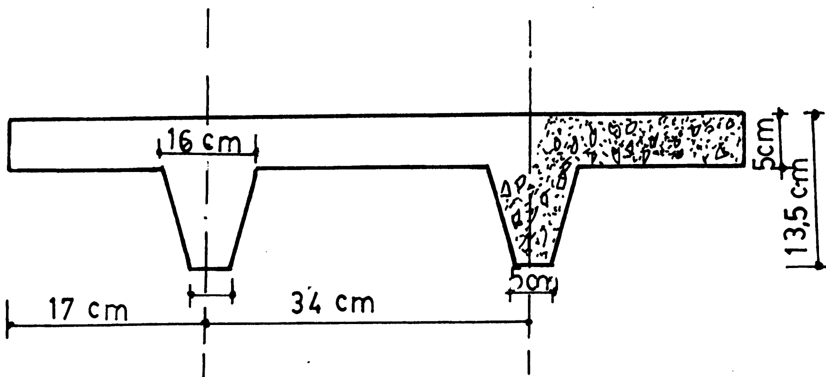
حد اعظمي انحناي قبول شده:

طبق مقررات (كود) مصري در مورد ديزاين ساختمانهاي كانكريتي و اجراآت سال ۱۹۸۹ تست شماره ٦-۷-٦-۸ در صورت كه اندازه حد اعظمي انحنا با درنظر داشت ضخامت سيم فرعي (ويب) مساوي به 13,5 cm و اندازه (span) سلب مساوي به 1.75m در حاليكه از 0.9mm تجاوز نكند ساختمان مصئون پنداشته ميشود.

امیدواريم ضرورت شما به اين طريق برآورده گرديده وهمكاري بين آن مؤسسه محترم و لابراتوارهاي C.E.L طور سودمندانه ادامه داشته باشد.

نتايج تست

	اندازه سلب	اندازه ويب	
قيمت حد اعظمي انحنا بعد از(٢٤) ساعت وزن برداري (mm)	0.18-	0.21-	0.17-
قيمت حد اعظمي انحنا بعد از(٢٤) بدون وزن برداري(mm)	0.09-	0.09-	0.16-
حداعظمي انحناي قبول شده (mm)	0.9-	0.9-	



مکتب تعمیر افغانستان هیئتي رابه شهر کابل اعزام نمود

طي جنگ خانمانسوزکه ازطرف قوت هاي کفري والحادي عليه کشورما آغاز ودر جريان عمر چهارده ساله خويش قسمت اعظم از دارائي مملکت ماراازبين برد ، دهات وقريه جات را توسط حملات طيارات و توپ و تانك به خاك يکسان نموده وشهرها رابه حالت نيمه ويرانه درآورد. درين ميان شهر کابل پايتخت زيباي کشور ما نيز ازدستبرد حوادث جنگ در امان نبوده شاهد ويراني هاي بيشمار در طول ساليان متمادي جنگ بوده وخسارات زيادي را متحمل شده است.

شکست وريخت تعميرات عام المنفعه مختل شدن سيستم آبرساني ، ويران شدن محلات شبکه هاي برق از جمله عمده ترين خسارات بوده که در راه فعال ساختن ادارات دولتي و تأمين شرايط درست زندگي درشهر کابل منحيث يك مشکل عمده به شمار مي رود. نسبت اينکه ترميم و اصلاح ويراني ها واثرات باقي مانده ازتجاوز روس و متحدين آن ايجاب سروي دقيق رامينمايد تا برويت آن پلان هاي منظم ترتيب وعملي گردد، از جانب برادر(دکتوراحمد فريد "مصطفي")رئيس مکتب تعمير افغانستان تجويز اتخاذ گرديد تا يك هيئت جهت اجراي اين مأمول عازم افغانستان شده به اسرع وقت گزارش مفصلي از سروي و ارزيابي هاي خويش رادر مورد ترميم واصلاح سيستم آبرساني ، برق و تعميرات عام المنفعه با در نظرداشت اهميت آن ها براي ايجاد سهولت هاي عاجل درشهرکابل، ترتيب وبه اداره مکتب تعمير افغانستان تقديم نمايد تا برويت آن طبق اصول فني اقدام صورت گيرد.

بنابران هيئتي مرکب از مؤسسات آتي تعين وروانه کابل گرديد است :

١- محترم عبدالودود "کوثري" عضو انجمن اسلامي انجنيران و مهندسان افغانستان رئيس هئيت.

٢- محترم انجنير محمداشرف نماينده مؤسسه اعمار مجدد افغانستان (RFA) عضوهيئت.

٣- محترم انجنير غلام حسين نماينده حرکت اسلامي افغانستان عضو هيئت

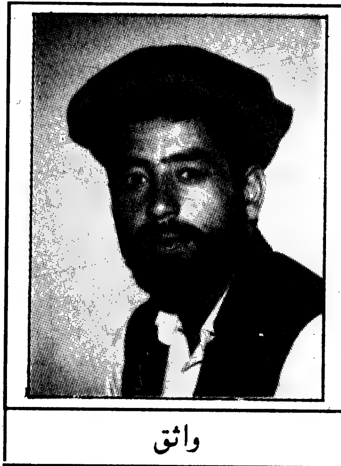
٤- محترم محمد قاسم نماينده شوراي نظارعضوهيئت

جواب به نامه ها

به اداره محترم انجمن اسلامي انجنيران و مهندسان افغانستان !
السلام عليكم و رحمت الله وبركاته
وبعد:

اينجانب ضياء الدين «واثق» نظر به پروگرام مشخص در رابطه با مسائل عمران و باز سازي بويژه ساختن سرك بدخشان آمده بودم . زمانيكه در پشاور پاكستان آمدم دريكي از روزها يك شماره مجله (عمران) ارگان نشراتي انجمن اسلامي انجنيران و مهندسان افغانستان بدسترسم قرار گرفت بعد از مطالعه و تحقيق و تدقيق مسائل كه درين مجله از طرف برادران نوشته شده بود و نظرياتيكه در رابطه باعمران و باز سازي و پروگرام هاي كه گرفته ميشده است مرا به اين واداشت كه بايد اين مؤسسه را پيدا كنم و همچنين با مؤسس مجله عمران و مدير مسئول آن هم قبلاً ميشناختم كه ازجمله عناطر مكتبي و اصولي هستند وهدف شان هم خدمت براي ملت و مردم است .

مضامين واهدافيكه درين مجله به نشر مي رسد عاري از تعصبات نژادي، لساني ، منطقوي و گروه بندي هاي خصمانه است . اهداف اين مجله درخدمت يك حزب و يا يك تنظيم نيست بلكه به همگان مساوي بوده و



واثق

خدمت به همه افراد جامعه و ملت است و همگي كاملاً اطمينان بخش است.

فلهذا من هم به صفت نماينده مردم بدخشان نظر به ضرورت اشدمحيط و منطقه پيشنهاداتي دارم كه بايد اين مؤسسه از همكاري هاي شان دريغ نورزند.

درطول تاريخ هر رژيم كه در افغانستان حكومت كرده وهر شاه و غير شاهي كه به مسند قدرت تكيه زده نه تنها به همه ملت خدمت نكرده بلكه هستي و دارائي عامه ملت را به يغما برده وبراي خود در طول تاريخ محافل عياشي و فحاشي ساختند وخوش گذارني نمودند امروز كه انشاء الله انقلاب اسلامي در حال پيروزي كامل خويش است و كشور مادرطول چهارده سال جنگ جز ويراني و تباهي چيزي ديگري را مشاهده نكرده مشكلات اساسي و مهم كه ما فعلاً در بدخشان روي دست داريم كشيدن سرك از كشم الي فيض آباد است .

ـ سرك بدخشان تقريباً بيشتر ازيكسال ميشود كه در اثر سيلاب ها وبارانهاي شديد به مخروبه تبديل شده و شاهراه عمومي كشم الي فيض آباد مسدود است و قحطي و قيمتي دامنگير مردم شده است .

بناءً از مؤسسه محترم انجنيران و مهندسان خواهشمنديم كه هئيتي راجهت بررسي خرابي هاي منطقه توظيف نمايند و امكانات بدست داشته شانرا در خدمت مردم و منطقه قرار دهند وهمچنين در طول چهارده سال مكاتب و تأسيسات دولتي راه هاي عامه و ... غير فعال ميباشد و نيازمبرم ماهم درين رابطه ميچرخدبناءً با رديگر از مؤسسه محترم تقاضا بعمل ميآورم كه نيازمندي هاي مردم ما را تاحد توان مرفوع سازند .

محمد ضياء الدين "واثق"

برادر محترم محمد ضياء الدين "واثق"

نامه تان به اداه مجله مواصلت نمود ، از احساس پاك وبي آلايشانه تان درمورد مطالب ومضامين مجله عمران سپاس گذاريم.

آنچه در باب خرابيهاي سرك كشم وفيض آباد نگاشته ايد ان شاء الله موضوع را بامؤسسات ذي ربط در ميان گذاشته نتيجه آن از طريق همين مجله به اطلاع تان خواهد رسيد.

«اداره»

سیمینار:

(انکشاف منابع بشري در کشورهاي اسلامي ومقتضيات آن در قرن بيست ويکم)

توسط فدريشن مؤسسات انجنيري کشورهاي اسلامي در داکه (بنگله ديش) تدوير مي يابد.

قرار است این سیمینار ازتاریخ ۲۹ الي ۳۱ اکتوبر ۱۹۹۲م توسط فدریشن مؤسسات انجنيري کشورهاي اسلامي در داکه پایتخت بنگله دیش دائر گردد.

اهمیت انکشاف منابع بشري از طریق همکاري فیمابین کشورهاي مختلف موضوع اساسي این سیمینار را تشکیل داده به منظور روي دست گرفتن اقدامات مفید در جهت سوق نمودن درست سیر انکشاف منابع بشري به طور خاص در کشورهاي اسلامي جوربحث صورت خواهد گرفت.

اینکه انسان امروزي به پیشرفت هاي بي شماري درامور مختلف دسترسي یافته ومصروف ایجاد نو آوري هاي بشتر و قراردادن آن در خدمت جهانیان است ناشي از فراگیري علوم مختلف مي باشد.

حصول تعلیم در رشته هاي مختلف وبه کار گیري آن به طریقه مناسب ، حامل کشفیات ، ایجادات و رشد سریع جوامع بشري مي باشد که از جمله یکي هم فن انجنيري بشمار مي آید. رشته انجنيري را مي توان منحیث جزء عمده انکشاف منابع بشري تلقي نمود که در بهبود وضع تولید در مجموع براي مؤسسات و ممالك مختلف به مثابه عامل کلیدي نقش داشته ودر حالت محدودیت هاي وسائل تولیدي ورقابت هاي بیشمار میان عرضه کنندگان وایجاد سهولت هاي جدید و مؤثردر نظام تعلیمي وتربیه کدرهاي مسلکي به منظور انکشاف منابع بشري سهم بسزاي دارد.

افراد که به کار هاي گوناگون تولیدي اشتغال دارند وعرضه کنندگان قسمت اعظم اجناس تولیدي مورد ضرورت مردم میباشند در بهبود ساحات تولیدي غرض بدست آوردن موفقیت درین ساحه به مهارت ودرك عمیق وژرف در زمینه هاي مختلف ضرورت دارند.

بادرنظر داشت متفاوت بودن سطح انکشاف وسائل ومنابع بشري دربین ممالك مختلف در امور تربیه افراد در رشته انجنيري لازم است تا پلان هاي روي دست گرفته شود که پروسه فراگیري این رشته از دلچسپي خاصي بر خوردار باشد تا حین آموختن آن مشکلات ناشي ازعدم دلچسپي در شیوه تدریس احساس نگردد.

در سیمینار داکه (بنگله دیش) مسئله تغیر ابعاد تعلیم و تربیه به شکل مناسب آن درجهت انکشاف منابع بشري، تجهیز و رشد استعداد ها درین برهه تاریخي و پیشرفت سریع تکنالوژي جوربحث صورت خواهد گرفت.

سیمنیار مذکور طوري طرح ریزي شده است که به اشتراك کنندگان فرصت دهد تا نظریات شانرا ذریعه ایراد بیانیه ها ارائه کنند وروي ابراز نظرهاي شان بحث هاي عمیق صورت گیرد.

این سیمنیار روي مقتضیات قرن بیست ویکم در امر انکشاف منابع بشري در کشورهاي اسلامي از طرف مؤسسه انجنيران کشور بنگله دیش دائر میگردد وراجع به مهیا ساختن محل جوربحث براي تکنالوژیستها و متخصصین به منظور تحت مطالعه قرار دادن مشکلات و به صورت دقیق روي دست گرفتن اقدامات مناسب در جهت پروگرام هاي انکشاف بسویه علمي بحث صورت خواهد گرفت.

اهداف سیمینار:

الف: مساعد ساختن زمینه تبادله نظریات و معلومات بین نمایندگان مؤسسات انجنيري کشورهاي اسلامي ، تجدید آگاهي راجع به اداره و تحصیل تعلیم وتربیه .

ب: سرعت بخشیدن به پروسه همکاري بین کشورهاي اسلامي در ابعاد انکشافي منابع بشري.

ج: ارتقاي توانائي پلانگذاري بین اشتراك کنندگان با درنظر داشت تصویري از آینده و تکنالوژي وارده.

مطلب اصلي زیر بحث درسیمینار :

انکشاف منابع بشري در ممالك اسلامي و مقتضیات آن در قرن بیست ویکم.

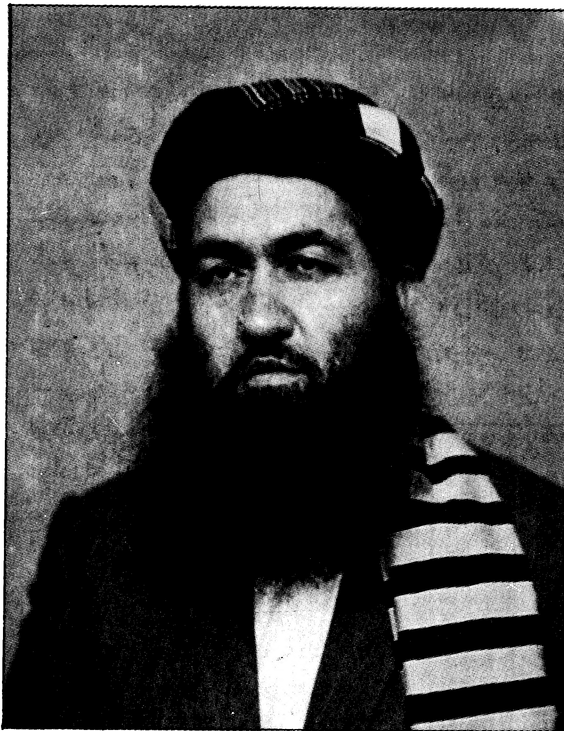
لسان طرف استفاده:

زبان رسمي که درسیمینار به آن صحبت خواهد شد انگلیسي میباشد .

با استفاده ازین فرصت (سیمینار داکه) شوراي اجرائیه اتحادیه مهندسان کشورهاي اسلامي جلسه سالانه خود را همزمان با اختتام این سیمینار دائر خواهد نمود. از نظر اینکه با تفاوت اندك زماني «سیمینار انکشاف منابع بشري در کشورهاي اسلامي و مقتضیات قرن بیستم» وجلسه سالیانه اتحادیه مهندسان کشورهاي اسلامي در داکه تدویر خواهد یافت مي توان تخمین زد که این گردهمائي بامحافل وجلسات قبلي اتحادیه مهندسان کشورهاي اسلامي تفاوت زیادي دارد وبه همین دلیل میتوان آنرا اهم تلقي نمود.

قابل یادآوریست که از برادر محترم انجنیر غلام حضرت "متواضع" رئیس انجمن اسلامي انجنیران و مهندسان دعوت به عمل آمده است تا به نماینده گي از انجنیران ومهندسان افغانستان درین سیمنار اشتراك نماید.

دحزب اسلامي افغانستان سره دقاضي محمد امين "وقاد" پیوستون



اسلام دښمنه ځواکونه داسلام او دقرآن دقانون دپلي کيدونه په ويره کښي دي او دمسلمانانو د يو کيدو په لاره کښي دهيڅ راز شيطاني هلو ځلو نه مخ نه اړوي ، ددغو هلو ځلو او نورواسلامي ضد کړوړو ترڅنګ يو هم دنړي دمسلمانانو تر مينځ دنفاق پيدا کول دي ، له بده مرغه ددغه عمل نخښي زمونږ په هيواد افغانستان کښي دمجاهدينو په ليکو کښي په واروار څرګندي شوي دي.

خو لکه څنګه چه داسلام سپيڅلي دين ديووالي دين دي او مسلمانان په ټوله نړي کښي سره يو موټي کيدوته دعوت کوي، نو دهغوي ټولي هلي ځلي کومي چه دمسلمانانو تر منځ ئي پکار اچوي دلنډ عمر درلودونکي وي او ډيرژر له منځه تلونکي وي.

ددداعيه اتحاد اسلامي مشر محترم قاضي صاحب محمد امين دا اعلان چه د جلال آبادپه ښار کښي ئي دحزب اسلامي افغانستان سره دخپل پيوستون په هکله وکړ ددي اصل ښکارندوي دي. دقاضي صاحب محمد امين يووالي او پيوستون د حزب اسلامي افغانستان سره که له يوي خوا د افغانستان مجاهد ملت ته ديوي ځلانده راتلونکي زيري ورکوي نو له بلي خوا په هيوادکښي داسلامي حکومت دجوړيدو مخالفينوته هم دبشپړه ناکامي د خبرپه حيث ګڼل کيږي.

قاضي صاحب محمد امين "وقاد" دلوړ احساس لرونکي شخصيت دي او دافغاني مجاهدينو په کړيو کښي دښه شهرت څخه برخه من دي. هغه په هيواد کښي داسلامي تحريک يو نامتو سربښندونکي په توګه يوه پيژندل شوي څيره ده . قاضي محمد امين "وقاد" داسلام په لاره کښي دهيواد دبچيانو د روزلو

سره ډيره مينه درلودله، هغه کله
چه دشرعياتو دپوهنځي نه فارغ
شو نو ددي پرځاي چه
دقضادنده تر سره کړي چه په هغه
کښي شهرت او مادي قدرت
حاصليدل او دنيائي اسانتيا وي
ډيري وي، د هغي زياتي ميني له
مخي چه داسلام په لاره کښي ئي
دراتلونکي نسل دروزلو سره
درلودله دمعلمي دنده يي غوره
کړه.

هغه دټينګ ايمان، تقوي ، لوړو
اسلامي تعليماتو او باتدبيره
شخصيت خاونددي ، په ښه
توګه دپيښنو څيړنه کوي او دخپل
عالمانه تحليل له مخي پريکړه
کوي.چه دحزب اسلامي
افغانستان سره دپيوستون په هکله
دهغه اوسني پريکړه دهمدي دليل
ثبوت دي.

دغه پيوستون کـدمجاهدينو په
ليکوکي دجهادي او جنګي مهارت
دلوړتيا په برخه کښي يو ښه
اعيزمن ګام بلل کيږي نو له بلي
خوا ديوه قوي منطق او ژوره درک
درلودونکي مشر تابه د موجوديت
ځرګندوي دي.

اوس چه افغانان دبي شميره
ستونزو سره لاس اوګريوان دي
ددي وخت رارسيدلي چه ټول
جهادي ځواکونه يوبل ته دوروري
لاسونه ورکړي اوددغو ربړود له
منځه وړلو په لاره کښي بي پايه
هلي ځلي وکړي.

مونږ په داسي حال کښي چه د

قاضي صاحب محمد امين "وقاد"
دغه پيوستون ته په نيکه سترګه
ګوري هيله من يو چه دغه روحيه په
ټول ملت کښي راو ييښه شي، ټول
جهادي تنظيمونه او کفرماتونکي
ځواکونه سره يوشي دفرصت طلبه
عناصر و او دپخواني محلد رژيم
نه په ميرات پاتي ګوډاګيان له

منځه وباسي او په هيواد کښي
داسلامي قانون په رڼا کښي امن
ټينګ کړاي شي.

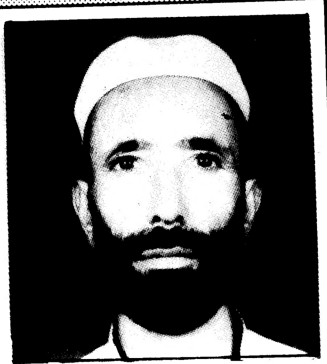
هيله من يو چه يوه ورځ به دکابل
تاريخي او دافغان ولس داتلواليو
دوياړونو نه ډک ښار دټولو جهادي
ځواکونو ديووالي شاهدوي.

قابل توجه!

از همه انجنيران ومهندسان متعهد و مؤمن كشور آرزومنديم كه طرحها ، پيشنهادات و انتقادات سودمند خويش را غرض بهتر شدن مطالب مجله عمران به اين اداره ارسال بدارند وهم با نوشتارمضامين و مقالات ارزشمند خويش محتويات نشريه متذكره را بيش از پيش غني فرمايند.

البته واضح است كه مجله مربوط به شما بوده وحيثيت علمي آن در دنياي مطبوعات نيز بشما ارتباط مي گيرد. بناءً بهتر است به تشريك همه جانبه خويش اداره مجله را ياري فرمائيد.

"اداره"



ساحل امید

استاد "تمیم"

میگریزم من ازین شبکده جای دگری
گر میسر شودم صحن وسرای دگری
دل که از بزم خموشان بستوه آمده است
می سزد گر بکشد ساز و نوای دگری
بس خرابي که من از جور خسان می بینم
مانده ام چشم بره بهر جفای دگری
میشود قبله، آمال به اغیار سترد؟!
نتوان رفت به فردوس به پای دگری
نیمه جانی که نیارست کشد بار وجود
حیف باشد که فتد باز بپای دگری
چون کشد زورق ما جانب ساحل که دمی
نه دمد بادموافق زهوای دگری
سالها رفت وهمان دشمن جانیم هنوز
چیست، جز مرگ براین فتنه دوای دگری؟
هان! سیه دیو کمین کرده براهت هشدار؟
تا رُباید زکفت باز لوای دگری
یارب این قافله را زود بمنزل برسان
نبود روزو شبم هیچ دعای دگری



کارتون از مجله الأمل

قيمت في شماره (٢٠) كلدار